

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## مقدمه مؤلف

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْقُرْآنَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا

اما بعد:

ارکان پنجگانه اسلام تهداب و بنیاد اسلام را تشکیل می‌دهد و از طرف دیگری در زندگی عملی، دعوتی و تربیتی انسان تأثیر خیلی عمیق دارد. به همین علت آموختن آن بالای هر انسان مکلف فرض و ضروری است. و بخاطری که این ارکان پنجگانه اساس و بنیاد سایر اعمال را تشکیل می‌دهد، پس تا زمانی که این ارکان به صورت درست عملی نگردد سایر اعمال فایده و تأثیر قابل تذکری نخواهد داشت.

در جامعه ما این مبادی و اصول اسلام را بنام پنج بنای اسلام می‌خوانند و در کتابی که اکنون در دسترس تان قرار دارد، کوشش نموده ایم تا همین پنج بنای اسلام را با تفصیلات ضروری آن در برابر خواننده قرار دهیم تا از یک طرف فهم و درک امور متذکره به صورت شعوری و آگاهانه در بین جامعه عام گردد و از طرف دیگر تأثیر هرچه بیشتر آن در میدان عملی، تربیتی و دعوتی برآزنده تر گردد.

## اهداف و انگیزه نوشتن این کتاب:

نخست اینکه در جامعه ما در امر شناخت اسلام و درک درست آن مشکلات و نواقص زیادی وجود دارد، تا آنجایی که حتی یکتعداد زیاد افراد باسواد و تعلیم یافته در جامعه ما ازین مسایل آگاهی لازم را ندارند. از سوی دیگری مصادر اصلی فقه اسلامی به زبان عربی تدوین یافته است، بخاطری که قرآن و سنت نبوی که اصل و مرجع تمام مسایل اسلامی است، به زبان عربی می باشند. چون در جامعه ما آموزش زبان عربی خیلی ناچیز و اندک است به همین علت اکثریت مطلق مردم ما به زبان عربی نمی فهمند. علاوه‌تاً زمینه آموزش عالی برای هر کسی مهیاء نمی گردد. مزید برآن در جامعه ما کتاب آسان و بسیطی به زبان محلی (پشتو) به نظر نمی رسد تا برادران و خواهران مسلمان ما با اطمینان کامل از آن مستفید گردند. تمام این عوامل باعث گردید تا بعد از مشوره با یک تعداد برادران و به فضل و کرم الله تعالی این کتاب مختصر را برای آموزش دوره ابتدایی و متوسطه به رشته تحریر درآورده و حضور برادران و خواهران مسلمان تقدیم می دارم.

## خصوصیات این کتاب:

در نوشتن این کتاب خصوصیات ذیل در نظر گرفته شده است:  
اول: بخش فقهی این کتاب مطابق مذهب حنفی و با استفاده از منابع و مراجع معتبر احناف تهیه شده است. مانند بدایع

الصنایع، ردالمحتار علی درالمختار، بحرالرائق، الهدایه شرح  
البدایه فتح القدیر، الاختیار للتعلیل المختار، نور الایضاح و فتاوی  
هندیه و امثال آنها.

به علت این که اکثریت بخش ملت ما پیرو مذهب حنفی بوده  
و مذهب رسمی کشور ما نیز حنفی می باشد. از سوی دیگر  
انداختن عام مردم در گرداب مسایل اختلافی کار شایسته ای  
نیست زیرا این عمل باعث تحیر و سرگردانی مردم در امور دینی  
می گردد.

دوم: در مسایل فقهی در صورت اختلاف نظر، به همان نظری  
اعتماد صورت گرفته است که مطابق آن فتوا داده شده است.

سوم: بخش مسایل فقهی این کتاب به طرز علمی سابقه تحریر  
نشده است زیرا نوشتن مسایل به طرز قدیم برای مردم مشکل  
آفرین تمام می شود در حالیکه هدف از نوشتن این کتاب اینست  
که مسایل قابل اعتماد با تعبیر آسان و قابل فهم برای عام مردم  
تقدیم گردد.

چهارم: گرچه قبلاً عرض نمودم که در نوشتن این کتاب از  
منابع قابل اعتماد استفاده صورت گرفته است، اما بازهم بخاطر  
اطمینان بیشتر و ترغیب خوانندگان تا حد زیادی آیات قرآنی و  
احادیث نبوی را برای اثبات بعض مسایل ذکر نموده ام. و از  
سوی دیگر از ذکر دلایل غیر معقول و نادرست خود داری  
صورت گرفته است. و به تخریج احادیث به صورت مختصر  
اشاره شده است.

پنجم: این کتاب تنها یک کتاب فقهی محض نیست، بلکه پنج بنای اسلام به صورت مختصر و همه جانبه شرح گردیده و با چنان روحیه و طرز دعوتی نوشته شده است که جوابگوی کمبودی‌ها و خواسته‌های عام مردم باشد. لذا تمام چالش‌هایی که در برابر آنها قرار دارد، در نظر گرفته شده است.

الله عزوجل این عمل اندک را به دربار خود قبول و منظور گردانیده و برای من و تمام برادرانی که در تصحیح و نوشتن این کتاب همکاری نموده اند، و برای تمام مسلمانان سبب هدایت گردانیده و وسیله کامیابی دنیا و آخرت همه ما بگرداند آمین یا رب العالمین.

#### یادداشت:

این کتاب مشتمل بر دو جلد است:

جلد اول آن شامل سه رکن یعنی (کلمه طیبه، نماز و روزه)

می باشد.

جلد دوم آن شامل دو رکن باقی مانده یعنی (زکات و حج)

می گردد.

## فصل اول

### تعریف اسلام

اسلام در لغت به معنای عاجزی، تسلیم شدن و گردن نهادن است.

و در اصطلاح: اسلام به معنای گردن نهادن و تسلیم شدن به آن احکامی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم از جانب الله عزوجل برای هدایت بندگان مکلف آورده است.

### معرفی ارکان مهم اسلام:

« الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَتَصُومَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا » (صحیح مسلم)

(اسلام آنست که شهادت دهی که هیچ معبودی جز الله وجود ندارد و محمد فرستاده اوست، و نماز را برپاداری، زکات را پرداززی، رمضان را روزه بگیری و اگر توان داشتی به حج بیت الله بروی.)

### تعبیر مختصری از اسلام:

میتوان گفت که این ارکان پنجگانه در حقیقت تعبیر مختصری از همه اسلام را در برابر مسلمان می گذارد. به ترتیبی که؛ قبل از

هر امر دیگر این نکته را خاطر نشان می‌سازد که هر عمل انسان که بر پایه اقرار و باور بر وحدانیت الله عزوجل صورت نگیرد، وسیله نجات و فلاح بنده شده نمی‌تواند. به تعقیب آن، تأکید می‌نماید که تنها ایمان آوردن به الله عزوجل تا زمانی که عمل صالح همراه آن نباشد، برای انسان سعادت و نیک بختی را به ارمغان نمی‌آورد.

بعد از آن اعمال اسلامی را به گونه‌ای ترتیب و تنظیم می‌نماید که از یک طرف تعلق و رابطه انسان را با الله عزوجل برقرار نموده، به صورت مستمر به تهذیب استحکام آن می‌پردازد. از سوی دیگر، این اعمال بر رابطه و تعلق انسان با جامعه و همه امت اسلامی مستقیماً اثر گذاشته و روحیه حق شناسی را در انسان زنده می‌سازد.

نماز در وجود انسان اخلاص و للهیت ایجاد نموده و نفس را از خواسته‌ها و نیت‌های ناشایسته پاک می‌سازد. روزه نفس ظاهری و باطنی انسان را تزکیه می‌کند، صفات و ارزشهای متعالی را رشد می‌دهد و روحیه و احساس مسؤولیت، همدردی و دلسوزی را در انسان تقویت می‌نماید. بوسیله زکات احساس مسؤولیت در برابر انسان‌های محتاج و ناتوان جامعه را در انسان ایجاد می‌کند، برنامه تکافل اجتماعی را به صورت عملی وضع می‌کند و انسانها را بالاتر از روابط نسبی و سیاسی قرار داده و با رشته‌های ایمانی و عواطف انسانی با هم مربوط می‌سازد. و در نهایت امر، حج احساس مسؤولیت در برابر امت اسلامی را در

ذهن انسان بیدار می‌سازد، روحیه وحدت و یگانگی بین امت را تقویت می‌نماید و از معتقدان و باورمندان اسلام یک امت بهم پیوسته و قوی می‌سازد. و همه امت اسلامی را، بدون در نظر داشت امکانات مادی و فرقه‌های آفرینشی و نژادی، در برابر پروردگار واحد به صفت بندگان او تعالی در یک صف واحد ایستاده می‌کند. و این بزرگترین ویژگی اسلام است که همه بخش‌های زندگی انسانی را به صورت محکم با همدیگر پیوند می‌دهد.

## **مفاهیم دو گانه اسلام:**

کلمه اسلام به دو معنا استعمال شده است:

### **۱- معنای عام:**

اسلام به معنای عام آن، دین همه پیامبران است که از آدم علیه السلام آغاز و تا رسالت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم ادامه یافته است که خاتمه انبیاء و رسولان می‌باشد. اسلام به این معنا شامل مسایل اعتقادی و اصول شریعت می‌گردد.

### **۲- معنای خاص:**

اسلام در استعمال خاص خود عبارت از شریعتی است که بر محمد صلی الله علیه وسلم نازل گردیده و آن احکام شرعی سابق را، که قابل نسخ بود، منسوخ نمود. و تا برپاشدن قیامت باقی و قابل تطبیق می‌باشد. نوشتاری که درین رساله خدمت تان تقدیم می‌گردد، شرحی است که در همین مورد ارائه گردیده است.

بنابر همین معنا و مفهوم اسلام، هیچ دین و قانون دیگر قابل تطبیق و تعمیم نبوده و نزد الله متعال از هیچ نوع مقبولیت و اعتبار برخوردار نمی‌باشد.

الله عزوجل درین مورد پیامبر گرامی اش را دستور میدهد که برای مردم اعلان نماید که:

«وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ

سَبِيلِهِ» [الأنعام: ۱۵۳]

(و مسلماً این راه راست من است؛ بنابراین از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه او پراکنده می‌کند) و در جای دیگری می‌فرماید:

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» [ال عمران: ۱۹]

(مسلماً دین [قابل قبول و برگزیده] نزد الله، اسلام است)

و در آیت دیگری می‌فرماید:

«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»

[ال عمران: ۸۵]

(و هرکسی جز اسلام، دینی اختیار کند، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است)

### خلاصه بحث:

بحثی را که فوقاً تقدیم گردید، میتوان چنین خلاصه نمود.  
اول: اسلام عبارت از آن دین جهانی و همه جانبه‌ای است که الله عزوجل بوسیله محمد صلی الله علیه وسلم برای ما ارشاد



نموده است، و همه بشریت مکلف است که به آن ایمان آورده و به خواسته های آن عمل نماید که مهمترین ارکان این دین در حدیث فوق الذکر بیان گردیده است.

دوم: یگانه دین مقبول و قابل پذیرش نزد الله عزوجل، دین اسلام است.

سوم: شخصی که دین دیگری غیر از اسلام را می پذیرد، آن شخص کافر، فاسق، ظالم و گمراه است.

چهارم: اسلام به معنای عام، نام دین همه انبیاء و رسولان می باشد، و به معنای خاص آن، اسم شریعت محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم است.

پنجم: اسلام پنج رکن و ستون دارد که ذیلاً شرح می گردد.

### ارکان پنجگانه اسلام:

بنابر حدیث نبوی، اسلام دارای پنج رکن است که پایه های اسلام پنداشته می شود و تمام بنای دین اسلام بر همین ستون ها استوار می باشد رسول الله صلی الله علیه وسلم درین مورد می فرماید:

« عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسِ شَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ » (صحيح البخاري)

(از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: اسلام بر پنج رکن بنا یافته است:

اول: شهادت دادن به اینکه ذات لایق عبادت جز الله وجود ندارد و بدون شک محمد صل الله علیه وسلم فرستاده الله متعال است.  
دوم: ادای نماز به صورت درست.  
سوم: زکات پرداختن.  
چهارم: اداء کردن حج بیت الله.  
پنجم: روزه گرفتن ماه رمضان.

### **مفهوم مختصر حدیث:**

درین حدیث نبوی شریف، اسلام به آن تعمیری تشبیه شده است که بر پنج ستون اساسی استوار و استحکام یافته است. به همین دلیل برای هیچ مسلمانی جایز نیست که درین ارکان پنجگانه غفلت و سهل انگاری نماید. زیرا این موارد پایه های اساسی و تهداب اسلام را تشکیل میدهد.  
قابل تذکر است که فرایض اسلام به همین پنج مورد خلاصه نمی شود، بلکه علاوه بر اینها فرایض و وجایب دیگری نیز بعهدۀ مسلمانان قرار دارد. مانند جهاد، امر به نیکی و نهی از منکر، دعوت بسوی الله، تربیت و آمثال آن

### **ویژگیها و حکمت های ارکان پنجگانه:**

ارکان پنجگانه اسلام بعضی ویژگیها و صفات خاصی دارد که در فرایض دیگر اسلامی وجود ندارد.

این ارکان قبل از هر چیز دیگر، بمثابة پیکر و وجود قابل مشاهده اسلام بوده و ساختار اساسی و بنیادی اسلام از همین ارکان می باشد.

نکته دیگر اینکه، این فرایض عبارت از آن امور تبعیدی است که بالذات مطلوب بوده و فرضیت آن بر اساس عارضه دیگری بمیان نیامده است. همچنان فرضیت آن ویژه حالات و زمان خاصی نمی باشد، بلکه فریضه ای مستقل و دائمی است. در حالیکه مشاهده می کنیم که جهاد و یا امر به معروف و نهی از منکر برای دستیابی به اهداف و مقاصد دیگری فرض شده است و مقصود بالذات نمی باشند.

### فضایل ارکان پنجگانه:

ارکان پنجگانه اسلام یگانه راه نجات و داخل شدن به جنت است. چنانچه در حدیث نبوی شریف می خوانیم :

«عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ شَيْءٍ فَكَانَ يُعْجِبُنِي أَنْ يَجِيءَ الرَّجُلُ مِنْ أَهْلِ الْبَادِيَةِ الْعَاقِلِ فَيَسْأَلُهُ وَنَحْنُ نَسْمَعُ فَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْبَادِيَةِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَتَانَا رَسُولُكَ فَرَعَمَ لَنَا أَنَّكَ تَزْعُمُ أَنَّ اللَّهَ أَرْسَلَكَ قَالَ صَدَقَ قَالَ فَمَنْ خَلَقَ السَّمَاءَ قَالَ اللَّهُ قَالَ فَمَنْ خَلَقَ الْأَرْضَ قَالَ اللَّهُ قَالَ فَمَنْ نَصَبَ هَذِهِ الْجِبَالَ وَجَعَلَ فِيهَا مَا جَعَلَ قَالَ اللَّهُ قَالَ فَبِالَّذِي خَلَقَ السَّمَاءَ وَخَلَقَ الْأَرْضَ وَنَصَبَ هَذِهِ الْجِبَالَ اللَّهُ أَرْسَلَكَ قَالَ نَعَمْ قَالَ وَرَعَمَ رَسُولُكَ أَنَّ عَلَيْنَا خُمْسَ صَلَوَاتٍ فِي يَوْمِنَا وَلَيْلَتِنَا قَالَ صَدَقَ قَالَ فَبِالَّذِي أَرْسَلَكَ اللَّهُ أَمْرَكَ بِهَذَا قَالَ نَعَمْ قَالَ وَرَعَمَ رَسُولُكَ أَنَّ عَلَيْنَا زَكَاةً فِي

أَمْوَالَنَا قَالَ صَدَقَ قَالَ فَبِالَّذِي أَرْسَلَكَ اللَّهُ أَمَرَكَ بِهَذَا قَالَ نَعَمْ قَالَ وَرَعَمَ رَسُولُكَ أَنْ عَلَيْنَا صَوْمَ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي سَنَتِنَا قَالَ صَدَقَ قَالَ فَبِالَّذِي أَرْسَلَكَ اللَّهُ أَمَرَكَ بِهَذَا قَالَ نَعَمْ قَالَ وَرَعَمَ رَسُولُكَ أَنْ عَلَيْنَا حَجَّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا قَالَ صَدَقَ قَالَ ثُمَّ وَلى قَالَ وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ لَا أَزِيدُ عَلَيْهِنَّ وَلَا أَنْقُصُ مِنْهِنَّ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَنْ صَدَقَ لِيَدْخُلَنَّ الْجَنَّةَ» (صحیح مسلم)

( از انس رضی الله عنه روایت است که فرمودند: ما (در قرآن کریم) ازین منع شده بودیم که از رسول الله صلی الله علیه وسلم سؤال کنیم. به همین سبب آرزو داشتیم که شخص اطرافی و بادیه نشینی که از عقل و فراست برخوردار باشد، آمده و از رسول الله صلی الله علیه وسلم سوال کند و ما به ایشان گوش دهیم. (در همین روزها) مرد بادیه نشینی آمده و گفت ای محمد: نماینده تو نزد ما آمده و از جانب تو به ما گفت که الله عزوجل ترا بحیث پیامبر بسوی ما فرستاده است. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: راست می گوید. بادیه نشین باز گفت: این آسمان را چه کسی آفریده است؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: الله عزوجل آفریده است. اعرابی گفت: این زمین را چه کسی آفریده است؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: الله عزوجل. اعرابی گفت: این کوهها را چه کسی نصب نموده و این چیزها را در آن چه کسی آفریده است؟

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: الله عزوجل. اعرابی گفت: ترا به آن الله که آسمان و زمین را آفرید و کوهها را نصب نموده

است، سوگند میدهم، که آیا الله عزوجل ترا به حیث پیامبر  
فرستاده است؟

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: بلی.

بادیه نشین باز گفت:

نماینده تو بما گفت که بر ما در یک شبانه روز پنج وقت  
نماز فرض است؟

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: راست گفته است.

بادیه نشین گفت: ترا قسم به ذاتی که ترا فرستاده که آیا ترا  
به آن امر نموده است؟

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: بلی.

اعرابی باز گفت: نماینده ات به ما گفت که در اموال ما زکات  
فرض است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: راست می گوید.

باز اعرابی گفت: ترا به الله سوگند که الله عزوجل این حکم را  
فرستاده است؟

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: بلی.

اعرابی گفت:

نماینده تو به ما گفت که در هر سال روزه ماه رمضان بر ما  
فرض است؟

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: راست می گوید.

اعرابی باز گفت: ترا سوگند به ذاتی که ترا فرستاده است آیا  
الله ترا چنین امر کرده است؟

پیامبر علیه السلام فرمود: بلی.

اعرابی گفت: فرستاده تو به ما گفت: کسیکه توان رفتن به حج را دارد، حج بیت الله بالایش لازم است؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: بلی. اعرابی باز پرسید: ترا به ذاتی قسم که ترا فرستاده است، آیا الله ترا چنین امر نموده است؟

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: بلی: اعرابی برگشت و گفت: سوگند به ذاتی که ترا بحق فرستاده است که نه چیزی برینها می افزایم و نه چیزی از آنها می کاهم. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر این مرد راست بگوید، حتماً به جنت داخل می شود.

در حدیث دیگری که ابو ایوب انصاری رضی الله عنه روایت نموده اند، می فرمایند:

أَنَّ أَعْرَابِيًّا عَرَضَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ فِي سَفَرٍ فَأَخَذَ بِخَطَامِ نَاقَتِهِ أَوْ بِرِمَامِهَا ثُمَّ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْ يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْنِي بِمَا يُقَرِّبُنِي مِنَ الْجَنَّةِ وَمَا يُبَاعِدُنِي مِنَ النَّارِ قَالَ فَكَفَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ نَظَرَ فِي أَصْحَابِهِ ثُمَّ قَالَ لَقَدْ وَفَّقَ أَوْ لَقَدْ هُدِيَ قَالَ كَيْفَ قُلْتَ قَالَ فَأَعَادَ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ وَتَصِلُ الرَّحِمَ دَعُ النَّاقَةَ (صحيح مسلم)

(رسول الله صلی الله علیه وسلم در سفری روان بود که ناگهان مرد بادیه نشینی ظاهر شده و در برابر شان ایستاد و از جلو شترشان گرفته و گفت: ای پیامبر الله: مرا به عملی رهنمایی کن که مرا به جنت برساند و از دوزخ دور سازد!

رسول الله صلى الله عليه وسلم بسوی او نگرست و باز بسوی یاران خود دیده و آنها را متوجه ساخت و گفت به این شخص توفیق نیکی داده شده است.

و یا اینکه گفت: به او هدایت و رهنمایی نیکی صورت گرفته است. رسول الله صلى الله عليه وسلم به آن اعرابی متوجه شده و گفت تو چه گفتی، سؤال خود را یکبار دیگر تکرار کن؟ اعرابی گفت: سوالم این بود که مرا بسوی عملی هدایت کن که مرا به جنت نزدیک نموده و از دوزخ دور سازد.

پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمود:

عبادت و بندگی الله واحد را بجا آور و هیچ چیز دیگری را با وی شریک نساز، نماز را برپا دار، زکات را پرداز، با اقربای خود صلّه رحم را بر قرار کن و حقوق آنها را اداء کن!

پیامبر صلى الله عليه وسلم چون این سخن را به اتمام رساند، به اعرابی گفت: اکنون جلو شترم را رها کن تا براه خود ادامه دهد.

در حدیث دیگری می خوانیم:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ أَعْرَابِيًّا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ إِذَا عَمَلْتُهُ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ قَالَ تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ وَتُؤَدِّي الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ وَتَصُومُ رَمَضَانَ قَالَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا أَزِيدُ عَلَى هَذَا فَلَمَّا وُلَّى قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا (صحيح البخاري)

(از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: «مرد بادیه نشینی نزد رسول الله صلى الله عليه وسلم آمده و گفت: ای رسول

الله صلی الله علیه وسلم مرا به عملی رهنمایی کن تا آنرا انجام دهم و به جنت داخل شوم!

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: عبادت الله واحد را بجا آور و هیچ کسی را با وی شریک مساز، نمازهای فرضی را برپا دار و زکات فرضی را اداء کن و رمضان را روزه بگیر. آن مرد گفت: سوگند به الله که هیچ گاهی برین چیزها زیادت نمی کنم و هیچگاهی از آن ها نمی کاهم.

و زمانی که آن مرد رو گشتانده و روان شد، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: کسیکه دوست دارد مردی از اهل جنت را مشاهده کند، به این مرد نظر کند.

در حدیث مبارک دیگری چنین آمده است:

« عَنْ جَابِرٍ أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ أَرَأَيْتَ إِذَا صَلَّيْتُ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَاتِ وَصُمْتُ رَمَضَانَ وَأَحْلَلْتُ الْحَلَالَ وَحَرَمْتُ الْحَرَامَ وَلَمْ أَزِدْ عَلَى ذَلِكَ شَيْئًا أَأَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَالَ نَعَمْ قَالَ وَاللَّهِ لَا أَزِيدُ عَلَى ذَلِكَ شَيْئًا»  
(صحیح مسلم)

(از جابر رضی الله عنه روایت است که مردی از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید: یا رسول الله مرا خبر ده که اگر نماز های فرضی را اداء کنم، ما رمضان را روزه بگیرم، حلال را حلال و حرام را حرام بدانم و (از جانب خود) در آن چیزی افزایش و نقصان نیاورم، آیا به جنت داخل می شوم؟

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: بلی آن مرد گفت: سوگند به الله که در آن هیچ زیادت و نقصانی نمی آورم.)



## فصل دوم

### رکن اول اسلام

#### (کلمه طیبه)

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

معنای ساده و مختصر کلمه طیبه اینست که: جز الله واحد هیچ ذاتی مستحق و سزاوار عبادت نیست و محمد فرستاده بر حق او تعالی است.

این کلمه مبارک بر دو قسمت مشتمل است:

اول: (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ)

این بخش کلمه طیبه وحدانیت الله عزوجل را در الوهیت و ربوبیت افاده می کند، و مفهوم آن چنین است که، هیچ چیزی و هیچ ذاتی جز الله واحد مستحق و سزاوار بندگی و عبادت نیست. تنها ذات باری تعالی است که شایسته و مستحق عبادت و بندگی است. زیرا همین ذات واحد، یگانه خالق و مالک ما و همه کائنات است، یگانه روزی دهنده، پرورش دهنده، زندگی بخش و میراننده است. هر نوع ضرر و نفع رساندن، خیر و شر، صحت و بیماری و بر آوردن حاجت ها در اختیار و تصرف او قرار دارد.

دوم: (مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ)

درین بخش کلمه طیبه این موضوع اعلان و تصدیق صورت می‌گیرد که محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم پیامبر الله عزوجل است که برای رهنمایی و هدایت بشریت فرستاده شده است. و هر آنچه که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای ما خبر داده، حق و به صورت کامل صحیح و قابل قبول است و هیچ نوع شک و شبهه ای در آن راه ندارد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند که قرآن کریم کتاب الله عزوجل است، فرشته‌ها وجود دارد، قیامت برپا شدنی است، جنت و دوزخ وجود دارد، انسان در محشر دوباره زنده ساخته می‌شود، با هر فرد حساب صورت می‌گیرد، در نتیجه این حساب و کتاب، کافران برای ابد به جهنم می‌روند و مؤمنان به صورت دائمی به جنت داخل می‌شوند.

همچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم راه و روش زندگی را به صورت عملی به ما نشان داده اند و راههای بندگی و عبادت را به ما تعلیم داده اند.

### مفهوم کلمه طیبه:

کسی که کلمه (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) را بر زبان می‌آورد، در حقیقت به این سخن اقرار و اعتراف می‌کند که این کائنات آفریدگاری دارد، چنان خالق و مالکی که هیچ شریک و مانند نداشته و غیر

از او هیچ ذات دیگری لایق و سزاوار بندگی و عبادت را نیست. بر همین اساس است که مسلمانان مکلفند تا در زندگی خود فقط از قانون و احکام او تعالی پیروی نموده و قانون و حکم غیر الله را نپذیرند.

مقصد از (مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ) اینست که محمد صلی الله علیه وسلم پیامبر الله متعال بوده و الله عزوجل شریعت و قانون خود را بوسیله وی برای هدایت و رهنمایی بشریت فرستاده است. پس به هر چیزی که دستور میدهد، مسلمانان مکلفند که آنرا عملی سازند و از هر چیزی که نهی می کند باید اجتناب کنند.

از شرح مختصری که فوقاً ارائه گردیده، آشکار می گردد که گفتن (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) در حقیقت سپردن این وعده و تعهد به الله عزوجل است که؛ « من تنها الله عزوجل را بحیث معبود خود پذیرفته ام. او خالق و مالک منست، بنابراین من بنده الله عزوجل هستم. بنده و غلام همیشه در برابر احکام بادار و مالک خود گردن می نهند، لذا من هم در برابر بادار و مولای خود تسلیم و فرمانبردار هستم. من به اندازه توان و قدرت خود، عبادت رب و پروردگار خود را اداء می کنم و احکام او را بجا می آورم.

همچنان این وعده را می سپارم که؛ چون رسول الله صلی الله علیه وسلم فرستاده و پیامبر الله عزوجل است، لذا شریعت او را می پذیرم و بحیث یک فرد امت ایشان از همه دساتیر و فرمانهای شان اطاعت می کنم و از صمیم قلب با ایشان محبت می ورزم.

## فضایل کلمه طیبه:

این کلمه دروازهٔ اسلام بشمار می‌رود و اگر شخصی سراسر عمر خود را در ظلمات کفر و شرک سپری نموده باشد و در آخر عمر صادقانه و همراه با تصدیق قلبی این کلمه را به زبان آورد، مسلمان و مؤمن بحساب می‌آید و بر اساس همین کلمه نزد الله عزوجل مستحق نجات می‌گردد.

الله عزوجل بخاطر تحقق همین کلمه پیامبران را مبعوث نموده و برای تحقق همین هدف کتابها را نازل کرده و جنت و دوزخ بر همین اساس ایجاد شده است. بر اساس همین کلمه است که مردم به دو گروه تقسیم می‌شود، یک گروه که مؤمنان اند به جنت داخل می‌شوند و گروه دیگری که متشکل از کافران و منافقان است، به دوزخ می‌روند.

الله عزوجل درین مورد می‌فرماید:

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ «

[الأنبياء : ۲۵]

(و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر آنکه به او وحی کردیم که معبودی جز من نیست، پس تنها مرا پرستید)

### کلید جنت است:

این کلمه کلید جنت بوده و بخاطر آن بنده مورد عفو قرار می‌گیرد. چنانچه روزی رسول الله صلی الله علیه وسلم به اصحاب گرامی شان فرمود:

ارْفَعُوا أَيْدِيَكُمْ وَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَرَفَعْنَا أَيْدِينَا سَاعَةً ثُمَّ وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدَهُ ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ اللَّهُمَّ بَعَثْنِي بِهَذِهِ الْكَلِمَةِ وَأْمُرْنِي بِهَا وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهَا الْجَنَّةَ وَإِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ثُمَّ قَالَ أُنَبِّشُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ غَفَرَ لَكُمْ (مسند أحمد)

(فرمود: دستهایتان را بخاطر دعاء بالا کنید! و بگویند (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) ما دستهای خود را برای دعا بلند نمودیم و بعد از لحظه‌ای رسول الله صلی الله علیه و سلم دستهای شانرا پائین کرده و فرمودند «همه ثناء و ستایش خاص برای الله عزوجل است، بار الها! مرا با این کلمه مبعوث نمودی و به دعوت بسوی همین کلمه امر نمودی و در بدل آن وعده جنت را به من دادی و تو هرگز از وعده خود خلاف نمی کنی.»

بعد از آن به اصحاب گرامی شان فرمودند: به شما بشارت باد که الله سبحانه و تعالی گناهان شما را مغفرت کرد.)

### وسيلة نجات در دنیا است.

« عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُمِرْتُ أَنْ أُفَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَإِذَا قَالُوهَا مَنَعُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّهَا وَحَسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ » (سنن الترمذي)

(از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: من مأمور شده ام با مردم بجنگم تا آنکه (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) بگویند، و چون این کلمه را بگویند، مالها و جانهای خود را از من در امان کرده اند. بجز حقی که این کلمه بالای آنها عاید می گرداند، و حساب پنهانی شان به الله متعال مربوط است.)

## وسيلة نجات در آخرت است:

پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرمایند:

« مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ »

(صحیح مسلم)

(کسیکه شهادت داد که جز الله عزوجل هیچ معبود بر حق نیست و محمد پیامبر الله است، الله عزوجل دوزخ را بر وی حرام می گرداند.)

## برترین شعبة ایمان است.

« عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْإِيمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ أَوْ بِضْعٌ وَسِتُّونَ شُعْبَةً فَأَفْضَلُهَا قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ » (صحیح مسلم)

(از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ایمان هفتاد و چند شعبة دارد که برترین آن (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) و پائین ترین آن دور کردن اشیای مضر از راه مردم است و حیاء بزرگترین شعبة ایمان است.)

## فصل سوم

### اصطلاحات فقهی

در فقه اسلام شماری از اصطلاحات وجود دارد که شناخت آن برای خوانندگان گرامی ضروری می‌باشد. این گونه اصطلاحات خیلی زیاد است، مگر در اینجا ما یکتعداد اصطلاحاتی را که با موضوع مورد بحث تعلق دارد، تعریف و شرح می‌کنیم.

#### تعریف حکم شرعی:

حکم شرعی در اصطلاح فقه، صفت آن افعال بندگان مکلف را می‌گویند که به صورت قصدی از آنها صادر می‌شود.

#### انواع حکم شرعی:

احکام شرعی به دو نوع است.  
الف: احکام تکلیفی. ب: احکام وضعی:

#### اول: احکام تکلیفی:

حکم تکلیفی آن وصف شرعی افعال را می‌گویند که از سوی بندگان مکلف به صورت قصدی صادر شده باشد. و در آن از سوی شارع انجام کاری و یا ترک آن از بندگان خواسته شود و یا آنها را در اجرای آن اختیار دهد.

## **دوم: حکم وضعی:**

حکم وضعی آنرا گویند که از سوی الله متعال یک کار برای کار دیگری سبب، شرط و یا مانع قرار داده شود. تفصیلات بیشتر این موضوع در کتب اصول فقه بیان شده است.

## **انواع حکم تکلیفی:**

در اصل احکام تکلیفی بر دو نوع است:  
اول: اعمال جایز. دوم: اعمال ناجایز.  
از نظر فقهاء اعمال جایز و ناجایز دارای اقسام ذیل است:

## **اول: اعمال جایز:**

### **۱ - فرض:**

فرض در لغت قطع کردن و یا اندازه کردن را گویند.

### **تعریف فقهاء:**

از نظر فقهاء فرض آن عملی را گویند که به دلیل قطعی ثابت شده و هیچ شک و شبهه در ثبوت آن وجود نداشته باشد.

### **فایده و ثمره:**

حکم آن چنین است که؛ اگر کسی بر آن عمل نماید، الله متعال برایش اجر و ثواب می دهد و اگر کسی از آن منکر گردد، کافر می شود. ( قابل تذکر است که این حکم در مورد آن فرایضی است که مورد اتفاق می باشد) و اگر کسی آنرا به علت



سستی و غفلت ترک کند، مرتکب گناه کبیره گردیده و گنهکار  
شمرده می‌شود.

## ۲ - واجب:

واجب در لغت لازم، پنهان شده و افتاده را گویند.  
و در اصطلاح آن عملی را گویند که لزوم آن با دلیلی ثابت  
شده باشد که در ثبوت و یا دلالت خود قطعی نبوده و ظنی  
باشد. مانند خبر واحد، قیاس و امثال آن.

### حکم و ثمره واجب:

حکم واجب اینست؛ که انسان با ادای آن مستحق اجر و  
ثواب می‌شود و ترک قصدی آن گناه است و اگر کسی از آن  
انکار نماید کافر نمی‌شود و شرعا گمراه شمرده می‌شود.  
مانند نماز وتر، خواندن سوره فاتحه در نماز و امثال آن.

## ۳ - سنت:

در لغت به صورت مطلق راه، طریقه و عادت را گویند.  
و در اصطلاح عملی را گویند که رسول الله صلی الله علیه  
وسلم همیشه به آن عمل کرده و گاهگاهی آنرا ترک نموده اند تا  
جواز ترک آن معلوم گردد.

### حکم و ثمره سنت:

عمل کردن به سنت موجب ثواب می‌باشد و با ترک کردن آن  
انسان مورد عتاب و ملامتی قرار می‌گیرد.

## اقسام سنت:

اول: سنت‌های زوائد: آنست که رسول الله صلی الله علیه وسلم به حیث عادت به آن همیشه عمل کرده است. مانند نشست و برخاست رسول الله صلی الله علیه وسلم.

دوم: سنت‌های مؤکد: آنست که رسول الله صلی الله علیه وسلم به حیث عادت به آن عمل کرده اند. و آنرا سنت‌های هدی نیز می‌گویند. مانند آذان، اقامت و امثال آن. ترک این‌گونه سنت‌ها بدون عذر باعث ملامتی گردیده و کار بد شمرده می‌شود.

## ۴ - مستحب:

آن عملی را گویند که با انجام دادن آن ثواب حاصل می‌گردد و ترک آن موجب عذاب نمی‌گردد. و به عبارت دیگر؛ مستحب عملی را گویند که شریعت اسلام و یا سلف صالح آنرا پسندیده و عمل نیک شمرده باشد.

ادب: آنست که رسول الله صلی الله علیه وسلم یکبار به آن عمل کرده و باز آنرا ترک نموده اند.

نفل: در لغت زیادت را گویند و در شریعت آن عملی را گویند که علاوه بر فرض و واجب باشد. و آنرا مندوب، مستحب و تطوع نیز می‌گویند.

## دوم: اعمال ناجایز

اعمالی که در شریعت ناجایز است به سه نوع می‌باشد.

## ۵- عمل حرام:

حرام که ضد آن حلال است آن اعمالی را گویند که حرمت آن به دلیل قطعی ثابت شده باشد و با ارتکاب آن انسان گنهگار گردیده و مستحق عذاب می‌شود و با حلال شمردن آن کافر بحساب می‌آید و ترک کردن آن موجب اجر و ثواب می‌گردد.

## ۶- مکروه تحریمی:

آن عمل ناجایزی را گویند که ممنوعیت آن به حرام نزدیک باشد و آنر حرام ظنی نیز می‌گویند. مانند اینکه واجب به نسبت فرض ظنی بحساب می‌آید.

ارتکاب اعمال مکروه تحریمی منع بوده و ارتکاب یکبار و دوبار آن گناه صغیره پنداشته می‌شود و لی دوام آن گناه کبیره بحساب می‌آید. با ترک آن به اندازه واجب اجر و ثواب داده می‌شود.

## ۷- مکروه تنزیهی:

آن عملی را گویند که ترک آن نسبت به کردن آن بهتر است و در بعضی کتابها از آن به «خلاف اولی» تعبیر شده است.

## ۸- مباح:

قابل تذکر است که در کتاب‌های فقهی اصطلاح دیگری نیز وجود دارد که آنرا مباح می‌گویند و عبارت از عملی است که به

بندگان مکلف اختیار انجام دادن و ترک کردن آنرا داده است.  
البته در روز قیامت الله متعال با بندگان ازین اعمال حساب  
آسان می‌نماید.

## اصطلاحات عمومی

### ثواب:

عوض و جزایی که در بدل بندگی و اطاعت داده می‌شود  
ثواب نامیده می‌شود.

### حسنه «نیکی»

آن خصایل و اعمالی را گویند که انسان در دنیا بوسیله آن  
مورد ستایش قرار می‌گیرد و در آخرت مستحق اجر و ثواب  
می‌گردد. و ضد آنرا سیئه «بدی» می‌گویند.

### عوض:

آنست که در مقابل عمل داده می‌شود.

### طاعت:

فرمانبرداری و گردن نهادن به احکام الله متعال را گویند.

### سفر:

در لغت طی کردن مسافه را گویند و در اصطلاح طی کردن  
آن مسافه‌ای را گویند که در اثر آن بعضی از احکام شرعی تغییر  
می‌یابد و تقریباً حدود نود یک کیلومتر اندازه گردیده است.

## شرط:

**تعریف شرط:** عملی را گویند که موجودیت کار دیگری به آن موقوف بوده ولی از ماهیت و حقیقت آن خارج باشد. به تعبیر دیگر شرط آن عمل فرضی است که از نماز بیرون است ولی نماز بدون انجام آن جایز نباشد. مانند وضوء، ستر عورت و امثال ...

شرط ها به سه نوع اند:

اول: شرط‌های انعقاد مانند نیت و تکبیر تحریمه.

دوم: شرط‌های دوام مانند طهارت، ستر عورت و روپروی قبله ایستادن...

سوم: شرط‌های وجود: مانند قرائت که در نفس الامر رکن است ولی برای ارکان دیگر شرط شمرده می‌شود زیرا قرائت در تمام نماز تقدیرا معتبر است.

## رکن:

آن عمل فرضی را گویند که موجودیت کار دیگری به آن مربوط بوده و از اجزای تشکیل دهنده آن باشد. مانند رکوع، سجده و امثال آن که ارکان نماز محسوب می‌گردد.

## طهارت:

طهارت در لغت پاکی و نظافت را گویند.

**تعریف اصطلاحی:** در اصطلاح پاکی از نجاست حکمی و حقیقی را طهارت می‌گویند:

## وضوء:

**معنای لغوی:** وضوء (الوضوء) در عربی از «الوضاء» اخذ گردیده است که به معنای حسن و زیبایی است. و وضوء را بخاطری به این اسم نامیده اند که باعث پاکی و زیبایی انسان می گردد.

**معنای اصطلاحی:** شستن اندام‌های مخصوص و به طریقه مخصوص را وضوء می گویند.

## تیمیم:

**تعریف لغوی و اصطلاحی:** تیمیم در لغت به صورت مطلق قصد کردن را گویند و در اصطلاح استعمال خاک و چیزهای پاکی که از جنس زمین باشد به طریقه مخصوص غرض دور کردن بی‌وضویی و جنابت را تیمیم می گویند.

## غسل:

غسل در لغت جاری ساخت آب بر تمام بدن و دور کردن چرک از بدن را گویند. و در اصطلاح شستن تمام بدن با آب پاک و پاک کننده را غسل می گویند.

## استنجا:

پاک کردن شرمگاه بعد از رفع حاجت را گویند.

استنجا سه نوع صورت می گیرد:

اول: استعمال اشیای زایل کننده نجاست (کلوخ، کاغذ تشناب و غیره) و بعد از آن شستن با آب. و این بهترین نوع استنجا است.

دوم: در درجهٔ دوم استعمال آب است.  
 و در درجهٔ سوم: اکتفاء به استعمال اشیای مزیل می‌باشد.  
 اما در هر صورت پاک کردن محل فرض است. سه بار پاک  
 کردن با استعمال کاغذ تشناب سنت است.  
 عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ يَبْلُغُ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِذَا اسْتَجْمَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيَسْتَجْمِرْ  
 وَتَرًا وَإِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْعَلْ فِي أَنْفِهِ مَاءً ثُمَّ لِيَنْشُرْ (مسلم)  
 از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله  
 علیه و سلم فرمودند: کسی که با سنگریزه و یا کلوخ استنجاء  
 می‌کند باید طاق باشد و کسیکه وضوء می‌کند باید آب را در  
 بینی خود استنشاق نموده و آنرا بیافشاند.

### مسح:

تماس دادن و مالیدن دست تر بالای اندامی که مسح باید  
 گردد را مسح گویند.

### حیض:

حیض در لغت جاری شدن خون را گویند و در اصطلاح  
 جاری شدن خون از رحم چنان زنی را گویند که از صغرهٔ مرض  
 و یأس (بزرگ‌سالی) سالم باشد.

### استحاضه:

خونی را گویند که از اندام مخصوص زن جاری می‌گردد نه از  
 رحم او. یعنی به سبب زخم و جرح در رحم جاری نگردد.



## **نفاس:**

خونی را گویند که بعد ولادت از رحم زن جاری می‌گردد.

## **نماز**

**معنای لغوی و اصطلاحی نماز:** نماز که در زبان عربی از آن به «الصلوة» تعبیر می‌گردد، از نظر لغت به صورت مطلق دعای خیر را گویند.

و در اصطلاح آن عبادت و بندگی مخصوصی را گویند که با مراعات کردن ارکان و شرایط آن با گفتن تکبیر آغاز می‌یابد و با گشتاندن سلام به پایان می‌رسد و مشتمل بر اقوال و افعال مخصوص می‌باشد.

## **آذان:**

در لغت اعلام کردن را گویند و در اصطلاح اعلان کردن در اوقات مخصوص و به طریقه مخصوص و با الفاظ مخصوص را آذان می‌گویند.

## **تکبیر تحریمه:**

اولین تکبیر نماز را تحریمه گویند و بخاطری به این نام مسمی شده است که با گفتن اولین تکبیر بعضی کارها بالای نماز گذار حرام می‌گردد.

### **تکبیر:**

توصیف کردن الله متعال به بزرگی و عظمت را گویند.

### **قرائت:**

عبارت از خواندن یک و یا چند آیت قرآن کریم است.

### **مدرک:**

آن نماز گزار را گویند که از آغاز نماز تا پایان آن همراه با امام در نماز شریک گردد.

### **مسبوق:**

آن نماز گزار را گویند که کم از کم یک رکعت از وی فوت شده باشد و بعد از آن در عقب امام اقتداء کرده باشد.

### **لاحق:**

آن نماز گزار را گویند که قسمت اول نماز را با امام گرفته باشد و بر اساس عذری (مانند بی وضویی) از نماز خارج گردیده و قسمت آخری نماز از وی فوت شده باشد.

### **سجده:**

گذاشتن پیشانی را بر زمین همراه با عاجزی و خضوع را سجده گویند.

## **رکوع:**

رکوع در لغت کج شدن و انحناء را گویند و در اصطلاح بخاطر بندگی و عاجزی سرخم کردن بعد از قرائت در نماز را رکوع می گویند.

## **قیام:**

ایستادن در هنگام قرائت را قیام می گویند.

## **قومه:**

ایستادن و سر بلند کردن بعد از رکوع را قومه می گویند.

## **جلسه:**

نشستن بین دو سجده را جلسه می گویند.

## **قعه:**

نشستن در حال تشهد را قعه می گویند.

## **تشهد:**

خواندن التحیات در حالت نشسته در نماز را تشهد می گویند.

## **ثنا:**

عبارت از سبحانک الله است.

### **تسمیه:**

عبارت از خواند بسم الله الرحمن الرحيم است.

### **تعوذ:**

عبارت از خواندن أعوذ بالله من الشيطان الرجيم است.

### **دعای قنوت:**

عبارت از خواند اللهم انا است.

### **تسبیح:**

عبارت از گفتن سبحان ربی الاعلی است.

### **تعظیم:**

عبارت از گفتن سبحان ربی العظیم در حالت رکوع است.

### **تأمین:**

آمین گفتن بعد از سوره فاتحه را گویند.

### **تسلیم:**

خارج از نماز به لفظ سلام را تسلیم گویند.

### **روزه:**

تعریف روزه: روزه که در زبان عربی آنرا (الصوم) می گویند، در لغت به معنای امساک و خود داری است چه خود داری از

سخن گفتن باشد و یا خود داری از خوردن و نوشیدن.  
و در اصطلاح به نیت روزه خود داری کردن از شکننده های  
روزه از صبح صادق تا غروب آفتاب را روزه می گویند.  
شرح تعریف: مفهوم شرعی روزه اینست که با در نظر داشت  
شرطها و ارکان روزه از صبح صادق تا غروب آفتاب تمام روز  
را به نیت روزه، از شکننده های روزه خود را نگهدارد.

### **اعتکاف:**

اعتکاف در لغت حبس و منع را گویند. و در اصطلاح به این  
معناست که انسان به نیت عبادت در مسجدی که در آن پنج  
وقت نماز به جماعت اداء می گردد بنشیند. و ادای آن در ده روز  
اخیر ماه رمضان بهتر است.

### **صحیح:**

صحیح عملی را گویند که شرعاً نافذ بوده و شرعاً معتبر  
شمرده شود.

### **فاسد و باطل:**

فساد و بطلان در عبادت به یک معنا می باشد. و در اصطلاح  
شرعی آنرا می گویند که یک عبادت از بنیاد عبادتی خود بیرون  
گردیده و ناقص گردد. مانند این که شرطی از شروط آن و یا  
رکنی از ارکان آن ترک گردد. چنانچه نماز با ترک یک شرط و  
یا رکن آن فاسد می گردد.

## فصل چهارم

### طهارت

معنای لغوی و اصطلاحی طهارت قبلاً ذکر گردید. و اقسام آن قرار ذیل می‌باشد.

#### اقسام طهارت:

طهارت و پاکی به اعتبار حقیقی و حکمی آن به دو نوع تقسیم شده است:

- ۱- پاکی از نجاست حقیقی.
- ۲- پاکی از حدث (بی وضویی و جنابت) و به تعبیر دیگر، پاکی از نجاست حکمی.

#### انواع نجاست:

نجاست در ابتداء به دو نوع تقسیم می‌گردد:

#### اول: نجاست حقیقی:

این نوع نجاست از حیثیت های مختلف به انواع ذیل تقسیم شده است.

- ۱- نجاست قابل دید و غیر قابل دید:  
نجاست مرئی (قابل دید) آن نجاستی را گویند که بعد از خشک شدن به چشم دیده می‌شود. مانند خون، براز و غیره.

دیگر آن نجاست غیر قابل دید بوده و آنست که بعد از خشک شدن به نظر نمی آید. مانند بول و امثال آن.

۲- نجاست خفیف و غلیظ:

نجاست غلیظ مانند شراب، خون، بول و براز انسان و آن حیواناتی که گوشت آن حرام است، مانند سگ، گرگ و غیره. و نجاست خفیف مانند بول حیواناتی که گوشت آن حلال است مانند گاو، شتر، گوسفند و امثال آنها

### **دوم نجاست حکمی:**

آنست که شریعت حکم نجاست را بر آن اطلاق کرده باشد.

### **اقسام نجاست حکمی:**

نجاست حکمی به دو قسم است:

۱- حدث اکبر: یعنی بی وضویی بزرگ مانند جنابت، حیض و قطع شدن نفاس.

۲- حدث اصغر یا بی وضوئی کوچک، آنست که در اثر خارج شدن نجاست (یعنی چیزهایی که سبب شکستن وضوء می شود) از بدن، ایجاد می شود.

### **اقسام آبها:**

آبها از نگاه حکم آن به اقسام ذیل تقسیم شده است:  
اول: آب پاک و پاک کننده: آنست که هیچ نوع کراهیت در آن وجود ندارد. مانند آبهای عادی و عام که قید معتبری در کنار آن قرار نگرفته و آنرا از آب بودن مطلق خارج نسازد. مانند آب

باران، آب چاه، آب چشمه ها و آب دریا...  
با این نوع آب، نجاست حقیقی و حکمی، هر دو رفع شده  
می تواند و درین مسئله هیچ اختلافی وجود ندارد.  
دوم: آب پاک و پاک کننده که نوعی کراهیت در آن وجود  
دارد مانند پس خوردهٔ پشک، و سایر حیواناتی که در خانه ها  
زندگی دارند مانند مار، موش و غیره.  
سوم: آب پاکی که پاک کننده نمی باشد مانند آب مستعمل. و  
آب مستعمل آنست که برای دور ساختن نجاست حکمی  
استعمال گردد و یا به نیت ثواب در حالیکه وضوء دارد. دوباره  
وضوء کند.

حکم آن اینست که نجاست حقیقی بوسیلهٔ پاک می گردد. ولی  
نجاست حکمی بوسیلهٔ آن دور نمی گردد. یعنی وضوء و غسل  
با آن درست نمی شود.

چهارم: آب نجس و پلید: آنست که نجاست در آن افتیده  
باشد. با این نوع آب هیچ نوع نجاست (حکمی و حقیقی) رفع  
نمی گردد. و طهارت حاصل نمی شود.

پنجم: آب مشکوک: آنست که خر و یا قاطر از آن نوشیده  
باشد. حکم این نوع آب اینست که اگر آب پاک دیگری در  
دسترس انسان نباشد میتواند آنرا برای رفع بی وضوءی استعمال  
نماید. به گونه ای که اگر جنب باشد، باید هم غسل و هم تیمم  
کند و اگر بی وضوء باشد، هم وضوء و هم تیمم نماید. البته هر  
کدام آنرا که اول انجام داد باکی ندارد.



## وضوء

### فضیلت وضوء:

رسول الله صلى الله عليه وسلم در مورد وضوء می فرماید:  
« عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهِ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ أَظْفَارِهِ »  
(صحیح مسلم)

از عثمان رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: کسیکه به طریقه درست وضوء کند، همه گناهان از بدنش خارج می گردد. حتی که از زیر ناخن هایش خارج می گردد.

### فرائض وضوء:

فرائض وضوء چهار چیز است:

- ۱- یکبار شستن روی از یک نرمة گوش تا نرمة گوش دیگر و از پیشانی یعنی جای بر آمدن موها تا زیر زنج. اینها در جمله روی حساب می شود.
- ۲- یکبار شستن دستها تا آرنجها، آرنجها نیز باید شسته شود.
- ۳- یکبار مسح چهارم حصه سر.
- ۴- یکبار شستن پاها تا بجلک ها.

## دلیل فرضیت وضوء:

دلیل فرضیت وضوء این آیه شریفه است که می فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ » [المائدة : ٦]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به [عزم] نماز برخیزید روی‌ها و دستهایتان را تا آرنج بشوید و سر خودتان را مسح و پاهای تانرا تا بجلک [هر دو پا] بشوید و در حدیث نبوی تذکر یافته است که:

« مِفْتَاحُ الصَّلَاةِ الطُّهُورُ ... » (سنن ابی داود- عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ)

طهارت کلید نماز است.

## شرط‌های صحت وضوء:

شرط‌های که برای صحت وضوء لازم است قرار ذیل می‌باشد:

اول: اعضای قابل شستن در وضوء باید کاملاً تر گردد و اگر جای خیلی کم آن هم خشک بماند وضوء درست نمی‌شود.

دوم: بالای اعضای وضوء باید چیزی وجود نداشته باشد که مانع رسیدن آب به جسم می‌گردد. مانند شمع، رنگ ناخن و امثال آن.

سوم: در اثنای وضوء و یا بعد از آن کاری صورت نگیرد که باعث شکستن وضوء می‌گردد.

زمانی که این شرط‌ها وجود پیدا کرد چنین وضوء صحت یافته و نماز خواندن با آن درست می‌شود و فواید دیگری بر آن مرتب می‌گردد.

## شرط‌های فرض شدن وضوء:

این که وضوء بالای چه کسانی فرض می‌گردد، موجودیت شرط‌های ذیل لازم و ضروری است.

اول: بلوغ. پس بالای شخص نابالغ وضوء فرض نمی‌باشد.

دوم: عقل است؛ یعنی بالای شخص دیوانه وضوء فرض نمی‌گردد.

سوم: اسلام است؛ یعنی بالای کافر وضوء فرض نمی‌باشد.

چهارم: قدرت استعمال آب را داشته باشد.

پنجم: این که انسان بی وضوء باشد. یعنی اگر وضوء داشت

دوباره وضوء کردن بالایش فرض نمی‌باشد.

ششم: اینکه انسان از جنابت پاک باشد. زیرا اگر شخصی

جنب باشد وضوء برایش کفایت نمی‌کند بلکه بالای چنین

شخص غسل فرض بوده و باید غسل نماید. و بعد از آنکه غسل

کرد دوباره بالایش وضوء فرض نمی‌باشد.

## سنت‌های وضوء:

اول: گفتن بسم الله الرحمن الرحيم در ابتدای وضوء چنانچه

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند:

تَوَضَّأُوا بِسْمِ اللّٰهِ (سنن النسائي - عن انس)

بنام الله وضوء را آغاز نماید.

دوم: شستن دستها تا بندها؛ البته قبل از استنجاء و بعد از آن.

«عَنْ ابْنِ أَبِي أَوْسٍ عَنْ جَدِّهِ أَوْسٍ قَالَ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَوَضَّأَ وَاسْتَوَكَّفَ ثَلَاثًا أَيْ غَسَلَ كَفَّيْهِ» (مسند أحمد)

ابن ابی اوس از جد خود اوس روایت می‌کند که گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم را دیدم که سه مرتبه دستهای خود را شست.

سوم: استعمال مسواک: پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده اند: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَوْلَا أَنْ أَشَقَّ عَلَيَّ أُمَّتِي أَوْ عَلَى النَّاسِ لَأَمَرْتُهُمْ بِالسَّوَاكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ» (صحیح البخاری)

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: اگر بر اتم سبب مشقت نمی‌شد آنها را امر می‌کردم که در وقت هر نماز مسواک استعمال نمایند.

چهارم: مضمضه: یعنی سه بار با آب تازه دهن را شستن.  
پنجم: اشتشاق: یعنی سه بار بینی را شستن.

ششم: مسح کردن گوشها همراه با سر چنانچه در حدیث میخوانیم،

عَنْ أَبِي أَمَامَةَ : " أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] تَوَضَّأَ فَمَسَحَ أُذُنَيْهِ مَعَ الرَّأْسِ ، وَقَالَ : الْأُذُنَانِ مِنَ الرَّأْسِ

از ابو امامه رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم وضوء نمودند و گوشهای خود را همراه با سر خود مسح کرده و گفتند گوشها نیز از جمله سر می‌باشد.

هفتم: خلال کردن ریش، چنانچه این عمل از عثمان رضی الله عنه روایت شده است.

هشتم: هر اندام را سه بار شستن.

« عَنْ أَبِي حَيَّةَ وَهُوَ ابْنُ قَيْسٍ قَالَ رَأَيْتُ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ تَوَضَّأَ فَعَسَلَ كَفَّيْهِ حَتَّى أَنْفَاهُمَا ثُمَّ مَضَمَّ ثَلَاثًا وَاسْتَنْشَقَ ثَلَاثًا وَعَسَلَ وَجْهَهُ ثَلَاثًا وَعَسَلَ ذِرَاعَيْهِ ثَلَاثًا ثَلَاثًا ثُمَّ مَسَحَ بِرَأْسِهِ ثُمَّ غَسَلَ قَدَمَيْهِ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ثُمَّ قَامَ فَأَخَذَ فَضْلَ طَهُورِهِ فَشَرِبَ وَهُوَ قَائِمٌ ثُمَّ قَالَ أَحَبُّتُ أَنْ أُرِيكُمْ كَيْفَ طَهُورُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ » (سنن النسائي)

از ابی حیه فرزند قیس روایت است که گفت: علی رضی الله عنه را دیدم که وضوء کرد، پس دستهای خود را سه بار شست تا خوب پاک شد، بعد از آن سه مرتبه مضمضه و سه مرتبه استنشاق نمود. بعد از آن روی خود را سه بار شست. پس هر دو دست خود را تا آرنجها سه مرتبه شست و یکبار بر سر خود مسح نمود و در اخیر پا های خود را تا بجلک ها سه بار شست و چون ایستاده شدند، باقی مانده آب وضوی خود را نوشیده و فرمودند: خواستم که وضوی رسول الله صلی الله علیه وسلم را برای تان نشان دهم.

نهم: خلال انگشتها البته اگر انگشتها از هم فاصله داشت خلال کردن آن سنت است. اما اگر انگشتانهای بهم پیوست بود، درین صورت رسانیدن آب در میان انگشتان فرض است.

« عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- « خَلَّلُوا بَيْنَ أَصَابِعِكُمْ لَا يُجَلِّلُهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي النَّارِ » (سنن الدارقطني)

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: بین انگشتان تانرا در وضوء خلال نماید تا در روز قیامت الله عزوجل آنها را بوسیله آتش جهنم خلال نکند. ( یعنی اگر بین انگشتها خشک بماند، وضوء نمی شود و سبب فاسد شدن نماز می گردد)

دهم: به ترتیب وضوء کردن، چنانچه در آیت کریم ذکر است. یعنی اینکه اول روی خود را می شوید و بعد از آن دستها را تا آرنجها می شوید، بعد از آن به سر خود مسح می کند و بعد از آن پاهای خود را می شوید.

یازدهم: نیت کردن وضوء؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند:

إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ.

ثواب اعمال وابسته به نیتها می باشد.

دوازدهم: شستن پی در پی اندامها.

سیزدهم: مسح نمودن تمام سر.

## مستحبات وضوء:

مستحبات وضوء قرار ذیل است:

اول: شستن اندامها را از طرف راست شروع کردن چنانچه در

حدیث نبوی وارد است که

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا وَذَكَرَتْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُحِبُّ التَّيْمَانَ مَا اسْتَطَاعَ فِي طَهْوَرِهِ وَنَعْلِهِ وَتَرْجُلِهِ (سنن النسائي)

از عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم از راست آغاز کردن در هر کاری را دوست داشت، در وضوء کردن در پوشیدن بوتها و در شانها کردن موها..

دوم: مسح نمودن گردن. درین مورد روایاتی در سنن ابوداود، مسند البزار و طحاوی نقل شده است. و مولانا عبدالحی لکنوی نوشته است که احادیثی که در مورد مسح گردن آمده است ضعیف است ولی موضوعی نیست. همچنان امام نووی همین سخن را گفته است. علاوه بر آن تعامل امت نیز برین عمل ثابت می باشد و برای اثبات استحباب یک حکم همینقدر دلیل کفایت می کند.

### آداب وضوء:

آدابی که در وضوء باید مراعات گردد، قرار ذیل می باشد  
اول: جز دعای مأثور ترک نمودن سخن گفتن.

دوم: انداختن آب به دهن و بینی با دست راست و افشاندن بینی با دست چپ.

سوم: در هنگام وضوء رو بروی قبله نشستن و در جریان وضوء دعا های مأثور را خواندن.

چهارم: در هنگام وضوء در جای بلند نشستن به ترتیبی که خود را از قطرات آب مستعمل نگهدارد.

پنجم: بعد از انجام وضوء این دعا را خواندن:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ  
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ.

شهادت می‌دهم که جز الله هیچ معبودی نیست او واحد است  
و هیچ شریکی ندارد و شهاد می‌دهم که محمد بنده و فرستاده الله  
است، بار الها مرا از جمله توبه کنندگان و از جمله پاکان بگردان.

درین مورد در حدیث نبوی ذکر است که :

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَوَضَّأَ  
فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ  
مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ فَتُحْتِ  
لَهُ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابٍ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

از عمر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: کسی که به طریقه درست و نیک وضوء  
کرد و بعد از آن گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ  
أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ  
در برابرش هشت دروازه جنت باز می‌شود و او از هر کدام  
آنها که بخواهد داخل شده می‌تواند.

## مکروهات وضوء:

مکروهات وضوء قرار ذیل است:

اول آب را محکم بروی زدن.

دوم: افشاندن بینی در داخل آب.

سوم: با دست چپ دهن و بینی را شستن.



چهارم: در اثنای وضوء آب را بیش از اندازه استعمال کردن یعنی اسراف کردن در استعمال آب.  
پنجم: از اندازه لازم کم استعمال کردن آب.  
ششم: بدون ضرورت سخن گفتن.  
هفتم: بدون ضرورت از دیگران کمک خواستن.

### **شکننده های وضوء:**

چیز هایی که سبب شکستن وضوء می گردد، قرار ذیل اند.  
اول: خارج شدن چیزی از راه معتاد (پیش و عقب) هر چیزی که باشد.

دوم به پری دهن قی کردن.  
سوم تکیه زده بخواب رفتن.  
چهارم: در اثنای ادای نماز خنده فیهقه سر دادن در آن نمازی که رکوع و سجده دارد.  
پنجم: دیوانه شدن.  
ششم: بی هوش گردیدن.  
هفتم: نشه شدن.  
هشتم: جاری شدن خون یا ریم از بدن.

### **اقسام وضوء:**

وضوء از نگاه حکم، دارای اقسام ذیل است:  
اول: وضوء فرضی:

در حالات ذیل وضوء فرض می‌باشد:

- برای ادای نماز وضوء کردن فرض است، چه نماز فرضی باشد یا سنت و نفل بدون وضوء نماز درست نمی‌شود.
- برای نماز جنازه وضوء کردن فرض و شرط است.
- برای بدست گرفتن قرآن کریم و باز کردن آن وضوء فرض است و بدون وضوء گرفتن آن جواز ندارد.
- برای ادای سجده تلاوت هم وضوء فرض است. زیرا سجده بزرگترین رکن نماز است.
- دوم: وضوهای مسنون و مستحب:
- در حالات ذیل وضوء مستحب و مسنون است.
- برای ذکر نمودن.
- هنگام بخواب رفتن.
- زمانی که شخص جنب غسل می‌کند، باید اول وضوء کند.
- در حالت جنایت اگر چیزی می‌خورد می‌نوشد، وضوء کردن بالایش مستحب است.
- تجدید وضوء برای هر نماز مستحب است

## غسل

غسل که تعریف آن در مصطلحات گذشت، احکام تفصیلی آن چنین است.

### فرائض غسل:

- ۱- شستن دهن (مضمضه کردن).
  - ۲- شستن بینی (استنشاق کردن).
- البته در ضمضمه کوشش نماید که آب به همه اطراف دهن و در استنشاق آب به خیشوم برسد. به شرطی که غسل کننده روزه نداشته باشد.
- ۳- شستن تمام بدن.

### سنت های غسل:

- سنت های غسل قرار ذیل است:
- ۱- برای غسل نیت کردن.
  - ۲- بسم الله ... گفتن.
  - ۳- شستن دستها تا بند دست.
  - ۴- شستن اندام مخصوص.
  - ۵- دور کردن نجاست ظاهری از بدن.
  - ۶- وضوء کردن مانند وضوی نماز.

- ۷- شستن تمام بدن سه بار.
- ۸- شستن تمام بدن پی‌درپی.

## آداب غسل

- ۱- در جایی غسل کند که کسی او را نبیند.
- ۲- ندیدن بسوی عورت خویش.
- ۳- در جریان غسل سخن نگفتن.
- ۴- خشک نمودن بدن با جان پاک.
- ۵- بعد از غسل بر رسول الله صلی الله علیه وسلم درود گفتن.

## موجبات غسل:

- چیزهایی که غسل را بالای انسان واجب می‌گرداند ازین قرار است:
- ۱- خارج شدن منی به صورت دفع و شهوت، چه در حالت بیداری باشد و یا خواب از مرد و یا زن.
  - ۲- پنهان شدن سر ذکر در فرج زن، گرچه انزال صورت نگیرد.
  - ۳- زمانی که انسان از خواب بر می‌خیزد و بر لباس های خود آثار منی را مشاهده می‌کند، گرچه خوابی که دیده است بیادش نباشد.
  - ۴- پاک شدن زن از حیض (عادات ماهوار) و نفاس (خونی

که بعد از ولادت طفل خارج می گردد.) و یا تکمیل شدن مدت آن که دراز ترین مدت حیض ده روز و از نفاس چهل روز است.

### **غسل های مسنون و مستحب:**

- ۱- غسل کردن برای نماز جمعه.
- ۲- غسل کردن برای نمازهای عید.
- ۳- غسل کردن برای بستن احرام.
- ۴- غسل کردن برای رفتن به عرفات.

### **مسح بر موزه ها و جراب های ضخیم:**

مسح بر موزه ها و آنچه در حکم آنست به اتفاق اهل سنت مشروع و طریقه مسنون است و احادیث درین مورد به حد متواتر معنوی رسیده است.

همچنان مسح بالای جرابها در صورتی جایز است که مجلد (یعنی از طرف پائین و بالای آن پوش چرمی داشته باشد و یا اقلاً منعلین) یعنی از طرف کف ها پوش داشته) باشد و یا خیلی ضخیم باشد که در حکم موزه داخل گردد و نشانه آن اینست که منزل کردن با آن ممکن باشد و یا بدون رابر و بستن با چیز دیگری بر بندهای پای ایستاد بماند. و اگر جرابها نازک باشد، درینصورت نزد هر چهار امام مسح بر آن جایز نیست.

## شرط‌های جواز مسح بر موزه و ماسی:

اول: این که موزه را در حالت با وضویی به پای خود کرده باشد.

دوم: موزه به اندازه‌ای باشد که اقلا هر دو بجلک‌ها را پنهان ساخته باشد.

سوم: در موزه به اندازه سه انگشت و یا اضافه تر از آن پاگی وجود نداشته باشد.

چهارم: اینکه بدون بستن به پای محکم ایستاده شود.  
پنجم: از داخل شدن آب به داخل موزه و رسیدن آن به پای جلوگیری نماید.

ششم: منزل کردن متواتر با آن ممکن باشد.  
در جراب‌ها نیز همین شرط‌ها ضروری است و شرط‌های دیگر آن در فوق تذکر یافت.

## اندازه مسح بر موزه:

مقدار مسح فرضی بالای موزه به اندازه سه انگشت است. البته مراد از آن سه انگشت خورد دست می‌باشد.

## طریقه مسنون مسح بر موزه:

طریقه مسنون مسح اینست که با سه انگشت خود از طرف انگشت‌های پای به طرف بالا کش نماید.

## مدت مسح:

اول: برای مسافر مدت سه شبانه روز جایز است.

دوم: برای مقیم یک شبانه روز می‌باشد.

## شکننده های مسح:

چیزهاییکه باعث شکستن مسح بر موزه می‌گردد قرار ذیل است:  
اول: به هر چیزی که وضوء می‌شکند مسح بر موزه نیز به همان چیزها می‌شکند.

دوم: کشیدن موزه از پای.

سوم: اینکه مدت مسح بگذرد. زمانی که مدت مسح پوره گردد، اگر شخص مسح کننده وضوء داشت تنها شستن پای برایش کفایت می‌کند و اعاده وضوء بالایش لازم نیست. اما اگر وضویش شکسته بود باید دوباره وضوء کند باز مطابق قاعده و قانون مسح نماید.

چهارم: زمانی که به بخشهای زیاد آن آب داخل گردد.

## تیمم

تیمم که تعریف آن در بحث مصطلحات گذشت، دلیل مشروعیت آن ازین قرار است:

### طریقه تیمم:

برای تیمم کردن هر دو دست ها را دو بار به زمین و یا خاک می زند. بار اول روی خود را مانند شستن در وضوء مسح می کند و در بار دوم هر دو دست را تا آرنجها مسح می کند.

### دلیل مشروعیت تیمم:

الله عزوجل می فرماید:

وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ  
النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ  
كَانَ عَفُورًا غَفُورًا [النساء : ۴۳]

و اگر بیمارید، یا در سفرید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمده، یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آبی [برای وضو یا غسل] نیافتید، به خاکی پاک، تیمم کنید و بخشی از صورت و دست‌های تان را [با آن] مسح نمایید؛ یقیناً خدا همواره گذشت کننده و بسیار آمرزنده است.



## شرط‌های صحت تیمم:

شرط‌های لازمی برای صحت تیمم به شرح ذیل می‌باشد:

اول: نیت کردن، زیرا بدون نیت تیمم درست نمی‌شود.

شرط‌های داخل نیت:

الف: نیت پاک شدن از بی‌وضوئی.

ب: نیت روا شدن نماز.

ج: این که در تیمم نیت عبادتی را بکند که بدون وضوء صحیح نمی‌باشد. مانند نماز، سجده‌های تلاوت و امثال آن. اگر برای گرفتن قرآن کریم تیمم کرد با این تیمم نماز جایز نمی‌باشد. زیرا تلاوت بدون وضوء نیز درست می‌باشد و دیگر این که گرفتن قرآن کریم عبادت مقصودی بحساب نمی‌آید.

دوم: شرط دوم تیمم اینست که موجودیت چنان عذری که سبب جواز تیمم گردد. مانند بیماری، عدم موجودیت آب و یا دور بودن آن به اندازه یک میل ..

سوم: اینکه تیمم باید بر خاک پاک و یا چیزهایی که از جنس آن است صورت گیرد. مانند سنگ، ریگ و امثال آن. چیزهایی که از جنس زمین نیست در صورتی تیمم بالای آن جایز است که بالای آن خاک نشسته باشد

چهارم: دوبار دستها را به خاک زدن. یک بار برای مسح کردن روی و یکبار برای مسح کردن هر دو دست.

پنجم: مسح کردن دستها و روی با کف دست.

ششم: حایلی در برابر مسح قرار نگیرد مانند ساعت، انگشتر و چوری و غیره.  
هفتم: مانعی برای تیمم وجود نداشته باشد مانند حیض نفاس و امثال آن.  
هشتم: در مسح تمام و یا اکثر قسمت های کف دست استعمال گردد.

### **ارکان تیمم:**

ارکان تیمم قرار ذیل است:  
اول: مسح کردن تمام روی.  
دوم: مسح کردن دستها همراه با مسح آرنجها.

### **سنت های تیمم:**

سنت های تیمم قرار ذیل است:  
اول: بسم الله ... گفتن.  
دوم: مراعات ترتیب در مسح کردن، یعنی اول مسح کردن روی باز دست راست و بعد از آن دست چپ.  
سوم: مسح کردن متواتر دستها و روی .  
چهارم: تکاندن خاک از دستها بعد از زدن آن به خاک.  
پنجم: زمانی که دستهای خود را بخاک می گذارد، درین وقت انگشاتهایی خود را کمی گشاده گرفتن.  
ششم: در وقت مسح دستهای خود را بالا و پائین بردن.

## عذر هایی که تیمم را جایز می‌سازد:

عذر هایی که در موجودیت آن تیمم جایز می‌گردد قرار ذیل است:

اول: اینکه آب به اندازه یک میل دول باشد.

دوم: چنان بیماری که با وضوء کردن به آن ضرر می‌رسد و یا داکتر متخصصی خبر دهد که وضوء کردن به آن ضرر می‌رساند. سوم: اگر گمان غالب این باشد که در صورت وضوء کردن با آب از سردی هلاک و یا مریض می‌شود.

چهارم: اگر آبی را که نزد خود دارد استعمال کند تشنه خواهد ماند. و این در صورتی است که مقدار کم آب نزد خود داشته باشد.

پنجم: اینکه در بین انسان و آب دشمن و یا حیوان درنده‌ای حایل باشد.

ششم: گمان غالب این باشد که اگر به وضوء مشغول شود نماز عید و یا نماز جنازه قضاء گردد.

## طریقه عملی تیمم:

طریقه مختصر تیمم ازین قرار است:

برای تیمم دوبار دستها به زمین و یا خاک زده می‌شود. بار اول دست‌های خود را بر روی خویش مانند وضوء کردن می‌مالد و بار دوم هر دو دست‌های خود را تا آرنج‌ها مسح می‌نماید.

## شکننده های تیمم:

چیزهایی که موجب شکستن تیمم می گردد قرار ذیل است:  
اول: چیزهایی که باعث شکستن وضوء می گردد، باعث شکست تیمم نیز می گردد.  
دوم: زایل شدن عذر هایی که باعث جواز تیمم گردیده است. و قدرت یافتن به استعمال آب.

## بیان مختصر مسایل خاص زنان

### اول: حیض:

معنای لغوی حیض عبارت از سیلان و جریان یافتن است. و در اصطلاح شرعی حیض عبارت از خون مخصوصی است که از رحم زن بالغ، سالم و جوان جاری می‌گردد. مدت اکثر آن ده روز و کمترین مدت آن سه روز می‌باشد. اما خونی که در خورد سالی از دختری جاری می‌گردد و یا از زن کهنسالی که آئسه گردیده خارج می‌گردد حیض گفته نمی‌شود.

### احکام و مسایل مربوط به حیض:

الف: حیض از زن نماز را ساقط می‌سازد و قضای آن بالا زن لازم نمی‌باشد.

دوم: گرفتن روزه را بالایش حرام می‌گرداند. البته قضایی روزه را در وقت مناسب باید اداء کند.

سوم: به مسجد داخل شده نمی‌تواند.

چهارم: قرآن کریم را خوانده نمی‌تواند. اگر زنی مدرس قرآن کریم است در حالت حیض می‌تواند که نیم نیم آیت به شاگردان درس بدهد. همچنان به صورت تهجی نیز می‌تواند قرآن را بخواند.

پنجم: به قرآن دست زده نمی‌تواند مگر اینکه به چنان

دستمالی پیچیده باشد که از قرآن کریم جدا باشد. درین صورت می‌تواند که قرآن کریم را بدست بگیرد.  
ششم: بیت الله را طواف کرده نمی‌تواند.  
هفتم: شوهرش باوی همبستری (جماع) کرده نمی‌تواند.

### **ب: استحاضه:**

خونی که خارج از مدت حیض باشد، یعنی آن‌که از ده روز زیادتر و یا از سه روز کمتر باشد و یا آنکه از دختر نابالغ و یا از زن سالخورده که در سن یأس رسیده باشد و یا در اثر بیماری از وجود زن جوان خارج گردد، تمام اینها را استحاضه می‌گویند.

### **احکام استحاضه:**

کارهایی که بالای زن در حالت حیض حرام است برای استحاضه حلال است. البته اگر خون از بدنش شب و روز به صورت مستمر جاری بوده و اینقدر وقت نمی‌یابد که در حال پاکی نماز بخواند در آنصورت برای هر نماز باید یک وضوء بگیرد و نماز بخواند.

### **ج: نفاس:**

از تنفس گرفته شده است و در اصطلاح خونی را گویند که بعد وضوح حمل از رحم زن جاری می‌باشد. اقل مدت آن مشخص نیست و زیادترین مدت آن چهل روز می‌باشد و احکام آن مانند احکام حیض است.

## فصل پنجم

### رکن دوم اسلام ( نماز )

نماز رکن دوم اسلام است و تعریف لغوی و اصطلاحی آن در بحث مصطلحات تقدیم گردید. و اینک تفصیلات آنرا به شرح ذیل تقدیم می‌کنیم.

#### الف: دلیل مشروعیت و فرضیت نماز:

مشروعیت نماز با دلایل قرآنی، سنت رسول الله و اجماع امت ثابت است.

الله عزوجل می فرماید:

« فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا

مَوْقُوتًا » [النساء : ۱۰۳]

همین که [از سوی دشمن] مطمئن شدید، نماز را [به صورت معمولش] اقامه کنید. مسلماً نماز همواره در اوقاتی مشخص و معین و وظیفه‌ای مقرر و لازم بر مؤمنان است.

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» [الروم : ۳۱]

و نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ  
الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ « (صحيح البخاري)

از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله  
علیه و سلم فرموده اند: اسلام بر پنج رکن استحکام یافته است،  
شهادت دادن به اینکه جز الله واحد هیچ ذاتی قابل عبادت نیست  
و محمد فرستاده الله است. اقامه نماز، پرداختن زکات، گرفتن  
روزه رمضان، اداء کردن حج بیت الله )

در حدیث دیگری می فرماید:

أَطِيعُوا رَبَّكُمْ وَصَلُّوا حَمْسَكُمْ وَأَدُّوا زَكَاةَ أَمْوَالِكُمْ وَصُومُوا شَهْرَكُمْ وَأَطِيعُوا  
ذَا أَمْرِكُمْ تَدْخُلُوا جَنَّةَ رَبِّكُمْ (سنن الدارقطني - عن ابی أمامة)

« ای مردم از پروردگار اطاعت کنید، پنج وقت نماز تان را  
بخوانید، زکات اموال تانرا پردازید، ماه رمضان را روزه بگیرید،  
از امیر تان اطاعت کنید و به جنت پروردگار تان داخل شوید.

## حکم تارک نماز:

اگر شخصی از فرضیت نماز انکار نموده و بر همین اساس  
نماز را ترک نماید، از نظر شریعت اسلامی و به اتفاق همه علماء  
کافر و از دایره اسلام خارج است. زیرا فرضیت نماز با نصوصی  
ثابت شده است که همه در ثبوت و هم در دلالت خود قطعی  
می باشند.

و اما اگر کسی از فرضیت آن انکار نمی کند، بلکه بنا بر تنبلی  
و غفلت نماز را ترک می کند، نزد جمهور علماء کافر پنداشته



نمی‌شود، بلکه فاسق خوانده می‌شود که مرتکب بزرگترین گناه شده است و باید هر چه زودتر توبه نموده و نمازش را بخواند. امام احمد بن حنبل می‌گوید: کسیکه نماز را قصداً و بدون عذر ترک نمود، کافر و از امت اسلامی خارج بوده همسرش طلاق می‌شود و اگر به همین حالت بمیرد، نماز جنازه بالایش خوانده نمی‌شود و در هدیرهٔ مسلمانان دفن نمی‌گردد. البته چنانچه گفتیم، از نظر سایر ائمه چنین شخصی کافر نیست ولی عملش عمل کفری بوده و اگر توبه نکند باید شدیداً مجازات شود.

### ج: جایگاه نماز در اسلام:

بعد از ایمان به وحدانیت الله متعال و ایمان به رسالت و پیامبری رسول الله صلی الله علیه و سلم، بزرگترین فریضهٔ اسلامی نماز است که نسبت به هر عبادت دیگری نزد الله متعال محبوب و ارجمند است. به همین علت الله متعال در یک شبانه روز پنج وقت نماز را بالای مسلمانان فرض گردانیده است.

نماز یکی از مهم‌ترین و بزرگترین ارکان اسلام است و در حدیث نبوی ستون اسلام خوانده شده است. رسول الله صلی الله علیه و سلم درین مورد می‌فرمایند:

أَمَّا رَأْسُ الْأَمْرِ فَلِإِسْلَامٍ فَمَنْ أَسْلَمَ سَلِمَ وَأَمَّا عَمُودُهُ فَالصَّلَاةُ وَأَمَّا دُرُوءُهُ سَنَامُهُ فَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (مسند أحمد - عن معاذ بن جبل رضی الله عنه)

اما رأس دین، اسلام است و کسیکه مسلمان شد، سالم

می‌ماند و اما ستون آن نماز است و بلندترین قله آن جهاد در راه  
الله متعال است.

نماز عنوان ایمان و بزرگترین نشانه آن است. در حدیثی که از  
جابر رضی الله عنه روایت شده است، چنین می‌خوانیم:  
عَنْ جَابِرٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ  
الْكُفْرِ أَوْ الشِّرْكِ تَرْكُ الصَّلَاةِ (مسند أحمد)

از جابر رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول الله  
صلی الله علیه و سلم شنیدم که فرمودند: سرحد بین یک انسان و  
شرک و کفر ترک نمودن نماز است.

### هدف و مقصد اصلی نماز:

هدف اساسی نماز در اسلام اینست که عظمت و بزرگی خالق  
کائنات در ذهن مسلمانان ترسیم گردیده و از عذاب الهی بترسند و  
نتیجتاً به اوامر او تعالی عمل نموده و از منهیات اجتناب نمایند.

مقاصد عمده نماز را میتوان درین نکات تذکر داد:

\* - نماز مسلمان را از منکرات منع می‌کند:

چنانچه الله عزوجل درین مورد می‌فرماید:

« وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ  
وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ » [العنکبوت : ۴۵]

و نماز را برپا دار، یقیناً نماز از کارهای زشت و کارهای  
ناپسند باز می‌دارد؛ و همانا ذکر خدا بزرگ تر است، و خدا آنچه  
را انجام می‌دهید، می‌داند.

\* - نماز محبوبترین عمل بعد از ایمان نزد الله متعال است.  
 عن عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَيَّ  
 اللَّهُ قَالَ الصَّلَاةُ عَلَى وَقْتِهَا قَالَ ثُمَّ أَيٌّ قَالَ ثُمَّ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ قَالَ ثُمَّ أَيٌّ قَالَ  
 الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (صحيح البخاري)

(از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدم که کدام عمل نزد الله عزوجل بسیار محبوب است؟ ایشان فرمودند: اداء کردن نماز در وقت آن.

پرسیدم، بعد از آن کدام عمل؟

فرمود: نیکی با پدر و مادر.

پرسیدم که بعد از آن؟

فرمود جهاد در راه الله عزوجل.

\* - نماز ذریعه داخل شدن به جنت است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم درین مورد می فرماید:  
 « قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنِّي فَرَضْتُ عَلَى أُمَّتِكَ خَمْسَ صَلَوَاتٍ وَعَهْدْتُ عِنْدِي  
 عَهْدًا أَنَّهُ مَنْ جَاءَ يُحَافِظُ عَلَيْهِنَّ لَوْ قَتَلَتْهُ الْجِنَّةُ وَمَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهِنَّ فَلَا  
 عَهْدَ لَهُ عِنْدِي » (سنن ابی داود - عن ابی قتادة بن ربعی)

( رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: الله عزوجل فرمود که من بر امت تو پنج نماز را فرض گردانیده ام و با خود چنین عهد نمودم که کسیکه این نمازها را در وقت خودش اداء و حفاظت کند، او را به جنت داخل سازم و کسیکه آنرا حفاظت نکند از جانب من هیچ عهدهای با وی نیست)

\* - ادای نماز پنجگانه سبب کفاره گناهان می شود:

در حدیث صحیح می خوانیم که :

« عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الصَّلَاةُ الْخَمْسُ وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ مَا لَمْ تُغَشَّ الْكَبَائِرُ » (صحیح مسلم)

(از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: نماز های پنجگانه و نماز های جمعه سبب کفاره گناهانی می شود که بین دو نماز جمعه صورت می گیرد، به شرط اینکه مسلمان مرتکب گناه کبیره نشود.)

در حدیث دیگری رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند: پنج وقت نماز است که الله عزوجل فرض کرده است، کسیکه به طریقه درست وضوء می کند و نماز را به وقت آن و با رکوع و خشوع کامل اداء می کند، الله عزوجل وعده نموده است که او را ببخشد و اگر این کار را نکند، هیچ وعده ای نزد الله ندارد اگر الله بخواهد او را می بخشد و اگر نخواهد او را عذاب می نماید.

### فوائد نماز در زندگی روزانه:

علاوه بر آنچه گفته شد، نماز تأثیرات مثبت و مفید اجتماعی و تربیتی بالای انسان نیز دارد که مختصراً چنین شرح می گردد.

#### اول: زنده ساختن احساس بندگی:

بزرگترین و برترین اثر نماز اینست که در قلب بنده این احساس را زنده می سازد که؛ من بنده الله هستم و در هر حالت بندگی او را بجا می آورم. زنده بودن این احساس بندگی و

عبودیت بخاطری ضروری پنداشته می‌شود که با همین وسیله میتوان با شیطان مقابله نموده و از دسایس و وسوسه های وی خود را حفاظت نمود. شیطان دشمن ابدی انسان است و در هر حال می‌کوشد تا انسان را از بندگی الله عزوجل غافل ساخته و غلام و مطیع خود سازد. درین حالت اگر احساس بندگی در قلب انسان زنده باشد، فریب دسایس شیطان را نمی‌خورد و مرتکب ناشکری در برابر پروردگار خود نمی‌شود و این احساس بوسیله نماز های پنجگانه زنده و تازه نگهداشته می‌شود.

### **دوم: وظیفه شناسی:**

از آنجاییکه انسان مسلمان در مسیر زندگی خود در هر قدمی با احکام الهی روبرو می‌باشد و باید به آنها عمل نماید، لذا نیاز دارد که احساس وظیفه شناسی و ادای مسئولیت در قلب وی همیشه زنده و بیدار باشد و باید به ادای مسئولیت و مکلفیت های خود عادت داشته باشد کسیکه مسئولیت های خود را بداند ولی به ادای آن عادت نداشته باشد، به هیچ صورت نمی‌تواند که مسئولیت های خود را بسر برساند. این عادت و مسئولیت پذیری زمانی در انسان قوی می‌گردد که نماز های خود را به صورت درست اداء نماید.

### **سوم: تقویت روحیه سمع و طاعت:**

نماز روحیه سمع و طاعت را در انسان قوی می‌سازد. به این مقصد است که الله عزوجل پنج وقت نماز و پنج وقت آذان را مقرر نموده است تا مسلمان همیشه منتظر آواز بوده و آماده تنفیذ

احکام الهی باشد. پس کسی که به پنج وقت نماز حاضر می‌شود، حتماً روحیهٔ سمع و طاعت در وی تقویت می‌گردد.

#### **چهارم: ایجاد خوف الهی در قلب:**

مسلمان تا زمانی نمی‌تواند عبادت الله عزوجل را به صورت درست اداء نماید که خوف و ترس الله عزوجل در قلبش جای گیرد. خوف و ترس الهی زمانی در قلب انسان ایجاد می‌گردد که نماز را به صورت درست اداء نماید. زمانی که انسان نمازهای پنجگانه را به صورت درست اداء کند از ارتکاب گناهان دیگر منع می‌شود.

نماز در قلب انسان اخلاص و للهِیت را زنده ساخته و نیت‌های سوء و اراده‌های نادرست را از بین می‌برد.

#### **پنجم: تقویت روابط با همی جامعه:**

نماز روحیهٔ اجتماعی و همزیستی با دیگران را در انسان ایجاد و تقویت می‌کند. زیرا شخصی که پنج وقت نماز را در مسجد و به جماعت اداء می‌کند، حتماً با اهل قریه و محلهٔ خود ملاقات نموده و از احوال آنها اطلاع می‌یابد و در غم و خوشی‌های شان شریک می‌شود و ازین طریق است که روحیهٔ همزیستی و اجتماعیت در انسان تقویت می‌یابد.

خلاصه اینکه، همچنان که نماز تعلق و رابطهٔ انسان را با پروردگار یکتا برقرار ساخته و به صورت مستمر به تهذیب و استحکام آن می‌افزاید، رابطهٔ فرد را با جامعه و همهٔ امت اسلامی

نیز محکم گردانیده و روحیه حق شناسی و مسئولیت پذیری را در برابر آنها زنده می سازد.

### **اقسام نماز:**

نماز از نگاه حکم آن به چهار نوع می باشد که عبارت از نماز فرض، نماز واجب، نماز سنت و نماز مستحب اند. در شرح ذیل اقسام نماز را به صورت مختصر معرفی می نمایم.

### **اول: نماز های فرضی:**

۱- نماز صبح: نماز فرض صبح دو رکعت بوده و وقت آن از صبح صادق آغاز یافته و تا طلوع آفتاب ادامه می یابد.

۲- نماز ظهر: نماز فرض ظهر چهار رکعت است که وقت آن از آغاز زوال آفتاب آغاز می یابد و تا آنوقت ادامه می یابد که سایه هر چیز غیر از سایه زوال دو برابر خودش گردد. البته در موسم گرما تأخیر کردن نماز ظهر و در موسم زمستان ادای آن در اول وقت بهتر می باشد.

۳- نماز عصر: نماز عصر هم چهار رکعت است و وقت آن از تمام شدن وقت ظهر آغاز یافته و تا غروب آفتاب ادامه می یابد.

۴- نماز مغرب: نماز مغرب یا شام سه رکعت است و وقت آن از غروب آفتاب آغاز یافته و تا زمانی ادامه می یابد که شفق سفید از کناره های آسمان غروب نماید. (بر اساس مذهب امام

ابوحنیفه شفق آن سفیدی کنار آسمان را گویند که بعد از غروب آفتاب و زایل شدن سرخی در کناره آسمان نمایان می‌شود.)  
۵- نماز خفتن: این نماز نیز چهار رکعت فرض است و وقت آن از غروب شفق آغاز گردیده و تا صبح صادق ادامه می‌یابد.

۶- نماز جمعه: این نماز دو رکعت است که در وقت ظهر اداء می‌گردد و تفصیل آن در محل خودش ذکر خواهد شد.  
۷- نماز جنازه: نماز جنازه فرض کفائی است. یعنی اگر تعدادی از مسلمانان آنرا اداء نمایند، فرضیت آن از عهده سایر مسلمانان ساقط می‌گردد.

## دوم : نمازهای واجب:

نمازهای واجب قرار ذیل اند:

۱- نماز وتر:

نماز وتر در مذهب امام ابوحنیفه واجب و در سه رکعت و دو قعه و یک سلام اداء می‌گردد. و در نزد صاحبین سنت مؤکد است.

وقت ادای آن به اتفاق همه مذاهب بعد از نماز خفتن می‌باشد. و وقت افضل آن لحظات اخیر شب می‌باشد. به شرط اینکه نمازگذار مطمئن باشد که در اخیر شب بیدار گردیده و نمازش را اداء می‌کند. اگر چنین اطمینان نداشته باشد، اداء کردن آن در همان اول شب بهتر است.



در رکعت آخری نماز وتر بعد از رکوع خواندن دعای قنوت واجب است.

تعداد رکعات نماز وتر:

اینکه گفتیم نماز وتر سه رکعت است، بخاطری که در حدیث نبوی چنین آمده است:

عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَنَّهُ أَخْبَرَهُ أَنَّهُ سَأَلَ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا كَيْفَ كَانَتْ صَلَاةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي رَمَضَانَ فَقَالَتْ مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَزِيدُ فِي رَمَضَانَ وَلَا فِي غَيْرِهِ عَلَى إِحْدَى عَشْرَةَ رُكْعَةً يُصَلِّي أَرْبَعًا فَلَا تَسْلُ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطَوْلِهِنَّ ثُمَّ يُصَلِّي أَرْبَعًا فَلَا تَسْلُ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطَوْلِهِنَّ ثُمَّ يُصَلِّي ثَلَاثًا قَالَتْ عَائِشَةُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَنَامُ قَبْلَ أَنْ تُؤْتَرَ فَقَالَ يَا عَائِشَةُ إِنَّ عَيْنِي تَنَامَانٍ وَلَا يَنَامُ قَلْبِي (صحيح البخاري)

(از ابو سلمه بن عبدالرحمن روایت است که از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها پرسیدم که نماز رسول الله صلی الله علیه و سلم در رمضان چگونه بود؟ ایشان فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و سلم در رمضان و غیر رمضان بیشتر از یازده رکعت نماز (تهجد) نمی خواند. اول چهار رکعت نماز می خواند که از زیبایی و طول آن مپرس (یعنی خیلی به آرامی و بسیار طولانی میخواند) بعد از آن چهار رکعت دیگر میخواند که از زیبایی و طول آن مپرس! بعد از آن سه رکعت (وتر) را میخواند. گفتم یا رسول الله قبل از آنکه وتر بخوانی بخواب می روی؟ ایشان فرمودند: ای عایشه چشمانم می خوابند ولی قلبم نمی خوابد.)

عن عمر بن الخطاب رضي الله عنه ، أنه قال: «ما أحب أني تركت الوتر بثلاث، وإن لي حمر النعم» قال محمد: و به نأخذ، الوتر ثلاث لا يفصل بينهما بتسليم، و هو قول أبي حنيفة رضي الله عنه) كتاب الآثار لمحمد بن الحسن الشيباني.

(از عمر بن الخطاب رضي الله عنه روایت است که گفت: من دوست ندارم که سه رکعت نماز وتر را ترک کنم و در بدل آن به من شتران سرخ موی داده شود. امام محمد می گوید: ما بر همین حدیث عمل می کنیم که وتر سه رکعت و به یک سلام اداء می گردد و مذهب امام ابوحنیفه همین است.)  
عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: "الْوُتْرُ ثَلَاثُ رَكَعَاتٍ كَصَلَاةِ الْمَغْرِبِ". (المعجم الكبير للطبراني)

(از ابن مسعود رضي الله عنه روایت است که گفت: وتر سه رکعت مانند نماز مغرب است.)  
عن أنس رضي الله عنه قال : الوتر ثلاث ركعات وكان يوتر بثلاث ركعات) شرح معاني الآثار للطحاوي  
(از انس رضي الله روایت است که اصحاب کرام گفته اند وتر سه رکعت است و خود ایشان نیز وتر را سه رکعت می خواند.)

### ب: نماز های دو عید:

عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- الْمَدِينَةَ وَهُمْ يَوْمَانِ يَلْعَبُونَ فِيهِمَا فَقَالَ « مَا هَذَانِ الْيَوْمَانِ ». قَالُوا كُنَّا نَلْعَبُ فِيهِمَا فِي الْجَاهِلِيَّةِ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَبَدَكُمْ بِمَا خَيْرًا مِنْهُمَا يَوْمَ الْأَضْحَى وَيَوْمَ الْفِطْرِ ». رواه ابوداود.

(از انس رضی الله عنه روایت است که چون رسول الله صلی الله علیه و سلم به مدینه تشریف آوردند، مردم مدینه دو روز را برای میله و خوشی خود داشتند. رسول الله صلی الله علیه و سلم پرسید که این چه روزهایی است؟

گفتند: در ایام جاهلیت درین دو روز بازی و خوشی می کردیم. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: الله متعال در بدل این دو روز، روزهای بهر ازین را برایتان هدیه کرده است که همانا عید قربان و عید رمضان می باشد.)

### **ج: دو رکعت نماز بعد از طواف:**

زمانیکه مسلمان هفت شوط (دوره) طواف را تکمیل نمود، خواندن دو رکعت نماز بالایش واجب می گردد و بهتر آنست که این نماز را در مقام ابراهیم اداء نماید.

### **سوم: نمازهای سنت:**

نماز هایی که سنت مؤکد است و بنام سنتهای رواتب یاد می شوند قرار ذیل اند:

اول: قبل از نماز صبح دو رکعت نماز سنت است . چنانچه در حدیث نبوی می خوانیم که:

عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمْ يَكُنْ عَلَى شَيْءٍ مِنَ التَّوَافِلِ أَشَدَّ مُعَاهَدَةً مِنْهُ عَلَى رَكَعَتَيْنِ قَبْلَ الصُّبْحِ (صحيح مسلم)

(از عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم بر هیچ نماز نفلی آنقدر اهتمام و پابندی نداشتند آنچنان که به دو رکعت قبل از نماز صبح پابندی می نمودند.)  
قابل تذکر است که در احادیث نبوی نماز های سنت بنام نوافل یاد شده است.

دوم: ستهای نماز ظهر: چهار رکعت نماز قبل از نماز فرض ظهر و دو رکعت بعد از نماز فرض سنت است. و اگر بعد فرض نیز چهار رکعت می خواند بهتر است. درین مورد رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرمایند:

عَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ حَافِظٌ عَلَى أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ قَبْلَ الظُّهْرِ وَأَرْبَعٍ بَعْدَهَا حَرَّمَ عَلَى النَّارِ (جامع الترمذي)

از ام حبیبه همسر رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: کسی که به چهار رکعت قبل از ظهر و چهار رکعت بعد از آن پابندی نمود، الله عزوجل آتش را بر وی حرام می گرداند.

سوم: دو رکعت و یا چهار رکعت قبل از نماز عصر از جمله سنن زوائد است. درین مورد رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرمایند:

عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً صَلَّى قَبْلَ الْعَصْرِ أَرْبَعًا (رواه ابوداود)

از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: الله رحم کسی را که چهار رکعت نفل قبل از عصر بخواند.

چهارم: دو رکعت نماز بعد از نماز شام سنت است. در حدیث نبوی درین مورد چنین وارد است.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّي بَعْدَ الْمَغْرِبِ رُكْعَتَيْنِ يُطِيلُ فِيهِمَا الْقِرَاءَةَ حَتَّى يَتَصَدَّعَ أَهْلُ الْمَسْجِدِ. (المعجم الكبير للطبراني)

(از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم بعد از مغرب دو رکعت نماز می خواند و آنقدر قرائت طولانی می کرد که حاضرین مسجد پی کارهای خود می رفتند و پراکنده می شدند. پنجم: بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز سنت مؤکد است و قبل از آن دو و یا چهار رکعت خواندن مستحب است.)

در مورد این سنتها در حدیث نبوی چنین وارد است:

عَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ قَالَتْ مَنْ صَلَّى فِي يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رُكْعَةً سِوَى الْمَكْتُوبَةِ بَنَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ (سنن النسائي)

(از ام حبیبه رضی الله عنها همسر رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که فرمودند: کسی که در یک شبانه روز دوازده رکعت نماز سنت، غیر از نماز های فرضی، را اداء کند الله عزوجل خانه ای در جنت برایش اعمار می کند)

## نمازهای سنت و مستحب:

### اول: نماز اشراق و نماز ضحی:

درین مورد رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید:  
عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يُصْبِحُ عَلَى كُلِّ سَلَامِي مِنْ  
ابْنِ آدَمَ صَدَقَةٌ تَسْلِيْمُهُ عَلَيَّ مَنْ لَقِيَ صَدَقَةً وَأَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ وَنَهْيُهُ عَنِ  
الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَإِمَاطَتُهُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ وَبُضْعُهُ أَهْلَهُ صَدَقَةٌ وَجُزْئِي مِنْ  
ذَلِكَ كُلِّهِ رَكَعَتَانِ مِنَ الضُّحَى (سنن ابوداود.)

(از ابو ذر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: هر روزی که می گذرد بر هر مفصل فرزند آدم صدقه لازم می گرداند. سلام دادن به کسی که مقابل میشود صدقه است، نهی از بدی صدقه است، دور کردن اشیای مضر از راه صدقه است، همبستری با همسر برایش صدقه است. و دو رکعت نماز ضحی در عوض همه اینها کفایت می نماید.)

و در حدیث دیگری می خوانیم:

مَنْ قَعَدَ فِي مُصَلَّاهُ حِينَ يَنْصَرِفُ مِنْ صَلَاةِ الصُّبْحِ حَتَّى يُسَبِّحَ رَكَعَتَيِ  
الضُّحَى لَا يَقُولُ إِلَّا خَيْرًا غُفِرَ لَهُ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ (سنن  
أبي داود - عن انس الجهني)

(کسی که بعد از نماز صبح در جای نماز خود بنشیند تا دو رکعت نماز اشراق را بخواند و جز سخن نیک نگوید، همه گناهانش مغفرت می شود گرچه بیشتر از کف بحر باشد.)

## تعداد رکتهای نماز اشراق و فضیلت آن:

نماز اشراق از دو تا دوازده رکعت خوانده می‌شود. درین مورد در حدیث نبوی می‌خوانیم:

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى الضُّحَى ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رُكْعَةً بَنَى اللَّهُ لَهُ قَصْرًا مِنْ ذَهَبٍ فِي الْجَنَّةِ (سنن الترمذی)

(از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: کسی که نماز اشراق را دوازده رکعت بخواند، الله متعال برایش در جنت قصری از طلا اعمار می‌کند.)

## نماز کسوف:

کسوف آفتاب گرفتگی را گویند و زمانیکه آفتاب گرفته می‌شود خواندن دو رکعت نماز سنت است. و حکم آن در حدیث ذیل بیان شده است.

عَنْ أَبِي بَكْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ. رواه البخاري

(از ابی بکره رضی الله عنه روایت است که گفت: در عهد رسول الله صلی الله علیه و سلم آفتاب گرفته شد. پس ایشان دو رکعت نماز خواندند.)

## طریقه ادای نماز کسوف:

زمانی که آفتاب گرفته می‌شود امام نماز جمعه، مردم را جمع

نموده و دو رکعت نماز مانند سایر نمازها با جماعت می خوانند بعد از آن تا وقتی دعاء می کنند که آفتاب کاملاً روشن شود.

## نماز توبه:

این نماز حد اقل دو رکعت است.

طریقه و فضیلت نماز توبه در حدیث نبوی چنین ذکر یافته است.

عَنْ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَا مِنْ عَبْدٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا فَيُحْسِنُ الطُّهُورَ ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ { وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ } إِلَى آخِرِ الْآيَةِ (سنن أبي داود)

(از ابوبکر صدیق رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: از هر بنده ای گناهی صادر می شود و او فوراً برخاسته و به بهترین شکل وضوء می گیرد و دو رکعت نماز می خواند و بعد از آن از الله متعال مغفرت می خواهد الله متعال گناه او را مغفرت می نماید. بعد از این آیت را تلاوت نمود: { وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ } إِلَى آخِرِ الْآيَةِ)

## نماز استسقاء:

استسقاء در اصطلاح، در موسم خشکسالی طلب باران را گویند.



نماز استسقاء دو رکعت است. البته در نزد امام ابوحنیفه نماز خواندن سنت نیست، بلکه اصل سنت در آن دعاء کردن است.

چنانچه در حدیثی که بخاری روایت کرده است می‌خوانیم:

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْطُبُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَحَطَ الْمَطَرُ فَادْعُ اللَّهَ أَنْ يَسْقِينَا فَدَعَا فَمَطَرْنَا فَمَا كِدْنَا أَنْ نَصِلَ إِلَى مَنَازِلِنَا فَمَا زِلْنَا مُطَرًّا إِلَى الْجُمُعَةِ الْمُقْبِلَةِ قَالَ فَقَامَ ذَلِكَ الرَّجُلُ أَوْ غَيْرُهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَصْرِفَهُ عَنَّا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اللَّهُمَّ حَوَالَيْنَا وَلَا عَلَيْنَا قَالَ فَلَقَدْ رَأَيْتُ السَّحَابَ يَنْقَطِعُ يَمِينًا وَشِمَالًا يُمَطَّرُونَ وَلَا يُمَطَّرُ أَهْلُ الْمَدِينَةِ

(از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت: در حالیکه رسول الله صلی الله علیه و سلم در روز جمعه خطبه می‌خواند، مردی ایستاده و گفت یا رسول الله باران قطع شده و با قحطی مواجه هستیم، به الله متعال دعاء کن که بالای ما باران بباراند. رسول الله صلی الله علیه و سلم دعاء کردند و قبل از آنکه به خانه های خود برگردیم، باران آغاز شد و همین گونه تا جمعه بعدی ادامه یافت. در جمعه بعدی که رسول الله صلی الله علیه و سلم به خطبه ایستاده بود، همان شخص و یا شخص دیگری برخاست و گفت: یا رسول الله دعاء کن که این باران را از ما بسوی دیگری بگرداند. رسول الله صلی الله علیه و سلم دعاء کرد که پروردگارا! باران را به اطراف ما فرود آور و از ما دور ساز! راوی می‌گوید که من ابرها را دیدم که به طرف راست و چپ حرکت نمود و در آنجا باران می‌بارید ولی بالای مدینه نمی‌بارید.)

## نماز تراویح

### فضیلت نماز تراویح:

در مورد فضیلت نماز تراویح رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرمایند:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَامَ رَمَضَانَ وَقَامَهُ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ (سنن الترمذی)

(از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: کسی که بر اساس ایمان داری و طلب اجر و ثواب ماه رمضان را روزه گرفت شب آنرا قیام کرد، همه گناهایش مغفرت می شود.)

درین مورد از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمودند: (رسول الله صلی الله علیه و سلم شبی در مسجد نماز تراویح را اداء میکردند، پس یک تعداد افراد در عقب شان اقتداء کردند. شب دوم که نماز را آغاز کردند یک تعداد زیادی در عقب شان اقتداء کردند و در شب سوم تعداد شان بسیار زیاد شد. شب چهارم صحابه کرام در مسجد جمع شدند، ولی رسول الله صلی الله علیه و سلم برای ادای نماز نیامد. فردای آنروز به آنها گفت: من جمع شدن و اشتیاق شما را دیدم، ولی من از خوف به نماز نیامدم که نماز تراویح بر شما فرض نشود.) این حدیث را بخاری و مسلم روایت کرده اند.

بعد از آن مسلمانان نماز تراویح را به صورت انفرادی در خانه و یا مسجد اداء می‌کردند. عمل مسلمانان به همین طریقه جریان داشت تا آنکه سال چهاردهم هجری داخل شد. عبدالرحمن بن عبد القاری (از قبیلۃ القاره) می‌گوید:

شبى همراه با عمر فاروق رضی الله عنه به مسجد نبوی رفتیم، دیدیم که مردم گروه گروه به نماز ایستاده و یکتعدادی تنها ایستاده و نماز می‌خوانند. عمر رضی الله عنه گفت: اگر اینها را در عقب یک قاری جمع نمایم کار خوبی خواهد بود و با این نیت همه را در عقب ابی بن کعب جمع نمودند. شب دیگری همراه با وی به طرف مسجد رفتیم، چون عمر رضی الله عنه آنها را دید که در عقب یک امام نماز می‌خوانند، گفت: (نعمت البدعة هذه). یعنی چه بدعت نیکی است. البته آنهاييکه اکنون می‌خوانند و در آخر شب نماز می‌خوانند بهتر ازینها می‌باشند. این حدیث را بخاری روایت نموده است.

عمر فاروق رضی الله عنه این عملش را به صورت مجازی بدعت نامید. مطلب عمر رضی الله عنه آن بدعت منکر و ناپسند نبود که رسول الله صلی الله علیه و سلم از آن نهی نموده اند. زیرا آن بدعتی که رسول الله صلی الله علیه و سلم از آن نهی نموده است، عبارت از امر جدید و نو در دین است که اصل و دلیلی ندارد. در حالیکه در مورد تراویح ثابت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم دو و یا سه شب را با جماعت تراویح خوانده اند. تنها کاری که عمر رضی الله عنه نمود این بود که تراویح

مسلمانان را منظم ساخته و آنها را در عقب یک امام قرار داد و این عمل را دائمی گردانید. این عمل عمر رضی الله عنه مطابق حدیثی است که می فرماید:

مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ (صحیح مسلم)

(کسی که در اسلام سنت نیکی را اساس گذاشت برایش اجر آن عمل نیک و مانند اجور کسانی داده می شود که تا روز قیامت مطابق آن عمل می کنند بدون اینکه از اجر و ثواب شان چیزی کاسته شود.)

و ثابت است که سنت حسنه همانست که در دین و شریعت اصل داشته باشد.

### قیام اللیل یا نماز تهجد:

درین مورد در حدیث نبوی میخوانیم که:

« عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعْقِدُ الشَّيْطَانُ عَلَى قَافِيَةِ رَأْسِ أَحَدِكُمْ بِاللَّيْلِ بِجَبَلٍ فِيهِ ثَلَاثُ عُقَدٍ فَإِنْ اسْتَيْقَظَ فَذَكَرَ اللَّهَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ فَإِذَا قَامَ فَتَوَضَّأَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ فَإِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ انْحَلَّتْ عُقْدُهُ كُلُّهَا فَيُصْبِحُ نَشِيطًا طَيِّبَ النَّفْسِ قَدْ أَصَابَ خَيْرًا وَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ أَصْبَحَ كَسِيلًا خَبِيثَ النَّفْسِ لَمْ يُصِبْ خَيْرًا » (سنن ابن ماجه)

(از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: شیطان بالای سر هر یکی از شما به ریسمانی گره می زند. اگر انسان بیدار شد یکی از آن گره ها باز

می‌شود و چون برخاست و وضوء گرفت گره دیگر باز می‌شود و چون به نماز ایستاده شد تمام گره‌ها باز می‌شود و انسان در حالی برمی‌خیزد که با نفس پاک و نشیط بوده خیر زیادی را بدست آورده است. و اگر چنین نکند در حالی برمی‌خیزد که نفسش خبیث و کسل بوده و هیچ خیری را بدست نیاورده است.

« عَنْ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ ذُكِرَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ نَامَ لَيْلَهُ حَتَّى أَصْبَحَ قَالَ ذَاكَ رَجُلٌ بَالَ الشَّيْطَانُ فِي أُذُنَيْهِ أَوْ قَالَ فِي أُذُنِهِ »

(صحیح البخاری)

(از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم از مردی یاد آوری شد که شب بخواب رفت و تا صبح روشن از جایش برنخاست. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: این مردی است که شیطان در گوشش بول کرده است.)

## نماز استخاره:

زمانی که شخصی با کاری مواجه می‌شود که منصوصی نبوده اجتهادی باشد، و در اجرای آن متردد گردد و یا با چنان معامله دنیایی مواجه باشد که جانب خیر و شر آن برایش آشکار نباشد، درین صورتها نماز استخاره سنت است، درین مورد در حدیث شریف چنین وارد است:

« جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعَلِّمُنَا الْإِسْتِخَارَةَ كَمَا يُعَلِّمُنَا السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ يَقُولُ لَنَا إِذَا هُمْ أَحَدُكُمْ بِالْأَمْرِ فَلْيَرْكَعْ

رَكْعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الْفَرِيضَةِ وَلْيَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ  
وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ  
الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ يُسَمِّيهِ بَعِيْنَهُ الَّذِي يُرِيدُ خَيْرًا لِي فِي  
دِينِي وَمَعَاشِي وَمَعَادِي وَعَاقِبَةُ أَمْرِي فَاقْدُرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي وَبَارِكْ لِي فِيهِ اللَّهُمَّ  
وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُهُ شَرًّا لِي مِثْلَ الْأَوَّلِ فَاصْرِفْني عَنْهُ وَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاقْدِرْ لِي الْخَيْرَ  
حَيْثُ كَانَ ثُمَّ رَضِيْ بِهِ أَوْ قَالَ فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ» (سنن أبي داود)

( از جابر بن عبدالله روایت است که گفت: رسول الله صلی  
الله علیه وسلم استخاره را مانند سوره‌ای از قرآن به ما تعلیم میداد.  
و می فرمود زمانی که یکی از شما به کاری قصد نمودید، علاوه  
بر نماز فرضی دو رکعت نماز نفل بخواند، بعد از ختم نماز به  
دعاء نشسته و بگوید: الهی! من مطابق علمت از تو طلب خیر  
می‌کنم، و از قدرت تو طلب قدرت می‌کنم و از فضل بزرگ تو  
طلب می‌نمایم. تو میدانی و من نمیدانم، تو قادر هستی و من  
ناتوانم، تو به همه غیب عالم هستی، ای الله اگر این کار ( کاری  
را که اراده دارد نام بگیرد) را به خیر دین و دنیا می‌دانی و  
برای آخرت و عاقبتم خوب می‌دانی. آنرا برایم مقدر بساز و آنرا  
برایم آسان کن و در آن برایم برکت بگذار.

الهی! اگر آنرا برایم شر می‌دانی، پس مرا از آن بگردان و آنرا  
از من دور بساز و خیر را در هر جایی که باشد برایم مقدر کن و  
باز مرا به آن راضی بگردان.)

و در روایت دیگر این کلمات اضافه شده است که اگر این  
کار در حال و یا آینده ام بهتر است....

## تحیة مسجد:

تحیة مسجد نیز مانند سایر سنن، نماز مسنون است. طریقه آن چنین است که پس از داخل شدن به مسجد و قبل از آنکه بنشینند، دو رکعت نفل میخوانند.

احکامی که ویژه تحیة مسجد می باشد، قرار ذیل اند:  
در اوقات مکروهه خواندن تحیة المسجد جایز نیست و اوقات مکروهه عبارت از هنگام طلوع آفتاب و هنگام استواء و اثنای غروب آفتاب و بعد از نماز عصر می باشد. بعد از نماز صبح نیز می باشد. اگر شخصی به مسجد داخل شد و فوراً به نماز فرضی و یا نماز دیگری ایستاده شد، تحیة المسجد نیز در ضمن آن اداء می گردد.

## تحیة وضوء:

زمانی که فرد مسلمان وضوء می نماید، قبل از آنکه اندام هایش خشک گردد، باید دو رکعت نماز بخواند. این نماز را تحیة وضوء می گویند. درین نماز نیز همان آدابی را باید مراعات نماید که در تحیة المسجد ذکر گردید.

## نماز حاجت:

در مورد نماز حاجت از رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین روایت شده است:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي أَوْفَى قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ  
كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ أَوْ إِلَى أَحَدٍ مِنْ بَنِي آدَمَ فَلْيَتَوَضَّأْ فَلْيُحْسِنِ الْوُضُوءَ ثُمَّ  
لْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ لِيُثْنِ عَلَى اللَّهِ وَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ لِيَقُلْ  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ  
الْعَالَمِينَ أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ وَالسَّلَامَةَ  
مِنْ كُلِّ إِثْمٍ لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا  
إِلَّا قَضَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (سنن الترمذي)

( از عبدالله بن ابی اوفی روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: کسی که حاجتی از الله داشته باشد، و یا ضرورتی به انسانی داشته باشد پس باید که به صورت کامل وضوء نماید و باز دو رکعت نماز بخواند پس حمد و ثنای الله متعال را بجا آورده و به رسول الله صلی الله علیه و سلم درود بگوید و باز این دعاء را بخواند که:

« لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ  
الْعَالَمِينَ أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ وَالسَّلَامَةَ  
مِنْ كُلِّ إِثْمٍ لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا  
إِلَّا قَضَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ » (



## احکام خاص مربوط نماز های خاص

### احکام و مسایل خاص نماز جمعه:

نماز جمعه از نگاه حکم فرض عین است و شرایط آن به دو نوع تقسیم شده است.

### اول: شروط فرضیت نماز:

- شرایطی که برای فرضیت نماز جمعه لازم است قرار ذیل اند:
- ۱- اسلام، یعنی بالای کافر نماز جمعه فرض نیست. زیرا او در قدم اول مکلف به قبول اسلام است. بعد از مسلمان شدن است که سایر احکام بالایش فرض می‌گردد.
  - ۲- عقل: یعنی بالای شخص دیوانه و مجنون نماز جمعه فرض نیست.
  - ۳- بلوغ، یعنی بالای طفل خورد سال و نابالغ نماز جمعه فرض نیست.
  - ۴- قدرت، یعنی بالای انسانهای معذور مانند مریض، نابینا، شخص زندانی و امثال آنها نماز جمعه فرض نیست.
  - ۵- مقیم بودن: پس بالای شخص مسافر نماز جمعه فرض نمی‌باشد.
  - ۶- مرد بودن، یعنی بالای زنان نماز جمعه فرض نمی‌باشد.

۷- آزادی، پس بالای غلام نماز جمعه فرض نیست.

### **دوم: شروط صحت نماز جمعه:**

شرطهایی که برای صحت نماز جمعه فرض است، قرار ذیل اند:

- ۱- شهر و یا قریه بزرگی که در حکم شهر باشد. پس بالای ساکنین قریه جات کوچک نماز جمعه فرض نمی باشد.
- ۲- موجودیت سلطان و یا نائب او
- ۳- داخل شدن وقت: که همان وقت ظهر است.
- ۴- خواند خطبه.

### **خطبه:**

خطبه از شرایط نماز بوده و باید طبق شرطهای ذیل خوانده شود:

- قبل از نماز خوانده شود.
- به نیت نماز جمعه باید خوانده شود.
- آن تعداد افراد باید به آن گوش دهد که جماعت با ایشان منعقد می گردد.
- اذن و اجازه عام: یعنی در خانه و مهمان خانه نماز جمعه اداء نمی شود.
- جماعت: به این معنا که نماز جمعه به صورت انفرادی خوانده نمی شود.

## احکام مخصوص نماز عید:

- احکامی که مخصوص نماز عید است، قرار ذیل می باشد:
- ۱- از نگاه حکم نماز عید در مذهب امام ابوحنیفه واجب است و از نظر سایر ائمه سنت مؤکد می باشد.
  - ۲- به اتفاق علماء برای نماز عید آذان و اقامت نیست.
  - ۳- خطبه در نماز عید بعد از نماز و متصل ادای آن خوانده می شود و حکم شنیدن آن واجب است و طریقه آن کاملاً مانند خطبه جمعه می باشد. البته در خطبه عید قربان تکبیرات تشریق حتماً باید گفته شود.
  - ۴- اداء نمودن نماز عیدین در عیدگاه سنت است. و بدون عذر باید در مسجد اداء نشود.
  - ۵- در نماز های عید تکبیرات زاید که واجب است در مذهب امام ابوحنیفه شش تکبیر است. سه تکبیر آن در رکعت اول قبل از قرائت فاتحه و سه تکبیر آن در رکعت دوم قبل از رکوع و بعد از قرائت گفته می شود.
  - ۶- نماز عید بدون جماعت درست نیست. و بالای مسافر، زنان، انسانهای معذور واجب نمی باشد.

## طریقه عملی ادای نماز عید:

امام بدون آذان و اقامت پیش گردیده و نیت بسته می نماید و مقتدیان در عقب وی صف بسته و نیت می نمایند. امام تکبیر تحریمه را به آواز بلند می گوید و مقتدیان نیز تکبیر تحریمه را

گفته دستها را می‌بندند. بعد از آن تسبیح (سبحانک اللهم ...) را تا آخر می‌خوانند. بعد از آن امام سه تکبیر زاید را می‌گوید و همراه با آن مقتدیان نیز تکبیر گفته و دستها را تا به گوشها بلند می‌کنند. و درین تکبیرات کمی فاصله می‌آورند. بعد از تکبیر امام و مقتدیان دستها را می‌بندند و امام بعد از خواندن تعوذ و تسمیه به صورت خفیه، مانند سایر نمازها قرائت می‌نماید. در ختم قرائت به رکوع می‌رود و مانند سایر نمازها این رکعت را تمام می‌کنند. زمانی که امام و مقتدیان به رکعت دوم بلند می‌شوند، امام بعد از خواندن بسم الله ... قرائت می‌کند و بعد از آنکه امام قرائت را تمام کرد، سه تکبیر می‌گوید و مقتدیان نیز به متابعت از امام سه بار تکبیر گفته و دستها را تا به گوشها بلند می‌نمایند. در تکبیر چهارم به رکوع می‌روند و مانند سایر نمازها، نمازشان را تمام می‌نمایند.

بعد از آنکه سلام گشتانند، امام به خطبه ایستاده می‌شود و مانند نماز جمعه دو خطبه می‌خواند و در جریان خطبه علاوه بر حمد و ثنای الله متعال و ذکر، درود و تلاوت، احکام عیدین را بیان می‌نماید و به این ترتیب نماز عید به پایان می‌رسد.

درین مورد در حدیث نبوی چنین می‌خوانیم:

( عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ سَعِيدَ بْنَ الْعَاصِ دَعَاهُمْ يَوْمَ عِيدٍ ، فَدَعَا الْأَشْعَرِيَّ وَابْنَ مَسْعُودٍ وَخُذَيْفَةَ بْنَ الْيَمَانِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ . قَالَ : إِنَّ الْيَوْمَ عِيدُكُمْ ، فَكَيْفَ أَصَلِّيَ ؟ قَالَ خُذَيْفَةُ : سَلَّ الْأَشْعَرِيَّ وَقَالَ الْأَشْعَرِيُّ : سَلَّ عَبْدُ اللَّهِ . فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ : تَكَبَّرَ ، وَذَكَرَ

الْحَدِيثَ ، وَهُوَ يُكَبِّرُ تَكْبِيرَةً ، وَيَفْتَسِحُ بِهَا الصَّلَاةَ ثُمَّ يُكَبِّرُ بَعْدَهَا ثَلَاثًا ، ثُمَّ يَقْرَأُ  
 ثُمَّ يُكَبِّرُ تَكْبِيرَةً يَرْكَعُ بِهَا ، ثُمَّ يَسْجُدُ ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَقْرَأُ ، ثُمَّ يُكَبِّرُ ثَلَاثًا ، ثُمَّ يُكَبِّرُ  
 تَكْبِيرَةً ، يَرْكَعُ بِهَا . (رواه الطحاوي في شرح معاني الآثار)

(از ابو اسحاق و او از ابراهيم بن عبدالله بن قيس و او از پدرش روايت می نماید که سعيد بن العاص روز عيد آنها و ابوموسی اشعری ابن مسعود و حذیفه بن الیمان رضی الله عنهم را فراخواند و گفت: امروز روز عيد تان است، پس چگونه نماز بخوانیم؟ حذیفه گفت: از اشعری سوال کنید. و اشعری گفت: از عبدالله سوال کنید، عبدالله گفت: تکبیر بگوئید و بعد از آن حدیث را تا آخر گفت. اینکه اول با گفتن تکبیر نماز را آغاز نماید و باز سه تکبیر زاید را بگوئید، بعد از آن قرائت نماید و رکوع کنید. بعد از آن با گفتن تکبیر به سجده بروید پس از آن رکعت دوم ایستاده شوید و به قرائت آغاز کنید. بعد از قرائت سه تکبیر بگوئید و با تکبیر چهارم به رکوع بروید. (در اخیر همه اتفاق نمودند که نماز عيد به همین طریقه اداء می شود)  
 این نوع عملکرد صحابه مرفوع حکمی<sup>۱</sup> می باشد.

---

۱- مرفوع حکمی آنست که صحابه از عملی و یا از سخنی خبر دهد که به اجتهاد نمی توان آنرا دانست، بدون اینکه آنرا صریحاً به رسول الله صلی الله علیه و سلم نسبت دهد. و میدانیم که صحابه کرام از جانب خود در دین چیزی را نمی افزایند، لذا معلوم می شود که حتماً در آن مورد از رسول الله صلی الله علیه و سلم چیزی شنیده اند.

## سننها و آداب عید:

سننها و آدابی که باید در نماز عید مراعات گردد، مختصراً

چنین است:

- غسل نمودن.
- مسواک زدن.
- عطر زدن.
- لباسهای پاک پوشیدن.
- رفتن به عیدگاه از یک راه و برگشتن از راه دیگر.
- در جریان راه تکبیر گفتن: (الله أكبر الله أكبر لا إله إلا الله والله أكبر الله أكبر والله الحمد)
- رسول الله صلی الله علیه وسلم در رکعت اول نماز عید سورة (الأعلى) و در رکعت دوم سورة (الغاشیه) را می خواند.
- در عید رمضان قبل از رفتن به عیدگاه خوردن خرما و یا شیرینی دیگر بهتر است و در عید قربان بعد از نماز از گوشت قربانی خوردن مستحب است.

## احکام نماز جنازه:

نماز جنازه از نگاه حکم فرض کفایی است و احکام خیلی مختصری دارد که قرار ذیل است.

## الف: شرطهای نماز جنازه:

- مرده باید مسلمان باشد. بنابراین نماز جنازه بالای کافر خوانده نمی‌شود.
- مرده باید پاک باشد. یعنی مرده باید غسل داده شود.
- جنازه باید پیش روی امام و مقتدی‌ها قرار داشته باشد.
- مرده باید بالای زمین قرار داشته باشد..
- نماز گذاران باید در صف ایستاده و سوار بر چیزی نباشند.

## ارکان نماز جنازه:

۱- نیت کردن.

۲- چهار تکبیر گفتن.

در حدیث شریف درین مورد می‌خوانیم که:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ نَعَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى أَصْحَابِهِ النَّجَاشِيِّ ثُمَّ تَقَدَّمَ فَصَفُّوا خَلْفَهُ فَكَبَّرَ أَرْبَعًا (صحيح البخاري)

« از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم از مرگ نجاشی برای اصحاب خود خبر داد. بعد از آن به نماز ایستاده و صحابه رضی الله عنهم در عقب شان صف بستند و چهار تکبیر گفتند.

۳- قیام: در نماز جنازه رکوع و سجده نمی‌باشد.

## سنتهای نماز جنازه:

- ۱- امام باید به برابری سینهٔ مرده ایستاده شود.
- ۲- امام و مقتدی بعد از تکبیر ثناء و حمد الله را بجا می آورند. یعنی مانند نماز های عادی (سبحانک اللهم ...) را می خوانند.
- ۳- بعد از تکبیر دوم، بر رسول الله صلی الله علیه و سلم درود میخوانند. (اللهم صل علی محمد...)
- ۴- در تکبیر سوم به مرده دعاء می نمایند. درین مورد در احادیث نبوی دعاها ی زیادی نقل شده است که یکی از آنها چنین است:

« اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا وَذَكَرِنَا وَأُنْثَانَا اللَّهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَيَّ الْإِسْلَامَ ، وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَيَّ الْإِيمَانَ »

«بار الها! به زنده های ما، به مرده های ما، به حاضر ما، به غایب ما، به مردان ما و به زنان ما مغفرت کن. الهی اگر کسی از ما را زنده می داری، پس او را بر اسلام زنده بدار و اگر از ما کسی را وفات می دهی او را با ایمان بمیران»

## نماز کسوف:

- کسوف آفتاب گرفتگی را گویند و احکام خاص مربوط نماز کسوف قرار ذیل است:
- در نماز کسوف اذان و اقامت نیست.



○ ادای آن با جماعت بهتر است اما به صورت فردی نیز درست است.

○ خطبه مسنون در آن نیست. و اما اگر شخصی به وعظ و نصیحت برمی خیزد باکی ندارد.

○ از نظر امام ابوحنیفه قرآن را خفیه باید بخواند. چنانچه در حدیث نبوی وارد است که:

عَنْ سَمُرَةَ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ صَلَّى بِنَا النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي كُسُوفٍ لَا نَسْمَعُ لَهُ صَوْتًا. (سنن الترمذی)

(از سمره بن جندب روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز کسوف را با ما اداء کرد و ما هیچ آواز او را نشنیدیم.)

و از نظر صاحبین قرائت باید جهر صورت گیرد.

### **نماز خسوف:**

خسوف تاریک شدن مهتاب را گویند. و زمانی که مهتاب گرفته شود، نماز خواندن برای رفع آن مستحب است. اما نماز به جماعت اداء نمی گردد.

### **احکام خاص خسوف:**

اگر کسی نماز خسوف را به جماعت می خواند باید آداب ذیل را در نظر بگیرد:

○ آذان و اقامت در نماز خسوف نیست.

- قرائت در آن به صورت جهر خوانده می شود .
- در رکعت اول بعد از سوره فاتحه، سوره الاعلی و در رکعت دوم رکعت الغاشیه را بخواند
- خطبه را مانند نماز جمعه قبل نماز باید بخواند.
- بخاطر نیک‌فالی چادر خود را به روی دیگر آن می اندازد.

### **آداب استسقاء:**

- برای ادای نماز استسقاء باید آداب ذیل را در نظر بگیرد:
- برای سه روز مردم باید از خانه بیرون شده و به نماز استسقاء بروند.
- بر چیزی سوار نشود بلکه تا مکان نماز پای پیاده بروند.
- کالای شسته شده و کهنه و حتی پیوند شده را به تن کند
- با تواضع و عاجزی به گونه‌ای بیرون شوند که سرهای خویش را به زیر انداخته اند.
- قبل از رفتن به مکان نماز مطابق توان خود صدقه بدهد.
- خوردسالان، سالخوردهگان و حیوانات را با خود ببرند.
- کافر و مشرک را با خود نبرند.

### **طریقه دعاء کردن:**

امام روبروی قبله می‌ایستد و مقتدیان در عقب وی در صفها می‌نشینند. بعد از آن امام دست‌هایش را برای دعا بلند کرده و دعا می‌کند و مقتدیان آمین می‌گویند.

درین مورد در حدیث نبوی چنین وارد است:

عَنْ هِشَامِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ أُرْسِلَنِي الْوَلِيدُ بْنُ عُقْبَةَ وَهُوَ أَمِيرُ الْمَدِينَةِ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ أَسْأَلُهُ عَنْ اسْتِسْقَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَتَيْتُهُ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ مُتَبَدِّلًا مُتَوَاضِعًا مُتَضَرِّعًا حَتَّى أَتَى الْمُصَلَّى فَلَمْ يَخْطُبْ خُطْبَتَكُمْ هَذِهِ وَلَكِنْ لَمْ يَزَلْ فِي الدُّعَاءِ وَالتَّضَرُّعِ وَالتَّكْبِيرِ وَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ كَمَا كَانَ يُصَلِّي فِي الْعِيدِ (سنن الترمذي)

هشام به اسحاق از پدرش روایت می نماید که گفت: ولید بن عقبه که والی مدینه بود مرا نزد ابن عباس فرستاد تا در باره نماز استسقاء رسول الله صلی الله علیه و سلم از وی پرسم. من نزد ابن عباس رفته و پرسیدم ایشان در جوابم گفت: رسول الله صلی الله علیه و سلم با لباسهای کهنه با کمال تواضع و عاجزی برآمد تا آنکه به محل نماز رسید. آنجا مانند خطبه شما خطبه نگفت بلکه به دعاء، تضرع و تکبیر مشغول شد و دو رکعت نماز مانند نماز های عید خواند.

## طریقه عملی ادای نماز فرض

### تکبیر:

اگر انسان به معنا و مفهوم نماز متوجه شود به اهمیت نماز بخوبی پی می‌برد. زمانی که یک مسلمان تمام شرطهای نماز را بجا آورد و بروی قبله می‌ایستد و بعد از بستن نیت با اعتراف به بزرگی و عظمت الله متعال (الله اکبر) می‌گوید و اینرا اقرار می‌کند که الله متعال از هر موجود دیگری بزرگتر و عظیم‌تر است. همزمان با این اعتراف بزرگ دستهای خود را تا گوش‌ها بلند می‌نماید و مقصد بلند کردن دست اینست که از دنیا و هرچه در دنیا است دستبردار گردیده و متوجه الله متعال شده است. بعد از دستها را بسته و در برابر مالک و حاکم خود با ادب و احترام می‌ایستد.

نیت و تکبیر هر دو در نماز فرض است و اگر ترک گردد نماز فاسد می‌شود و دستها را بلند کردن و دو باره بستن سنت است که با ترک آن نماز مکروه می‌گردد.

### تسبیح:

بعد از بستن دستها نماز گزار به تقدس و پاکی الله متعال اعتراف نموده می‌گوید:

(سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ ، وَتَعَالَى جَدُّكَ ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ)

ای الله من پاکی ترا همراه با ثنا و صفت تو بیان می‌کنم تو از هر نوع نقصان پاک استی نام تو بسیار با برکت و شأن تو بسیار بلند است. و غیر از تو هیچ معبود برحق وجود ندارد.

### تعوذ:

نماز گزار بعد از تسبیح از هر نوع وسوسه کنند و شر اندازی به الله متعال پناه می‌برد و می‌گوید:  
اعوذ بالله من الشيطان الرجيم  
به الله پناه می‌برم از شر شیطان رانده شده.

### تسمیه:

بعد از تعوذ نماز گزار به نام الله متعال و با استعانت از او تعالی چنین می‌گوید:  
( بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ )  
شروع می‌کنم بنام الله که نهایت مهربان و نهایت با رحم است.  
تعوذ و تسمیه باید به صورت خفیه خواند شود و کسی باید بخواند که در نماز قرائت می‌نماید مانند امام و کسی که تنها نماز می‌خواند.  
تسبیح، تعوذ و تسمیه سنت بوده و با ترک کردن آن نماز مکروه می‌گردد.

## سوره فاتحه:

بعد از تعوذ و تسمیه نماز گزار اگر امام باشد و شخصی که به تنهایی نماز می خواند به قرائت سوره فاتحه شروع می کند و به ترتیب ذیل می خواند:

(الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ)

همه ستایش ها، ویژه خدا، مالک و مربی جهانیان است. (۱)  
رحمتش بی اندازه و مهربانی اش همیشگی است. (۲) مالک  
و فرمانروای روز پاداش و کیفر است (۳) [پروردگارا!] تنها تو را  
می پرستیم و تنها از تو کمک می خواهیم. (۴) ما را به راه راست  
راهنمایی کن. (۵) راه کسانی که به آنان نعمت عطا کردی (۶) نه  
آنان که مورد خشم تواند (مانند یهود) و آنانی که گمراه اند (مانند  
نصارا). (۷)

## آمین گفتن:

بعد از ختم سوره فاتحه، امام و مقتدی و هم کسی که تنها نماز می خواند آمین می گوید و به این معناست که ای الله دعای ما را بپذیر.

گفتن آمین سنت است و ترک قصدی آن نماز را مکروه می سازد و در مذهب احناف در هر حالت خفیه گفته می شود.

## خواندن یک سوره:

نماز گزار بعد از آن یک سوره و یا چند آیت از قرآن کریم را می خواند. و به طور مثال سوره اخلاص را چنین می خواند:

(قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)

بگو: او خدای یکتاست؛ (۱) خدای بی نیاز [همه موجودات هستی و همه محتاج او هستند] (۲) هیچ کسی را نزاده، و زائیده نشده است، (۳) و هیچ کس [در ذات و صفات] همانند و همتا و شبیه او نمی باشد. (۴)

خواندن سوره فاتحه و همچنان خواندن یک سوره دیگر واجب است و اگر از کسی سهواً ترک گردد بالایش سجده سهو لازم می گردد و اگر کسی قصداً آنرا ترک نماید سجده سهو بالایش لازم نمی گردد و با این کار خود گنهگار گردیده و اعاده نماز بالایش واجب می باشد.

البته مطلق قرائت در نماز فرض است و به ترک آن نماز فاسد می گردد.

بعد از آن نماز گزار الله اکبر گفته و خود را خم نموده و به رکوع می رود و سه بار سبحان ربی العظیم می گوید.

بعد از آن با قامت راست ایستاده می شود که اینرا قومه می گویند. اگر نماز به جماعت بود امام می گوید:

سمع الله لمن حمده

الله متعال شنید آواز آن کسی را صف او را بیان می نماید.

و مقتدی می گوید: ربنا لک الحمد  
 ای پروردگار ما تمام صفات نیک و برتر از آن توست.  
 البته اگر کسی تنها نماز می خواند هر دو جمله را می گوید.  
 از نگاه حکم آرام گرفتن در رکوع واجب ولی به ترک آن  
 سجده سهو لازم نمی شود زیرا آرام گرفتن در ارکان واجب لغیره  
 می باشد. و گفتن تسیحات در رکوع و سجده و تسمیع و تحمید  
 و بجز تکبیر تحریمه تمام تکبیرات سنت می باشد.  
 بعد از آن نماز گذار پیشانی را به زمین گذاشته و سجده  
 می کند و به سه بار می گوید: سبحان ربی الله الأعلى.  
 پاک است پروردگارم که از هر کسی بلند و برتر است.  
 دوبار سجده کردن در هر رکعت فرض است که با ترک آن  
 نماز فاسد می گردد برابر است که سهواً ترک گردد و یا قصداً.  
 زمانی که نمازگزار از سجده فارغ گردد به قعدۀ نشسته و  
 التّحیات را می خواند.

### تشهد (التّحیات):

اگر نماز دو رکعتی باشد در آن یکبار تشهد صورت می گیرد  
 و اگر چهار رکعتی باشد دوبار تشهد خواند می شود.  
 زمانی که به قعدۀ اخیر نشست می گوید:

(التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ  
 وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ  
 أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. (رواه صحيح البخاري)



تمام عبادات قولی و نماز ما و تمام سخن های پاک و نیک ما خاص برای الله است . سلام بر تو ای نبی و رحمت و برکت الله باد بر تو و سلام بر ما و بر تمام بندگان صالح . شهادت می دهیم که جز الله هیچ معبود برحقى وجود ندارد و شهادت می دهیم که محمد بنده و رسول الله تعال است.

و در اثنای شهادت خواندن انگشت خود را بلند می کند زیرا نماز گزار با زبان خود شهادت توحید را می دهد و درین شهادت باید انگشت او نیز همرا با زبان گواهی می دهد.

بعد از آن درود می خواند که به این ترتیب است:

( اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ )

ای الله رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانچه بر ابراهیم و آل ابراهیم رحمت کردی، بیشک تو ستوده و با عظمت استی. ای الله برکت کن بر محمد و آل محمد چنانچه برکت کردی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدون شک تو ستوده و با عظمت استی.

بعد از آن این دعاء را می خواند:

( أَللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ )

ای الله، ای پروردگار ما! به ما در دنیا نیکی عطا کن و نیکی در آخرت عطا فرما و ما را از آتش دوزخ نگهدار.

با خواندن این دعاء نماز به پایان می رسد و در اخیر نماز گزار به طرف راست و چپ به تمام مردم و به فرشته ها دعای خیر و سلامتی می نماید.

السلام علیکم ورحمة الله و بركاته

سلامتی و رحمت و برکت الله بر شما باد.

از نگاه حکم قعدۀ اخیر فرض و قعدۀ اول واجب است همچنان لفظ سلام نیز واجب می باشد.

بعد از مصروف شدن به کار و بار دنیایی برای چند ساعت دوباره وقت نماز ظهر می رسد و بعد از چند ساعت نماز عصر فرا می رسد و لحظاتی بعد نماز شام اداء می گردد. زمانی که از کار های روزانه کاملاً فارغ گردید، پیش از خواب یکبار دیگر در برابر الله متعال حاضر می شود و نماز خفتن را اداء می نماید. این نماز با خواندن وتر به اتمام می رسد و در رکعت اخیر نماز وتر نمازگزار دعای قنوت را می خواند که به معنای عاجزی، تواضع و سر اطاعت خم کردن در برابر الله متعال و اقرار به بندگی می باشد و به این گونه است:

( اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ ، وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ ، وَنُثْنِي عَلَيْكَ الْحَيَّرَ نَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ ، وَنَحْلَعُ وَنَتْرُكُ مَنْ يَفْجُرُكَ ، اللَّهُمَّ إِنَّاكَ نَعْبُدُ ، وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ ، وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنُخْفِدُ ، وَنَرْجُو رَحْمَتَكَ ، وَنُخْشِي عَذَابَكَ ، إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكَفَّارِ مُلْحِقٌ )

بار الها از تو کمک می خواهیم و از تو مغفرت خواهانیم، بر تو ایمان می آوریم و بر تو توکل می کنیم تمام ثنا و صفات نیک را به تو می گوئیم. ما شکر ترا اداء می کنیم و ناشکری نمی کنیم و رابطه خود را با تمام کسانی قطع می کنیم که از تو نافرمانی و سرپیچی می کند. ای الله ما خاص ترا عبادت می کنیم و خاص

برای تو نماز می خوانیم و سجده می کنیم و به سوی تو می شتایم  
و بخاطر تو کوشش می کنیم ما امیدوار رحمت تو هستیم و از  
عذاب تو می ترسیم یقیناً عذاب تو به کافران می رسد.  
و به این ترتیب در یک شبانه روز پنج بار به حضور الله متعال  
می ایستد و تمام عمر را به همین گونه سپری می نماید.

## فصل ششم

### مسائل و احکام عام نماز

#### فرائض نماز:

فرائض نماز به دو قسم است. یکی شرطهای نماز و دیگری ارکان نماز و تفصیل آن ازین قرار است:

#### اول: شرطهای نماز:

شرطهای نماز دو گونه است:

۱- شرطهای وجوب.

۲- شرطهای صحت اداء.

#### شرطهای وجوب:

عبارت از شرطهایی است که فرض شدن نماز به آن وابسته است و آن سه چیز است:

۱- اسلام: بالای زن و مرد مسلمان نماز فرض است. اما انسان کافر در ابتدای امر مکلف به قبول اسلام است و زمانی که مسلمان شد، بعد از آن نماز و سایر فرائض اسلامی بر او عاید می‌گردد.

۲- بلوغ: بالای شخص نا بالغ نماز فرض نیست. چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:  
عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ رَفَعَ الْقَلَمَ عَنْ ثَلَاثَةٍ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ  
(سنن أبي داود)

از علی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: قلم از سه تن برداشته شده است (یعنی مکلف و مسئول نیستند) از خوابیده تا آنگاهی که بیدار شود، از طفل تا آنگاهی که به بلوغ برسد و از مجنون تا آنگاهی که دوباره به عقل آید

البته طفل که به سن هفت سالگی برسد، باید به خواندن نماز امر و تشویق گردد و چون به سن ده سالگی رسید تنبیه جسمی وی بخاطر ترک نماز جایز است تا به خواندن نماز تربیت شوند.

۳- عقل: بالای دیوانه نماز فرض نیست چنانچه در حدیث قبلی تذکر یافت.

### شرطهای صحت نماز:

شرطهای صحت آنست که صحت نماز، بعد از فرض شدن، وابسته به آنها می باشد. و قرار ذیل اند:

۱- طهارت و پاکی بدن، یعنی وضوء نمودن و در صورتی که انسان قادر به وضوء نباشد و یا آب را در اختیار نداشته باشد،

تیمم نمودن است. در مورد وضوء در سورة المائدة به صورت خصوصی امر شده است.

۲- پاک بودن لباس از نجاست های خفیف و غلیظ زیرا الله عزوجل خطاب به پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ [المدثر : ۴]

(و لباست را پاک کن.)

۳- پاک بودن جای نماز.

۴- پاک بودن بدن از نجاست های خفیف و غلیظ.

و پاک بودن مکان و بدن نیز به دلالة النص ثابت می باشد، به ترتیبی که پاک بودن لباس که از بدن جدا بوده و انسان میتواند آنرا از بدن خود دور نماید. فرض است. پس بدن و مکان نماز باید حتماً پاک باشد.

۵- پوشاندن عورت: زیرا الله عزوجل می فرماید:

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ [الأعراف : ۳۱]

(ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی بگریید و بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی دارد)

### فرق بین عورت مرد و زن:

برای مرد از ناف پائین تا زانو ها عورت می باشد که زانو ها در عورت شامل اند.

در اثنای نماز تمام بدن زن به استثنای روی، دست ها و قدم ها، عورت است. زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید...  
 عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْمَرْأَةُ عَوْرَةٌ فَإِذَا خَرَجَتْ اسْتَشْرَفَهَا الشَّيْطَانُ (سنن الترمذی)

(از عبدالله بن مسعود روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: تمام زن عورت است و چون بی پرده از خانه برآید شیطان او را تحت نظر قرار می دهد تا گمراهش سازد.)  
 الله عزوجل در سوره نور می فرماید:

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا [النور : ۳۱]

(و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست (دستها و روی))

۶- ایستادن رو بروی قبله، زیرا الله عزوجل می فرماید:

وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ [البقرة : ۱۴۴]

و هر جایکه هستید در وقت نماز روهای خود را بسوی مسجد حرام بگردانید.

۷- نیت کردن، الله عزوجل می فرماید:

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ خُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ [البينة: ۵]

(در حالی که فرمان نیافته بودند جز آنکه خدا را پرستند، و ایمان و عبادت را برای او از هرگونه شرکی خالص کنند، و حق گرا باشند، و نماز را برپا دارند.)

۸- شناخت وقت، زیرا الله عزوجل می فرماید:

إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا [النساء : ۱۰۳]

(مسلماً نماز همواره در اوقاتی مشخص و معین وظیفه ای مقرر و لازم بر مؤمنان است)

### حکم شرطهای نماز:

اگر این شرطها تماماً و یا برخی از آنها از سوی نماز گزار ترک گردد، نمازش فاسد می شود

### دوم: ارکان نماز:

ارکان نماز قرار ذیل است:

۱- تکبیر تحریمه: و بنام تکبیر اولی نیز نامیده می شود. زیرا

الله عزوجل می فرماید:

وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ [المدر: ۳]

(و پروردگارت را به بزرگی یاد کن.)

و رسول الله صلی الله علیه می فرماید:

عَنْ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِفْتَاحُ

الصَّلَاةِ الطُّهُورُ وَتَحْرِيمُهَا التَّكْبِيرُ وَتَحْلِيلُهَا التَّسْلِيمُ (سنن أبي داود)

(از علی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه

علیه وسلم می فرماید: کلید نماز وضوء است و تحریم آن تکبیر

گفتن و خارج شدن از آن با سلام دادن است.)

۲- قیام یا ایستادن: الله عزوجل می فرماید:

وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ [البقرة: ۲۳۸]

(در برابر الله متعال با عاجزی و تواضع بیاستید ×)



۳- قرائت یعنی خواندن آیاتی از قرآن کریم را باید تلاوت نماید الله عزوجل می فرماید:

فَأَقْرئُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ [المزمل : ۲۰]

(پس بخوانید از قرآن آن چیز را که برای تان آسان است.)

۴- رکوع نمودن الله عزوجل می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعِبُدُوا رَبَّكُمْ [الحج : ۷۷]

(ای مؤمنان رکوع و سجده کنید و پروردگار تانرا عبادت نمایید.)

۵- سجده نمودن و دلیل آن در آیت فوق ذکر گردید

۶- قعده اخیر و درین مورد رسول الله صلی الله علیه وسلم به عبدالله به مسعود رضی الله عنه فرمود؛ فاذا فعلت ذلک فقد تمت صلاتک.

زمانی که این کارها را کردی نمازت تکمیل گردید.

## حکم ارکان نماز:

اگر نماز گذار کاملاً صحتمند بوده و هیچ عذر معتبر شرعی نداشته باشد و یکی از ارکان فوق الذکر را بدون عذر ترک نماید، نمازش باطل بوده و باید دوباره نمازش را بخواند.

## واجبات نماز:

واجب در اصطلاح عملی را می گویند که به دلیلی ثابت شده باشد که ثبوت و یا دلالت آن ظنی باشد. تعریف فوق را می توان چنین شرح کرد:

واجب آن عملی را گویند که مرتبه آن از فرض پائین تر و از سنت بالاتر باشد و به ترک آن نماز فاسد نمی‌شود و اگر کسی قصداً آنرا ترک نماید اعاده نماز بالایش واجب است و اگر سهواً آنرا ترک نماید سجده سهو بالایش واجب گردیده و با ادای سجده سهو نقصان نماز جبیره می‌گردد.

واجبات نماز به تفصیل ذیل می‌باشد:

۱- خواندن سوره فاتحه، درین مورد رسول الله صلی الله

علیه وسلم می‌فرماید:

عَنْ عِبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ (صحیح البخاری)

(از عباده بن صامت رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: نماز نیست برای کسیکه در نماز سوره فاتحه را نمی‌خواند.)

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ صَلَّى صَلَاةً لَمْ يَقْرَأْ فِيهَا بِأَمِّ الْقُرْآنِ فَهِيَ خِدَاجٌ ثَلَاثًا غَيْرُ تَمَامٍ (صحیح مسلم)

(از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: کسی که در نماز سوره فاتحه را نخواند نمازش ناقص و ناتمام است (و سه مرتبه این کلمه را تکرار کرد) و همین حدیث دلیل وجوب آن می‌باشد.

۲- اگر نماز چهار رکعتی و یا سه رکعتی باشد، دو رکعت اولی آنرا برای قرائت تعیین نمودن.

۳- بعد از سوره فاتحه خواندن یک سوره دیگر و یا حد اقل سه آیت از یک سوره درین مورد رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند:

لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فَصَاعِدًا (سنن ابی داود)  
(نماز آن کسی درست نیست که سوره فاتحه و چیزی از قرآن را تلاوت نمی کند.)

- ۴- سوره فاتحه را قبل از سوره دیگر خواندن.
- ۵- مراعات نمودن ترتیب میان ارکان و واجبات نماز.
- ۶- در اثنای سجده گذاشتن پیشانی و بینی بر زمین.
- ۷- در ادای ارکان نماز مکث کردن و از عجله خود داری نمودن.

- ۸- نشستن در قعده اول به اندازه تشهد.
- ۹- در هر دو قاعده خواندن التحیات و تشهد.
- ۱۰- برخاستن به رکعت سوم بمجرد ختم تشهد.
- ۱۱- در نماز وتر خواندن دعای قنوت.
- ۱۲- برای امام جهر خواندن در نماز های جهری و آهسته خواندن در نماز های سری.
- ۱۳- با لفظ سلام از نماز خارج شدن.

### حکم واجبات نماز:

اگر نمازگزار یکی و یا بیشتر از واجبات فوق الذکر را سهواً ترک نماید، سجده سهو بالایش واجب می گردد. اما اگر قصداً

ترک نماید، سجده سهو بالایش نیست و نمازش ناقص می شود البته نماز گزار با این عمل خود گنهکار گردیده و اعاده نماز بالایش واجب می باشد.

و اگر کسی از آن منکر گردد، کافر نمی شود اما بدعتی و گنهکار شناخته می شود.

تعدیل ارکان اگر از نماز گزار سهواً ترک می شود، سجده سهو بالایش نیست زیرا آنرا «واجب لغیره» می دانند.

### سنت های نماز:

سنت های نماز قرار ذیل اند:

- ۱- بلند کردن دستها در تکبیر تحریمه، برای مردان تا گوشها و برای زنان تا شانه ها سنت است. زیرا برای زنان همین صورت مناسب تر است.
- ۲- در قیام گذاشتن دست راست بالای دست چپ و گذاشتن آن زیر ناف برای مردان و بالای سینه برای زنان بهتر است.
- ۳- خواندن سبحانک اللهم به طور خفیه برای امام، مقتدی، تنها گزار، زن و مرد سنت است.
- ۴- خواندن اعوذ بالله، برای کسیکه قرائت می نماید. یعنی برای امام و کسیکه به تنهایی نماز میخواند.
- ۵- خواندن بسم الله به طور خفیه برای کسانی که قرائت می کنند.

- ۶- پس از ختم سوره فاتحه گفتن آمین به صورت خفیه.
- ۷- پس از بلند شدن از رکوع «سمع الله لمن حمده» گفتن. و امام این جمله را بلند می گوید.
- ۸- بعد از آن گفتن ربنا لک الحمد برای مقتدی اگر شخصی به تنهایی نماز میخواند، باید هر دو را به صورت خفیه بگوید و اگر در جماعت باشد امام «سمع الله لمن حمده» را جهراً می گوید و مقتدی خاموشانه «ربنا لک الحمد» می گوید.
- ۹- گفتن تسیحات رکوع (سبحان ربی العظیم)
- ۱۰- گفتن تسیحات سجده (سبحان ربی الأعلی)
- ۱۱- تکبیرهای انتقال یعنی تکبیراتی که در اثنای رفتن از یک حالت به حالت دیگر گفته می شود، غیر از تکبیر تحریمه.
- ۱۲- خواندن سوره فاتحه در رکعات خالی.
- ۱۳- گفتن درود در قعه اخیر بعد از تشهد.
- ۱۴- در هنگام سلام روی را به طرف راست و چپ گشاندن.

### حکم سنتهای نماز:

کسیکه به این سنتها در نماز پابندی و مداومت نماید مستحق اجر و ثواب بی پایان می گردد. و کسیکه آنها ترک نماید از اجر و ثواب محروم گردیده و در آخرت مستحق ملامتی می گردد.

حکم دنیائی آن چنین است که با ترک کردن سنتها نمازش فاسد نمی گردد و نه سجده سهو و اعاده نماز لازم می گردد. اما اگر کسی ترک آنها عادت بسازد نمازش ناقص بوده و گنهکار می گردد.

## مستحبات نماز:

- کارهایی که در نماز بهتر و مستحب می باشد، قرار ذیل اند:
- ۱- در هنگام قیام به محل سجده نگاه کردن.
  - ۲- در حالت رکوع به پشت پاها دیدن.
  - ۳- در حالت سجده به نوک بینی دیدن.
  - ۴- در هنگام، قعدۀ دیدن به سینه.
  - ۵- در هر رکعت علاوه بر سوره فاتحه یک سوره کامل را خواندن.
  - ۶- گذاشتن دستها بالای زانو ها به شکلی که انگشت هایش باز باشد.
  - ۷- در حالت رکوع سرا را به برابری بدن گرفتن.
  - ۸- سر را با گفتن سمع الله لمن حمدۀ بلند کردن.
  - ۹- زمانی که به سجده می رود، اول زانو ها بعد از آن دستها و بعد از آن بینی و پیشانی را بر زمین بگذارد و در وقت برخاستن عکس آن عمل نماید.
  - ۱۰- در هنگام سجده دور نگهداشتن آرنجها از بغلها و بطن از رانها، البته این حکم برای مردان است و زنان باید بر عکس آن عمل نمایند.
  - ۱۱- رو بروی قبله قرار دادن انگشتهای پاها و دستها.
  - ۱۲- همراه با تکبیر سر را از سجده بلند کردن.
  - ۱۳- در رکوع و سجده سه بار، پنج بار و یا هفت بار تسبیح گفتن.

۱۴- در قعده پای چپ را خوابانده و بر آن بنشیند و پای راست را ایستاده نماید. البته برای زنها بهتر آنست که پاها را یکطرف بیرون کشید و بر زمین بنشیند.

۱۵- در هنگام نشستن به قعده دستهای خود را به حالت عادی و انگشت های باز بر زانو های خود بگذارد و چون به « اشهد ان لا إله...» برسد انگشت شهادت را بلند نموده و سایر انگشت ها را حلقه نماید.

### **حکم مستحبات نماز:**

با عمل کردن به مستحبات فوق الذکر نماز به بهترین صورت اداء گردیده و اجر و ثواب نصیب انسان می گردد و با ترک آن گناهی نیست و نه چیز دیگری بالای انسان لازم می گردد.

### **پنجم: مفسدات نماز**

اعمالی که سبب فاسد شدن نماز می گردد قرار ذیل است:

- ۱- هر نوع سخن گفتن در اثنای نماز.
- ۲- صاف کردن گلو بدون عذر معتبر.
- ۳- یرحمک الله گفتن به کسیکه عطیه می زند.
- ۴- غیر از امام فتحه دادن به کس دیگری.
- ۵- گفتن لا إله إلا الله به نیت جواب دادن، ولی اگر به نیت تنبیه کردن بگوید نمازش فاسد نمی گردد.

- ۶- برهنه شدن چهارم حصه عورت و اما اگر کمتر از چهارم حصه باشد نماز فاسد نمی‌شود
- ۷- جواب دادن به سلام چه به زبان باشد و یا با حرکت دست و سر.
- ۸- عمل کثیر، چه با دستها صورت گیرد و یا به اندام دیگری.
- ۹- خوردن و نوشیدن در اثنای نماز.
- ۱۰- در نماز آه و آوه کردن.
- ۱۱- خندیدن به آواز بلند ( قهقهه) و همراه با آن وضوء نیز می‌شکند. اما اگر از اندازه قهقهه کمتر باشد یعنی شکل تبسم را داشته و شخصی که در پهلوی انسان قرار دارد آواز را نشنود، نماز فاسد نمی‌گردد.
- ۱۲- بی هوش گردیدن.
- ۱۳- قبل از فارغ شدن از اعمال نماز قصداً سلام گشتاندن.
- ۱۴- گریه کردن به آواز بلند بخاطر درد و غم، البته در صورتی که به شکل اختیاری صورت گیرد. اما اگر به صورت اختیاری نباشد و یا در اثر یاد آوری جنت و دوزخ گریه نماید، نماز فاسد نمی‌شود.
- ۱۵- کسی احوال ناپسندی را بشنود و در جواب آن « اِنَّا لِلّٰهِ و اِنَّا اِلَيْهِ راجعون» بگوید نمازش فاسد می‌شود.
- ۱۶- بخاطر اظهار خوشی (الحمد لله) گفتن و بخاطر اظهار تعجب (سبحان الله) گفتن نیز سبب فاسد شدن نماز می‌گردد.



- ۱۷- ترک نمودن یکی از فرایض نماز سبب فاسد شدن نماز می‌گردد.
- ۱۸- خود را قصداً بی وضوء ساختن نیز نماز را فاسد می‌سازد.

### **حکم مفسدات نماز:**

اگر در نماز یکی از مفسدات فوق واقع گردید گرچه به سهو و خطا باشد، باز هم سبب فاسد شدن نماز می‌گردد و اعاده نماز بالای نماز گزار فرض می‌گردد.

### **ششم: مکروهات نماز:**

- اموری که سبب مکروه شدن نماز می‌گردد قرار ذیل اند:
- ۱- چارزانو نشستن بدون عذر
  - ۲- شمردن آیات بوسیله انگشتان.
  - ۳- در هنگام سجده بند های دست را مانند سگان در زمین هموار کردن.
  - ۴- دیدن به طرف چپ و راست با گوشه چشم.
  - ۵- بستن چشمها بدون عذر شرعی.
  - ۶- دور کردن سنگریزه و امثال آن بدون عذر از جای سجده.
  - ۷- خمیازه کردن و کشیدن خستگی در اثنای نماز.
  - ۸- فاژه کشیدن، اگر بی اختیار فاژه آمد باید بکوشد آنرا دفع نماید در غیر آن با دست دهن خود را پوشاند.

۹- بازی با لباس و ریش و اشیای دیگر  
۱۰- اگر در صف جای باشد، جدا و تنها در صف جدید  
ایستادن.

۱۱- کشیدن صدا از انگشتان.

۱۲- ترک یکی از سنتها در نماز.

۱۳- گذاشتن دستها بر بغل ها.

حکم مکروهات:

اگر نمازگزار یکی از این کارها و بیشتر از یکی را مرتکب  
شود، نمازش مکروه می‌گردد. پس بهتر آنست که نمازگزار خود  
را این حرکات نگهدارد.

### هفتم: مباحات در نماز:

کارهایی که در نماز مباح شمرده می‌شود قرار ذیل است:

۱- بدون گشتاندن روی با گوشه های چشم این طرف و  
آنطرف را دیدن.

۲- در صورت ضرورت برابر نمودن جای سجده. البته به  
این شرط که تا حد عمل کثیر نرسد.

۳- کشتن اشیای مضر مانند مار و گزدم.

### حکم مباحات:

انجام دادن این کارها در نماز مباح بوده و نه باعث گناه  
می‌شود و نه سبب ثواب. بلکه کردن و ناکردن آن برابر است.

## فصل هفتم

### رکن چهارم اسلام (روزه)

الله متعال روزه را در سال دوم هجرت در روز دوم ماه شعبان بر مسلمانان فرض گردانید.

#### دلایل فرضیت روزه:

اول: دلیل قرآنی:

الله عزوجل در قرآن کریم می فرماید:  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۸۳) [البقرة : ۱۸۳]

(ای اهل ایمان! روزه بر شما مقرر و لازم شده، همانگونه که بر پیشینیان شما مقرر و لازم شد، تا پرهیزکار شوید.)

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمُ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ [البقرة : ۱۸۵]

([این است] ماه رمضان که قرآن در آن نازل شده، قرآنی که سراسرش هدایتگر مردم است و دارای دلایلی روشن و آشکار از هدایت می باشد، و مایه جدایی [حق از باطل] است. پس کسی که

در این ماه [در وطنش] حاضر باشد باید آن را روزه بدارد، و آنکه بیمار یا در سفر است، تعدادی از روزهای غیر ماه رمضان را [به تعداد روزه های فوت شده، روزه بدارد] خدا آسانی و راحت شما را می خواهد نه دشواری و مشقت شما را. و [قضای روزه] برای این است: شما روزه‌هایی را [که به خاطر عذر شرعی افطار کرده‌اید] کامل کنید، و خدا را بر اینکه شما را هدایت فرموده بزرگ شمارید، و نیز برای این که سپاس‌گزاری کنید.

دوم: حدیث نبوی:

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند:  
اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ وَصَلُّوا حَمْسَكُمْ وَصُومُوا شَهْرَكُمْ وَأَدُّوا زَكَاةَ أَمْوَالِكُمْ  
وَأَطِيعُوا ذَا أَمْرِكُمْ تَدْخُلُوا جَنَّةَ رَبِّكُمْ (سنن الترمذی - عن ابی امامة)

(از پروردگار تان بترسید و نماز های پنجگانه تانرا بخوانید و ماه رمضان را روزه بگیرید و زکات اموال تانرا پردازید و از صاحب امر تان اطاعت کنید تا به جنت پروردگار تان داخل شوید).  
سوم: اجماع امت هم بر فرضیت روزه منعقد گردیده است. همچنان دلایل عقلی و قیاسی نیز بر فرضیت روزه دلالت دارد. تفصیل این موضوع را می‌توانید در کتب دیگر مطالعه کنید.

### **سبب فرضیت روزه:**

سبب فرضیت روزه آشکار شدن یک بخشی از ماهتاب ماه رمضان است. همچنان سبب ادای روزه طلوع مهتاب ماه رمضان در هر روز است.

## حکم شرعی روزه:

روزه از نگاه شرعی به صورت قطعی فرض است. با گرفتن روزه در دنیا ذمه بنده مسلمان خلاص گردیده و در آخرت مستحق اجر و ثواب خیلی زیاد می‌شود. و کسی که بدون عذر شرعی روزه‌اش را بخورد مرتکب گناه کبیره می‌شود و کسی که از فرضیت آن منکر گردد کافر و از دایره اسلام خارج می‌گردد.

## فضایل ماه رمضان

با حلول ماه رمضان دروازه های جنت باز و دروازه های دوزخ بسته می‌شود و شیاطین در بند می‌شوند. درین مورد رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

إِذَا دَخَلَ رَمَضَانَ فَتُفْتَحُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَتُعَلَّقُ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ وَسُلِّسَتْ الشَّيَاطِينُ (صحیح البخاری- عن ابی هریره رضی الله عنه)

چون ماه رمضان داخل شود، ابواب جنت باز می‌شود و دروازه های جهنم بسته می‌گردد و شیاطین با زنجیرها بسته شود. رمضان ماه جود و سخا است.

« عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَجْوَدَ النَّاسِ وَكَانَ أَجْوَدَ مَا يَكُونُ فِي رَمَضَانَ حِينَ يَلْقَاهُ جِبْرِيلُ وَكَانَ يَلْقَاهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ فَيُدَارِسُهُ الْقُرْآنَ فَلَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَجْوَدُ بِالْحَيْرِ مِنَ الرِّيحِ الْمُرْسَلَةِ » (صحیح البخاری)

(از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و سلم

سخی‌ترین انسانها بود و در ماه رمضان بیشتر از هر وقت دیگر سخاوت می‌نمود و جبرئیل علیه السلام هر شب رمضان با وی ملاقات نموده و قرآن کریم را تکرار می‌نمود. درین وقت سخاوت رسول الله صلی الله علیه و سلم بیشتر از نسیم و باد بود. (

رمضان وسیله نجات از آتش جهنم است:

رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید:

«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ صُفِّدَتِ الشَّيَاطِينُ وَمَرَدَةُ الْجِنِّ وَعَلِقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ فَلَمْ يُمْتَحَ مِنْهَا بَابٌ وَفُتِحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ فَلَمْ يُغْلَقْ مِنْهَا بَابٌ وَيُنَادِي مُنَادٍ يَا بَاغِيَ الْخَيْرِ أَقْبِلْ وَيَا بَاغِيَ الشَّرِّ أَقْصِرْ وَلِلَّهِ عِتْقَاءُ مِنَ النَّارِ وَذَلِكَ كُلُّ لَيْلَةٍ» (سنن الترمذی)

(از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: چون شب اول ماه رمضان داخل گردد، شیاطین و جنیات سرکش بسته می‌شوند و دروازه های جهنم بسته می‌شود و هیچ یکی باز نمی‌ماند و دروازه های جنت باز می‌شود و هیچ یک بسته نمی‌ماند. و آواز دهنده‌ای آواز می‌دهد که ای کسی که خواهان خیر هستی بسوی خیر بیا! و ای کسی که در به دنبال شر هستی از شر دستبردار شو! درین ماه هر شب الله متعال کسان زیادی را از آتش آزاد می‌سازد.)

در جنت دروازه‌ای بنام ریان خاص برای روزه داران است:

رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید:

«عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فِي الْجَنَّةِ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابٍ فِيهَا بَابٌ يُسَمَّى الرَّيَّانَ لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا الصَّائِمُونَ» (صحیح البخاری)

(از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: در جنت هشت دروازه است و یک دروازه آن ریان نام دارد که فقط روزه داران از آن دروازه داخل می شوند.)

در رمضان گناهان مسلمان بخشیده می شود:

رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید:

«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» (صحیح البخاری)

(از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: کسی که رمضان را بر اساس ایمان و طلب اجر و ثواب روزه گرفت گناهان قبلی اش مغفرت می شود و کسی که شب قدر را از روی ایمان داری و طلب اجر و ثواب قیام کرد گناهان قبلی اش مغفرت می گردد.)

ثواب روزه دار را الله متعال خودش میدهد.

«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ يَصَاعَفُ الْحُسْنَ عَشْرُ أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِمِائَةِ ضِعْفٍ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا الصَّوْمَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ يَدْعُ شَهْوَتَهُ وَطَعَامَهُ مِنْ أَجْلِي لِلصَّائِمِ فَرَحَتَانِ فَرَحَةٌ عِنْدَ فِطْرِهِ وَفَرَحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ وَخُلُوفٌ فِيهِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ» (صحیح مسلم)

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: اجر و ثواب هر عمل ابن آدم چند برابر می شود و تا ده برابر و هفتصد برابر ثواب داده می شود. الله عزوجل می فرماید: مگر روزه که خاص برای من است و من پاداش آنرا می دهم (یعنی مقدار آنرا جز الله کسی نمی داند). روزه دار بخاطر من شهوت و طعام خود را ترک می کند. برای روزه دار دو خوشی دست می دهد؛ یکی آنگاهی که روزه اش را افطار می کند و دیگر آنگاهی که با پرودگارش ملاقات می نماید. و یقیناً بوی دهن روزه دار نزد الله متعال بهتر از بوی مشک است.

### پنج خصوصیت این امت در ماه رمضان:

يقول جابر بن عبد الله رضي الله عنه قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " أُعْطِيَتْ أُمَّتِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ حَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ نَبِيٌّ قَبْلِي، أَمَّا وَاحِدَةٌ: فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ، وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ لَمْ يُعَذِّبْهُ أَبَدًا، وَأَمَّا الثَّانِيَةُ: فَإِنَّ خُلُوفَ أَفْوَاهِهِمْ حِينَ يُسُونُ أُطْيَبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ، وَأَمَّا الثَّلَاثَةُ: فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، وَأَمَّا الرَّابِعَةُ: فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَأْمُرُ جَنَّتَهُ فَيَقُولُ لَهَا: اسْتَعِدِّي وَتَزَيِّي لِعِبَادِي أَوْشَكَ أَنْ يَسْتَرْجِعُوا مِنْ تَعَبِ الدُّنْيَا إِلَى دَارِي وَكَرَامَتِي، وَأَمَّا الْخَامِسَةُ: فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ آخِرُ لَيْلَةٍ غَفَرَ لَهُمْ جَمِيعًا " رواه البيهقي في شعب الإيمان وراه احمد في مسنده

(جابر رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: برای امتم در ماه رمضان پنج چیز داده شده است که برای هیچ امت قبلی داده نشده است. یکی اینکه چون شب اول



ماه رمضان داخل شود الله عزوجل بسوی ایشان نظر می کند و کسی را که الله بسویش نظر کند عذاب نمی کند. دوم اینکه بوی دهن شان در هنگام مغرب نزد الله نیکوتر از بوی مشک می باشد. سوم اینکه ملائک شب و روز برایشان مغفرت طلب می کند چهارم اینکه الله عزوجل به جنت امر می کند و می گوید که آماده شو و برای امتم خود را مزین بساز زیرا نزدیک است که امتم از خستگی دنیا برای استراحت به دار کرامتم بیایند و پنجم اینکه چون شب آخر رمضان فرا رسد به تمام آنها مغفرت می نماید. (

### سلوک روزه دار:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الصَّيَّامُ جُنَّةٌ إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ صَائِمًا فَلَا يَرْفُثْ وَلَا يَجْهَلْ فَإِنْ أَمْرٌ قَاتَلَهُ أَوْ شَاتَمَهُ فَلْيُقَلِّبْ إِيَّيْ صَائِمٌ إِيَّيْ صَائِمٌ (سنن أبي داود)

(از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: روزه مانند سپر است و چون یکی از شما روزه داشته باشد، پس سخنان فحش را به زبان نیاورد، به کسی دشنام ندهد و با کسی جاهلانه برخورد نکند. و اگر کسی با وی جنگ کرد و یا او را دشنام داد، باید بگوید من روزه دارم من روزه دارم.)

### فوائد روحی روزه:

۱- روزه دار که در مقابل تشنگی و گرسنگی روزه صبر می کند، در اثر آن صفت صبر و تحمل در وجودش تقویت

می‌یابد. بعد از آن اگر در راه الله متعال مصیبت‌ها و مشکلات دیگری بوی برسد، در مقابل آنها نیز صبر می‌نماید

۲- زمانیکه انسان روزه می‌گیرد حالت فقراء و نیازمندان را بخوبی درک کرده می‌تواند. مساکین و فقراء همه سال را در گرسنگی و ناتوانی می‌گذرانند و زمانی که روزه داران نیز چند روزی را در گرسنگی و تشنگی بگذرانند، حالت آنها برای همیشه در اذهان شان زنده و حاضر می‌گردد.

۳- مسلمان بوسیله روزه بهترین اخلاق را بدست می‌آورد و در انسان روحیه برادری، تعاون و همکاری را تقویت می‌نماید.

### **فوائد صحی روزه:**

طب جدید این نکته را ثابت ساخته است که روزه زمینه استراحت معده را مهیا ساخته و سیستم هاضمه را منظم می‌سازد. علاوه بر آن، مواد زهری که در وجود انسان تراکم می‌نماید، بوسیله آن تخلیه می‌گردد. بشرط آنکه روزه با آداب کامل اداء گردد و هنگام افطار و سحری از خوردن زیاد خودداری صورت گیرد.

### **اهداف روزه:**

اهداف روزه در اسلام خیلی زیاد است، ولی چند هدف مهم آنرا میتوان چنین خلاصه کرد:  
اول: تقویت صفت تقوا و پرهیزگاری در مسلمانان.

دوم: جابجا سازی عظمت و بزرگی الله متعال در قلوب مسلمانان.

سوم: ادا کردن شکر الله متعال به صورت درست.

چهارم: تقویت اراده در مسلمانان.

پنجم: تربیت نفس انسان بر قربانی های بدنی.

ششم: تقویة روحیة قربانی مالی در نفس انسان.

هفتم: تقویت روحیة کاستن از خواسته های نفسانی.

هشتم: آماده شدن برای هر نوع قربانی در راه الله متعال.

نهم: تقویت صفت جود و سخا در انسان.

## آداب روزه:

روزه تنها این نیست که انسان از خوردن و نوشیدن اجتناب کند، بلکه روزه حقیقی آنست که روزه دار همچنان که از خوردن و نوشیدن دوری می کند از معصیت نیز اجتناب نماید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم درین مورد می فرماید:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّورِ وَالْعَمَلَ بِهِ فَلَيْسَ لِلَّهِ حَاجَةٌ فِي أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ

(صحیح البخاری)

(از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: کسی که سخن دروغ و عمل کردن به آنرا ترک نکند، الله متعال به این نیاز ندارد که خوردن و نوشیدن خود را ترک نماید.)

در حدیث دیگری می فرماید:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَكَمْ مِنْ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ إِلَّا السَّهَرُ (مسند أحمد)

(از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: چه بسیار روزه‌داری است که از روزه خویش حاصلی جز گرسنگی نمی‌گیرد و چه بسیار شب‌خیزی است که از شب‌خیزی خود جز بیدار خوابی حاصل دیگری ندارد.)

بنابراین لازم است که مسلمان همچنان که از خوردن و نوشیدن دوری می‌کند، خود را از گناهان نیز حفاظت کند. زیرا هدف و حکمت اصلی روزه اینست که مسلمانان از گناهان پاک گردیده و با اخلاق نیک آراسته گردند. تا مقصد اساسی روزه بدست آید.

بر فرد مسلمان لازم است که در هر وقت و شرایط از گناه اجتناب نماید، ولی رمضان بخاطر تربیت و تمرین تقوا و پرهیزگاری مخصوص شده است.

## فصل هشتم

### احکام و مسایل ضروری روزه

روزه دارای آداب و احکامی است که مختصر این مسایل قرار  
ذیل است:

#### آیا اختلاف مطالع (محل طلوع مهتاب) معتبر است یا نه؟

زمانیکه مهتاب در یک قسمت از جهان اسلام دیده شد،  
گرفتن روزه بر تمام مسلمانان فرض می‌گردد. زیرا نظر اکثر  
علماء برین است که اختلاف مطالع اعتبار ندارد و نظر درست  
همین است.

البته به شرط اینکه به شکل و طریقه معتبر به تمام مسلمانان  
برسد.

#### ثبوت داخل شدن رمضان:

ثبوت ماه رمضان بوسیله دو چیز صورت می‌گیرد:

۱- با مشاهده مهتاب در شام بیست و نهم ماه شعبان، ماه  
رمضان داخل می‌گردد. البته در صورتی که آسمان صاف بوده و  
موانع در برابر دیدن مهتاب وجود نداشته باشد. زیرا رسول الله  
صلی الله علیه وسلم فرموده اند:

صُومُوا لِرُؤْيَيْهِ وَأَفْطِرُوا لِرُؤْيَيْهِ (صحيح البخاري)

(با دیدن مهتاب روزه بگیرید و با دیدن مهتاب عید نمایید.)  
قابل تذکر است که اگر آسمان صاف و روشن بوده و مانعی  
در برابر مشاهده مهتاب وجود نداشت دیدن یک و یا دو نفر  
کفایت نمی‌کند باید تعداد زیاد مردم آنرا مشاهده کنند.

۲- اگر در برابر دیدن مهتاب موانعی وجود داشت و یا  
آسمان ابر آلود بود، در آنصورت بر مسلمانان لازم است که سی  
روزه ماه شعبان را تکمیل نمایند. زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم  
فرموده اند:

فَإِنْ غُيِّبَ عَلَيْكُمْ فَأَكْمِلُوا عِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ (صحيح البخاري)

(اگر مهتاب بخاطر ابر و یا بعلت دیگری بر شما پوشیده ماند  
پس ماه شعبان را سی روز پوره نمایید.)  
قابل یا آورست که درین صورت دیدن یک مسلمان عادل نیز  
کفایت می‌کند. و قاضی درین مورد فیصله می‌کند.

### طریقه ثبوت ماه شوال:

اگر آسمان صاف نباشد، برای ثبوت داخل شدن ماه شوال  
شهادت دو تن ضروری است شاهی یکنفر کفایت نمی‌کند. اما  
اگر آسمان صاف بود باید جمع غفیری شهادت بدهند.  
و اگر در شب بیست و نهم رمضان دیدن مهتاب با مشکلی  
روبرو شد و یا آسمان کاملاً ابر آلود بود، در آن صورت  
مسلمانان باید سی روز کامل را روزه بگیرند.

در شب بیست و نهم شعبان و رمضان بر آمدن یکتعداد مسلمانان برای دیدن مهتاب فرض کفایی می باشد.

## شرطهای روزه:

شرط های روز دو نوع می باشد:

### اول: شروط فرضیت روزه:

و به تفصیل ذیل است:

۱- نخستین شرط برای فرض شدن روزه، اسلام و مسلمان شدن است زیرا شخص کافر مکلف به فروع دینی نمی باشد، بلکه مکلفیت اولی او اینست که مسلمان شود. بعد از آن مکلف به فرایض و فروع دینی می گردد.

۲- عقل نیز برای فرضیت روزه شرط است. به همین علت بالای انسان دیوانه روزه فرض نمی باشد زیرا دیوانه از نظر شریعت اسلامی غیر مکلف است.

۳- بلوغ هم برای فرضیت روزه فرض است زیرا مسلمانی که به سن بلوغ نرسیده غیر مکلف بحساب می آید. گرچه اطفال را باید به روز گرفتن تشویق نمود تا به روزه گرفتن عادت بگیرند.

۴- علم داشتن به فرضیت روزه. یعنی اگر کسی در دارالحرب و دارالاسلام تازه مسلمان شود، علم داشتن به فرضیت روزه برایش شرط می باشد.

## دوم: شروط وجوب اداء:

اینکه روزه گرفتن بالای کسی فی الحال فرض گردیده و باید آنرا اداء کند، برای آن شرط های ذیل لازم است.

اول: اولین شرط آن صحت است. یعنی بالای مریض روزه گرفتن فی الحال فرض نیست، بلکه زمانی که از بیماری صحت یاب شد با در وقت مناسب روزه بگیرد. و اگر فرد مسلمانی به حد شیخ فانی « مرد و زنی که به سن کهنولت برسند.» رسیده باشد و یا مریضی که امید صحت یاب شدن را نداشته باشد باید در مقابل هر روز فدیة بدهد و اگر خودش توان ادای فدیة با نداشت شخص دیگری می تواند فدیة او را بعهده بگیرد.

دوم: شرط دوم وجوب اداء، اقامت است. یعنی اگر فرد مسلمان در حال سفر باشد روزه بالای او فرض است اما در حالت سفر روزه گرفتن بالای او فرض نیست، بلکه زمانی که سفر خویش را به پایان رساند و برگشت باید روزه خود را قضایی بگیرد. البته اگر در جریان سفر روزه می گیرد فرض از عهده اش ساقط می گردد. ولی اگر زنان در حال حیض و یا نفاس روزه بگیرد، فرض از عهده شان ساقط نمی گردد و روزه گرفتن درین حالت بالای او حرام می باشد.

## سوم: شروط صحت ادای روزه:

شروطی که برای ادای درست و صحیح روزه لازم می باشند، قرار ذیل است:



- ۱- نیت کردن: یعنی بدون نیت روزه درست نمی‌شود.
- ۲- اگر صائم زن باشد، پاک بودن وی از حیض و نفاس نیز شرط صحت ادای روزه می‌باشد. همچنان‌که پاک بودن از حیض و نفاس شرط اساسی برای وجوب آن می‌باشد. اگر زن در حال حیض و نفاس روزه بگیرد روزه‌اش درست نمی‌باشد. و زمانی که زن از حیض و نفاس پاک شد، روزه‌های که از ماه رمضان افطار کرده است در وقت مناسب قضایی بیاورد.

### **طریقه و وقت نیت روزه:**

وقت نیت کردن برای ادای روزه فرضی از اول شب تا طلوع آفتاب می‌باشد. ولی برای گرفتن روزه قضائی، نذری و کفاره نیت کردن در شب لازمی است.

برای گرفتن روزه های نفلی در روز نیز نیت کرده می‌تواند. البته نیت باید قبل از زوال صورت گیرد، بعد از زوال آفتاب نیت درست نمی‌شود.

در حدیث صحیح وارد است که عایشه رضی الله عنها می‌فرماید: روزی رسول الله صلی الله علیه وسلم به خانه ام داخل شد و گفت: آیا چیزی برای خوردن دارید؟ گفتیم، چیزی نداریم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: پس امروز روزه می‌گیرم.

### **شرط‌های وجوب و صحت ادای روزه:**

اینکه روزه بالای انسان فرض گردیده و ادای آن فوراً لازم بوده و صحت آنرا افاده نماید موجودیت شرط‌های ذیل ضروری است.

اول: اسلام.

دوم: عقل.

سوم: تمیز.

چهارم: پاک بودن از حیض و نفاس.

پنجم: علم داشتن به فرضیت روزه چنانچه قبلاً عرض گردید.

### رکن روزه:

رکن روزه عبارت از خود داری از خوردن، نوشیدن، جماع کردن و هر کاری که سبب شکستن روزه می‌گردد از صبح صادق الی غروب آفتاب می‌باشد. الله متعال می‌فرماید:

وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ  
ثُمَّ أَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ [البقرة: ۱۸۷]

(و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید صبح از رشته سیاه شب برای شما آشکار شود، سپس روزه را تا شب به پایان برید.)

### انواع روزه

روزه بنابر حکم آن، دو نوع است:

روزه های فرضی که عبارت اند از

۱- روزه‌ای که از سوی الله متعال در وقت معین فرض

گردیده است مانند روزه رمضان. ادای روزه جز در ماه رمضان

جایز نمی‌باشد.

۲- روزه‌های فرضی غیر معین. مانند روزه‌های قضایی ماه رمضان که آنرا روزه‌های فرضی می‌گویند و گرفتن آن در هر وقت مناسب جایز می‌باشد. همچنان روزه‌های کفار نیز از همین نوع است.

تفصیل روزه‌های کفاره ازین قرار است:

أ- کفاره قتل خطاء: کسیکه مرتکب قتل خطاء گردید دو ماه پی در پی باید روزه بگیرد.

ب- کفاره رمضان: کسیکه بدون عذر شرعی و به صورت عمدی یک روز روزه را بخورد باید دو ماه پی در پی روزه بگیرد.

ت- کفاره قسم: کسی که در قسم خود حانث شد، بالایش سه روز روزه گرفتن لازم می‌گردد و آنرا کفاره یمین می‌گویند. سبب این کفاره حانث شدن در قسم است البته در صورتی که به ده تن مسکین طعام داده نتواند.

ث- کفاره ظهار: روزه گرفتن دو ماه پی در پی است

۳- روزه‌های واجبی معین مانند نذر معین و روزه‌های واجب غیر معین مانند نذر غیر معین.

## دوم: روزه‌های مسنون

روزه‌های مسنون و مستحب قرار ذیل اند:

۱- روزه عاشورا:

عاشوراء روز دهم ماه محرم بوده و درین روز روزه گرفتن سنت است. بشرط اینکه روز نهم و یا روز یازدهم را همراه با روز دهم روزه بگیرد.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ قَدِمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَدِينَةَ فَرَأَى الْيَهُودَ تَصُومُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ فَقَالَ مَا هَذَا قَالُوا هَذَا يَوْمٌ صَالِحٌ هَذَا يَوْمٌ نَجَّى اللَّهُ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ عَدُوِّهِمْ فَصَامَهُ مُوسَى قَالَ فَأَنَا أَحَقُّ بِمُوسَى مِنْكُمْ فَصَامَهُ وَأَمَرَ بِصِيَامِهِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

(از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که چون رسول الله صلی الله علیه و سلم به مدینه تشریف آوردند، دیدند که یهود روز عاشوراء (دهم ماه محرم) را روزه می گیرند. ایشان پرسیدند که چرا روزه می گیرید؟ گفتند: امروز، روز مبارکی است زیرا درین روز الله متعال بنی اسرائیل را از دشمنانش نجات داد و موسی علیه السلام آنرا روزه گرفت. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: ما نزدیک تر به موسی هستیم. پس خود ایشان روزه گرفتند و مسلمانان را امر کردند که روزه بگیرند.)

۲- در هر ماه سه روز را روزه گرفتن است و بهتر آنست که روز های سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم را روزه بگیرد چون درین شبها مهتاب کامل و روشن می گردد، رسول الله صلی الله علیه و سلم آنرا « ایام البیض » گفته اند.

۳- روزه عرفه برای غیر حاجی:

عَنْ أَبِي قَتَادَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَوْمُ يَوْمِ عَرَفَةَ يُكْفِرُ سَنَتَيْنِ مَاضِيَةً وَمُسْتَقْبَلَةً وَصَوْمُ عَاشُورَاءَ يُكْفِرُ سَنَةً مَاضِيَةً (مسند أحمد)

(از ابو قتاده روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند روزه روز عرفه کفاره دو سال یعنی سال گذشته و سال آینده را می نماید و روزه عاشورا سال گذشته را کفاره می نماید.)

۴- روزه گرفتن روز های دوشنبه و پنجشنبه

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ أَكْثَرَ مَا يَصُومُ  
 الْإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسَ قَالَ فَقِيلَ لَهُ قَالَ فَقَالَ إِنَّ الْأَعْمَالَ تُعْرَضُ كُلُّ اثْنَيْنِ وَخَمِيسٍ  
 أَوْ كُلِّ يَوْمٍ اثْنَيْنِ وَخَمِيسٍ فَيَغْفِرُ اللَّهُ لِكُلِّ مُسْلِمٍ أَوْ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ إِلَّا الْمُتَهَاجِرِينَ  
 فَيَقُولُ أَخْرَهُمَا (مسند أحمد)

(از ابو هريره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی  
 الله علیه و سلم بیشتر روز دوشنبه و پنجشنبه را روزه می گرفت.  
 چون درین مورد از ایشان پرسیدند در جواب گفتند: در روز  
 دوشنبه و پنجشنبه اعمال مردم به الله متعال پیش می شود و الله  
 متعال برای هر مسلمان و مؤمن مغفرت می کند مگر برای کسانی  
 که با هم خفگی داشته و از هم دوری می کنند و می گوید این دو  
 را به تأخیر اندازید.)

۵- روزه گرفتن شش روز از ماه شوال که آنرا روزه تمام  
 عمر نیز خوانده است:

رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده اند:  
 عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
 قَالَ مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ كَانَ كَصِيَامِ الدَّهْرِ  
 (صحیح مسلم)

(از ابو ایوب انصاری رضی الله عنه روایت است که رسول  
 الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: کسی که ماه رمضان را روزه  
 بگیرد باز به دنبال آن شش روز شوال را روزه بگیرد برایش مانند  
 اینست که همه عمر را روزه بگیرد.)

و: یک روز روزه گرفتن و یک روز افطار کردن.

أَحَبُّ الصِّيَامِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ صَوْمَ دَاوُدَ كَانَ يَصُومُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا (سنن النسائي)

(محبوبترین روزه نزد الله عزوجل روزه داود است. او یک روز را روزه می گرفت و یک روز را افطار می کرد).  
ز: روزه گرفتن در ماه های حرام:

ماه های ذوالقعدة، ذوالحجه، محرم و رجب را ماه های حرام گویند. درین مورد رسول صلی الله علیه و سلم فرموده اند:  
عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
أَفْضَلُ الصِّيَامِ بَعْدَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ الْمُحَرَّمُ وَأَفْضَلُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ  
صَلَاةُ اللَّيْلِ (صحیح مسلم)

(از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: بهترین روزه بعد از رمضان روزه ماه محرم و بهترین نماز بعد از نماز های فرضی، نماز شبانه است.)

### سوم: روزه های مکروه و حرام

روزه هایی که در حدیث نبوی از آن منع شده است به سه نوع تقسیم می گردد:

۱- مکروه تحریمی مانند:

- مانند روزه گرفتن در روز های عید، ایام تشریق (روز های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه)
- صوم وصال، به این معنا که دو روز را پیهم روزه بگیرد بدون اینکه افطار نماید.

- همهٔ عمر روزه گرفتن.
- روزهٔ نقلی برای زنان، بدون اجازهٔ شوهر.
- ۲- روزه های حرام:
- زنی که در حال حیض و نفاس باشد روزه گرفتن برایش حرام بوده و اصلاً صحیح نمی باشد.
- ۳- مکروه تنزیهی:
- روز جمعه را برای روزه گرفتن خاص نمودن.
- در روزه عاشورا به روز دهم اکتفاء کردن.
- روز شنبه را خاص کردن برای روزه.
- برای حاجی روزه گرفتن در روز عرفه در میدان عرفات.

### شکننده‌های (مفسدات) روزه:

چیزهایی که باعث فاسد شدن (شکستن) روزه می‌گردد به صورت عموم به دو نوع تقسیم می‌گردد. یکی آنکه قضایی و کفاره را لازم می‌گرداند و دیگر آنکه تنها قضایی را لازم می‌سازد.

#### اول: مفسداتی که قضاء و کفاره را لازم می‌گرداند:

مفسداتی که قضاء و کفاره هر دو را بر انسان لازم می‌گرداند، قرار ذیل است:

یک: بعد از نیت کردن و آغاز روزه به صورت قصدی و بدون عذر معتبر شرعی از طرف روز همبستر شدن و جماع کردن. و در آن صورت‌های ذیل ممکن است:

الف: اگر زن و مرد هردو به رضایت هم مرتکب این کار شوند، درینصورت بالای مرد و زن کفاره لازم می‌گردد.

ب: اگر مرد به زور و جبر و بدون رضایت زن این کار را انجام دهد، بالای مرد کفاره و قضایی هر دو لازم می‌گردد و بالای زن تنها قضایی لازم می‌شود.

ج: اگر زن از زور و جبر کار بگیرد و مرد را مجبور به این عمل نماید در آنصورت بالای زن و مرد قضایی و کفاره لازم می‌گردد.

د: اگر هردوی شان این عمل را به فراموشی انجام دهند نه روزه‌شان می‌شکند و نه قضایی بالای شان لازم می‌گردد.

دو: بعد از نیت کردن و روزه گرفتن به صورت قصدی از طرف روز خوردن و نوشیدن چیزهایی که انسان بوسیله آن تغذیه و یا تداوی می‌گردد و احساس لذت می‌نماید.

### **یادداشت:**

الف: اگر یک زن به صورت قصدی روزه اش را شکستاند و باز در همان روز بالایش حیض آمد و یا به نفاس گرفتار شد کفاره از گردنش ساقط می‌گردد.

ب: اگر انسان روزه دار به صورت قصدی روزه اش را خورد و باز در همان روز چنان بیماری بالایش عاید شد که موجب جواز افطار می‌گردد، درینصورت کفاره از وی ساقط می‌گردد.



## شرط‌های کفاره:

شرط‌های کفاره به تفصیل ذیل است:

اول: این‌که در ماه رمضان به صورت قصدی روزه اش را بشکناند. اگر کسی در غیر از ماه رمضان روزه بگیرد و باز روزه اش را بشکند بالایش کفاره لازم نمی‌گردد.

دوم: این‌که در ماه رمضان به صورت عمدی روزه اش را بشکند. یعنی اگر به فراموشی و یا به خطاء روزه اش را خورد کفاره بالایش لازم نمی‌گردد.

سوم: این‌که در حالت اضطرار نرسیده باشد. پس اگر کسی به خوردن روزه مجبور گردید و به صورتی که اگر روزه اش را نمی‌خورد به مرگ مواجه می‌گردید و یا به مریضی سخت گرفتار می‌شد درین صورت بالایش کفاره نیست.

چهارم: این‌که به اختیار خود روزه را بخورد. پس اگر کسی با زور و جبر مجبور به روزه خوردن شده بود بالایش کفاره نمی‌باشد.

## طریقه و کیفیت ادای کفاره:

کفاره روزه به طریقه ذیل اداء می‌گردد:

در قدم اول باید یک غلام و یا کنیز را آزاد نماید. و اگر از آزاد کردن غلام و کنیز عاجز بود، یعنی اینکه غلام و یا کنیز وجود نداشت و یا قیمت آنرا پوره کرده نمی‌توانست با دوماه پی در پی

روزه بگیرد به شرط این که عید در بین آن نیاید و اگر از گرفتن روزه ناتوان شد باز شصت مسکین را به صورت متوسط دو وقت طعام کافی بدهد. و یا اینکه در مقابل هر روز نیم صاع گندم و یا آرد بدهد و یا یک پیمانه خرما و یا جو و یا قیمت آنرا پردازد. مراعات این ترتیب از نظر جمهور علماء ضروری می باشد.

### **تداخل در کفاره:**

تحت این عنوان صورت های ذیل شامل بوده می تواند:

اول: اگر شخصی در یک ماه رمضان یک روز و یا چند روز را بخورد، در آنصورت بالایش فقط یک کفاره لازم می گردد.

دوم: اگر تمام ماه رمضان را بخورد باز هم بالایش یک کفاره لازم می گردد.

سوم: اگر در دو ماه رمضان روزهایی را بخورد ولی کفاره رمضان اولی را نپرداخته باشد بازه بالایش یک کفاره لازم می گردد.

چهارم: اگر چند روز رمضان را بخورد و کفاره آنرا پردازد و بعد از آن روزها دیگری را بخورد در آنصورت باز کفاره بالایش لازم می گردد.

### **دوم: مفسداتی که تنها قضای را لازم می گرداند:**

۱ - این که به سبب عذر شرعی روزه اش را بخورد مانند سفر، بیماری و امثال آن.

- ۲ - این که روزه دار چنان چیزی را ببلعد که نه به آن تغذیه و  
تداوی صورت می‌گیرد و نه باعث لذت می‌گردد و نه عادتاً  
خورده می‌شود مانند کاغذ، نمک زیاد و امثال آن.
- ۳ - بلعیدن سنگ، آهن و امثال آن باعث شکستن روزه  
می‌گردد ولی کفاره را لازم نمی‌گرداند.
- ۴ - زمانی که روزه دار مجبور به افطار روزه‌اش گردد.
- ۵ - زمانی که مقیم بوده و روزه بگیرد و در همین روزه به سفر  
برود و روزه اش را بخورد.
- ۶ - اگر کسی در مضمضه و استنشاق مبالغه نموده و آب از  
گلویش بگذرد.
- ۷ - به صورت عمدی قی کردن با دهن پر.
- ۸ - افتادن باران، ژاله و یا برف در داخل دهن بصورت غیر  
عمدی و با فروبردن آن به صورت عمدی.
- ۹ - یکبار به فراموشی چیزی بخورد و بعد از آن به صورت  
عمدی چیزی بخورد و یا بنوشد.
- ۱۰ - اینکه از شب نیت روزه را نکرده باشد و از طرف روز  
چیزی بخورد.
- ۱۱ - اینکه تمام روز چیزی نخورد و ننوشد و نیت روزه هم  
نداشته باشد.
- ۱۲ - اینکه در گوش و یا بینی خود دوا را بچکاند و دوا  
داخل گلونش گردد.

۱۳ - اینکه در زخم سر و یا شکم خود دوا بچکاند و آن دوا داخل بطن او گردد.

۱۴ - در روزهای غیر از رمضان روزه بگیرد و آنرا بشکند.

۱۵ - خوردن و نوشیدن به این گمان که آفتاب غروب کرده و یا شب هنوز ادامه دارد .

درین صورتها خوردن و یا نوشیدن باعث قضایی می گردد ولی کفاره لازم نیست.

### **مکروهات روزه:**

اموری که برای روزه دار مکروه است قرار ذیل می باشد:

- ۱- بدون عذر چشیدن و یا جویدن چیزی.
- ۲- جویدن ساجق، به شرط اینکه شیرینی آن از گلو تیر نشود. اگر شیرینی و مزه ساجق از کلویش تیر شد روزه اش فاسد می گردد.
- ۳- بوسیدن همسر برای مردی که از جنب شدن در امن نباشد.
- ۴- جمع کردن آب دهن و آنرا یکبار فرو بردن.
- ۵- کارهایی که سبب ضعف روزه دار می گردد، مانند حجامت یا خون دادن.

### **کارهایی که برای روزه دار مکروه نیست:**

اول: بوسیدن همسر و در یک بستر با وی خوابیدن بشرط اینکه از انزل شدن در امن باشد.

دوم: سر مه کردن چشم‌ها.  
سوم: چرب کردن موی‌ها و تمام بدن.  
چهارم: آب بازی کردن و پوشیدن لباس های تر.  
پنجم: انداختن آب در دهن و بینی به شرط اینکه مبالغه نکند.

## حالاتی که خوردن روزه برای انسان جایز می‌گردد

در حالات ذیل افطار کردن روزه جایز است:

۱- زنانی که در حالت حیض و نفاس باشند، باید روزه شانرا افطار نمایند زیرا درین حالت روزه گرفتن حرام است و زمانی که از حیض و نفاس پاک شدند، قضائی بالای شان فرض می‌باشد چنانچه عایشه رضی الله عنها می‌فرماید:

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ كُنَّا نَحِيضُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ نَطَهَّرُ فَيَأْمُرُنَا بِقِضَاءِ الصِّيَامِ وَلَا يَأْمُرُنَا بِقِضَاءِ الصَّلَاةِ (سنن الترمذی)

ما که در عهد رسول الله صلی الله علیه و سلم حایضه می‌شدیم و باز پاک می‌گردیدیم ما را به قضائی روزه امر می نمود ولی به قضائی نماز امر نمی‌کرد.

۲- برای مسافر و مریض افطار کردن جایز است و بعداً بالای شان تنها قضایی لازم می‌گردد. و اگر در جریان سفر گرفتن روزه باعث ضرر و مشقت بالای مسافر نمی‌شد در آنصورت گرفتن روزه برایش بهتر است. مسافر به کسی گفته می‌شود که به سفری روان باشد که نماز در آن قصر می‌گردد. دیگر اینکه سفرش را قبل از طلوع فجر آغاز نماید. اما اگر شخصی مقیم

بوده و نیت روزه را کرد، و بعد از طلوع فجر سفرش را آغاز کرد، افطار نمودن برایش جایز نیست.

۳- برای زنی که حمل داشته باشد و یا طفل خود را شیر بدهد، اگر میدانست که روزه گرفتن سبب ضرری برای خودش و یا طفلش می‌شود، برایش جایز است که روزه اش را افطار نموده و بعداً قضائی آنرا بجا آورد.

۴- شیخ فانی «مرد و زن سالخورده» و مریضی که امید صحت یاب شدن را نداشته باشد، میتواند که روزه اش را افطار نماید و در برابر هر روز فدیة بدهد. مقدار آن اینست که هر روز یکنفر مسکین را دو وقت طعام کافی بدهد. بالای اینها قضایی لازم نمی‌باشد.

۵- بالای دیوانه روزه لازم نیست تا آنگاه که صحت یاب شود و همچنان بالای طفل و کودکی که بالغ نشده است، روزه لازم نمی‌باشد تا آنکه بالغ گردد و بالای کافر هم نمی‌باشد تا آنکه مسلمان شود. البته بالای اینها نه قضائی است و نه فدیة.

۶- کارهای سخت و شاقه؛ اگر مسلمانی مصروف کار خیلی مشقت بار بوده و چاره جز کار کردن نداشته باشد درین صورت می‌تواند که روزه اش را افطار نموده و در وقت مناسب قضایی آنرا بیاورد.

### قضایای روزه‌هایی افطار شده:

گرفتن روزهای قضایی به صورت فوری فرض نیست. حتی اگر رمضان دیگر بالایش فرا رسد. قضایی باید به تعداد روز

هایی آورده شود که خورده است. کسیکه یک روزه را خورده باشد، یک روز قضایی می آورد و اگر دو روزه را خورده باشد دو روز قضایی می آورد. گرچه جایز است که روزه هایی قضایی را تنها تنها بگیرد، اما اگر به صورت مسلسل اداء کنند برایش بهتر است. البته کفارهٔ رمضان که دو ماه است، باید حتماً مسلسل گرفته شود.

اگر شخصی وفات می کند و بالایش قضایی روزه باقی می ماند باید از طرف وارث وی فدیة پرداخته شود.

### **کارهایی که برای شخص روزه دار مباح است:**

۱- بدن خود را شستشو دادن، داخل شدن و غوطه زدن در آب و برای سرد شدن و دفع گرمی آب انداختن بالای خود. حتی کسیکه خیلی تشنه شده است میتواند که بالای خود آب بریزد و یا در آب غوطه بزند به شرط اینکه آب از طریق بینی و دهن از گلویش نگذرد.

۲- سرمه کردن و چکاندن دوا در چشم و گوش. البته اگر چیزی را در بینی و دهن خود چکاند و از گلویش گذشته و داخل معده اش گردید روزه اش فاسد می گردد.

۳- با شستن دهن و بینی روزه نمی شکند. و برای روزه دار جایز است که دهن و بینی خود را بشوید. البته از مبالغه کردن درین امر خود داری کند. زیرا درین کار خوف فاسد شدن روزه می رود.

۴- بوسیدن همسر، البته به این شرط که او قادر به ضبط نفس بوده و مرتکب جماع نشود. درین قضیه جوان و بزرگسال یکسان می باشند.

اگر بالای خود اعتبار ندارد، در آنصورت برایش جایز نیست بلکه مکروه می باشد.

روزی عمر فاروق رضی الله عنه همسرش را بوسید. ایشان ازین عمل خود به تشویش گردیده و نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده و عرض کرد: یا رسول الله امروز گناه خیلی بزرگی را مرتکب شدم! من در حالیکه روزه داشتم، همسر را بوسیدم! رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر روزه داشته باشی و مقدار آب را در دهن انداخته و غرغره کنی و دوباره بیرون انداری چه حکم دارد؟

عمر فاروق گفت این کار باکی ندارد.

پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: پس چرا پرسان می کنی (یعنی این عمل نیز باکی ندارد)

۵- برای روزدار جایز است که حجامت نموده و از بدن خود خون بکشد. زیرا صحیح بخاری روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حالی که روزه داشت حجامت (شاخک) نمودند.

اما اگر سبب ضعف روزه دار می گردد، این کار برایش مکروه است.



۶- پیچکاری کردن سبب شکستن روزه نمی‌گردد. اما برای روزه دار لازم است که بدون ضرورت اینکار را نکند.

۷- چیزی هایی که خود را نگهداشتن از آن مشکل و ناممکن است. مانند فرو بردن آب دهن، بلعیدن گرد و خاک بوی کردن چیزهای خوشبوی و امثال آن. درین موارد نه روزه می‌شکند و نه مکروه می‌گردد.

۸- زن می‌تواند که در صورت ضرورت چیزی را بچود و در دهن طفلش بدهد. البته به این شرط که چیزی از آن در دهنش باقی نمانده و داخل معده اش نشود. زیرا درینصورت روزه اش می‌شکند.

۹- اگر روزه دار در حالت جنابت بوده و صبح داخل گردد، به روزه اش نقصان نمی‌رسد. البته این کار را عادت همیشگی خود نگرداند. چنانچه از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده است که ایشان گاهگاهی در همین حالت صبح می‌کردند. البته بهتر آنست که قبل از داخل شدن فجر غسل نماید.

۱۰- مسواک زدن قبل از ظهر و بعد از ظهر جایز است. البته بشرطی که آب تلخ و یا ترشی که از مسواک در دهنش باقی می‌ماند بیرون انداخته و فرو نبرد. زیرا درینصورت روزه اش می‌شکند.

۱۱- تاییدن جامه و شال تر بر بدن

۱۲- سر و ریش را با تیل چرب نمودن

## آداب و سنت های روزه:

۱- سحری کردن سنت است. زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: سحری کنید، زیرا در غذای سحری برکت است. در سحری کردن با نوشیدن کمی آب نیز سنت بجا می‌گردد. و وقت آن از نیمه شب تا طلوع صبح صادق است، البته تأخیر کردن در سحری مستحب می باشد.

۲- بعد از آنکه غروب آفتاب یقینی گردید، در افطار نمودن روزه عجله کردن مستحب است. زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند: اتم تا زمانی بخیر خواهند بود که در افطار نمودن عجله نمایند. افطار نمودن روزه با خرما مستحب است و باید تعداد آن طاق باشد. و اگر خرما وجود نداشت، بوسیله آب افطار کردن بهتر است. البته اگر کسی طعام خود را قبل از نماز تمام می‌کند باکی ندارد.

۳- در هنگام افطار دعا کردن سنت است بخصوص آن دعایی که از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل شده است.

ذَهَبَ الظَّمْأُ وَأَبْتَلَّتْ العُرُوقُ وَثَبَّتَ الأَجْرُ إِنْ شَاءَ اللهُ (سنن أبي داود)

(تشنگی رفت و رگها تر شد و اجر و ثواب ما ثابت شد ان شاء الله).

و این دعا را پیوست کردن که:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيْمَا رَزَقْتَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (موطأ مالك)

(بار الها در آنچه به ما رزق داده‌ای برکت بگذار و از عذاب

جهنم نجات ما بده)

۴- ترک نمودن کردار و گفتاری که با روزه منافی است. مانند دروغ، غیبت و امثال آن زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند:

مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّورِ وَالْعَمَلَ بِهِ فَلَيْسَ لِلَّهِ حَاجَةٌ فِي أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ  
(صحیح البخاری)

(کسی که سخنان دروغ و عمل کردن بر آنرا ترک نکند الله متعال به ترک خوردن و نوشیدنش نیازی ندارد. یعنی روزه اجر و ثوابی برایش نخواهد داشت.)

۵- انجام دادن کارهای نیک بخصوص تلاوت و درس قرآن و انفاق در راه الله زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم در ماه رمضان بسیار زیاد سخاوت می نمودند و چنانچه بخاری و مسلم روایت کرده اند که در هر شب ماه رمضان حضرت جبرئیل آمده و قرآن کریم را با ایشان تکرار می نمودند.

۶- توجه نمودن به نماز تراویح، همچنان پابندی به نوافل، سنن و نماز تهجد.

۷- اهتمام خصوصی به استعمال مسواک. چنانچه صحیحین روایت نموده اند که:

عَنْ عَامِرِ بْنِ رَبِيعَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا لَا أُحْصِي يَتَسَوَّكُ وَهُوَ صَائِمٌ (سنن الترمذی)

(عامر بن ربیع از پدرش روایت می کند که گفت: من بارها رسول الله صلی الله علیه وسلم را دیده ام که در حالیکه روزه داشتند، دندانهای شان را مسواک می زدند.)

۸- از افراط کردن در کارهای مباح خود داری نماید. و بدون ضرورت آنرا انجام ندهد. مبادا در روزه اش خللی وارد گردد.

### شب قدر:

شب قدر بهترین شب و مملو از برکت و فضیلت است. الله عزوجل درین مورد فرموده اند:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲) لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳) تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (۴) سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ [القدر : ۱ - ۵]

(ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. (۱) تو چه می‌دانی شب قدر چیست؟ (۲) شب قدر، بهتر از هزار ماه است. (۳) فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای هر کاری نازل می‌شوند. (۴) این شب تا برآمدن سپیده دم [سراسر] سلام و رحمت است. (۵)

و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند:  
عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ (صحيح البخاري)  
(از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: کسی که بر اساس ایمان و بخاطر اجر و ثواب شب قدر را به نماز قیام نمود تمام گناهان قبلی اش مغفرت می‌شود.)

در تعیین شب قدر بین علماء اختلاف نظر وجود دارد تعدادی شب بیست و یکم را، تعداد دیگری شب بیست و سوم را و تعداد دیگر شب بیست و پنجم را تعیین کرده اند ولی اکثریت علماء به این نظرند که شب بیست و هفتم رمضان است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: شب قدر را در شب های طاق ده روز اخیر رمضان جستجو کنید به همین سبب رسول الله صلی الله علیه وسلم در ده اخیر رمضان اهتمام بیشتر به قیام شبانه می نمودند.

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْعَشْرَ أَحْيَا اللَّيْلَ وَأَيْقَظَ أَهْلَهُ وَجَدَّ وَشَدَّ الْمَتْرَزَ (صحيح مسلم)

(از عایشه رضی الله عنه روایت است که چون دهه اخیر ماه رمضان داخل می شد رسول الله صلی الله علیه وسلم شب را زنده میداشت و اهل را برای عبادت بیدار میکرد و برای عبادت الله متعال کمرش را می بست.)

عایشه رضی الله عنها از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید که اگر شب قدر را دریابم، چگونه دعاء نمایم؟ فرمودند: بگو که:  
اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ حُبُّ الْعَفْوِ فَأَعْفُ عَنِّي (سنن ابن ماجه)

(یا الله تو عفو کننده هستی و عفو را دوست داری، پس مرا عفو کن.)

## فصل نهم

### اعتکاف

اعتکاف عبارت از نشستن و باقی ماندن در مسجد به نیت عبادت می‌باشد. اعتکاف در ده روز اخیر ماه رمضان سنت است.

#### دلایل ثبوت اعتکاف:

الف: قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ [البقرة: ۱۸۷]

(با همسران تان مباشرت نکنید در حالیکه شما در مسجد به

اعتکاف نشستہ اید.)

ب: در حدیث صحیح وارد است که :

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَّخِرَ مِنْ رَمَضَانَ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ ثُمَّ اعْتَكَفَ أَزْوَاجُهُ مِنْ بَعْدِهِ (صحیح البخاری)

(از عایشه رضی الله عنه همسر رسول الله صلی الله علیه وسلم

روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم همیشه در

ده اخیر ماه رمضان به اعتکاف می‌نشستند تا آنکه وفات شدند. و

بعد از ایشان همسران شان اعتکاف می‌نشستند.)

## اهمیت اعتکاف:

اعتکاف برای مسلمان بهترین فرصت را می‌دهد تا از غم‌ها و مصروفیت‌های دنیایی دور گردیده و به عبادت الله متعال مصروف گردد. قرآن تلاوت کند، ذکر نماید، دعا کند، تسبیح بگوید و بر رسول الله صلی الله علیه وسلم درود بفرستد.

## فواید و اهداف اعتکاف:

فواید و اهداف اعتکاف خیلی زیاد است و درین جا شماری از آنها را ذکر می‌نماییم:

اول: در جریان زندگی روزمره از هر انسانی کوتاهی و تقصیرات واقع می‌گردد و اعتکاف بهترین وسیله تدارک این کوتاهی‌ها و تقصیرات است.

دوم: در اعتکاف پیوند ایمانی با الله متعال به بهترین صورت آن استحکام و قوت می‌یابد.

سوم: بهترین فرصت برای کسب علوم ضروری را برای انسان مهیاء می‌سازد.

چهارم: اخلاص و للهیت را در انسان قوی می‌سازد.

پنجم: محاسبه نفس به صورت درست صورت گرفته و این عمل را به عادت انسان مبدل می‌سازد.

ششم: نفس انسان به ذکر، تلاوت و استغفار عادت می‌یابد.

هفتم: بهترین وسیله برای نجات از عادات و اعتیاد‌های نادرست مانند نسوار و سگرت می‌باشد.

هشتم: صفت صبر و حوصله را در نفس انسان قوت می‌بخشد.  
نهم: فکر آخرت را در نفس انسان تقویت می‌کند.

## وقت آغاز و اختتام اعکاف مسنون:

کسی که ارادهٔ اعتکاف را دارد باید در عصر روز بیستم قبل از غروب آفتاب به اعتکاف داخل گردد و زمانی که اعلان دخول عید فطر گردید از اعتکاف خلاص می‌گردد.

## حکم اعتکاف

اعتکاف از نگاه حکم به سه نوع می‌باشد:

۱- اعتکاف واجب: آنست که شخصی بالای خود اعتکاف کردن را نذر کند.

اعتکاف نذری دو قسم است.

اول: نذر معین که وقت و روز آن معین باشد.

دوم: نذر غیر معین که وقت و روز آن تعیین نشده باشد.

قابل تذکر است که همراه با اعتکاف نذری روزه نیز

ضروری می‌باشد.

۲- اعتکاف مسنون: این نوع اعتکاف از جملهٔ سنتهای کفایی

رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌باشد.

عایشه رضی الله عنهما می‌فرمایند رسول الله صلی الله علیه

وسلم تا آنگاهی که وفات کرد، همه ساله در ده روز اخیر

رمضان اعتکاف می‌نمودند.



۳- اعتکاف مستحب: غیر از دو نوع فوق، سایر اعتکاف‌ها مستحب است. این نوع اعتکاف برای وقت خیلی کم هم شده می‌تواند.

### شرط‌های اعتکاف:

اول: اسلام، یعنی بالای کافر اعتکاف نیست تا هنگامی که مسلمان نشده است.

دوم: عقل و تمیز، یعنی بالای دیوانه و طفل خورد اعتکاف نیست. البته اگر نوجوانی که به حد تمیز رسیده است و کار بد و خوب را تمیز کرده می‌تواند، به اعتکاف بنشیند، اعتکافش درست بوده و ان‌شاء الله از اجر و ثواب خالی نخواهد بود.

سوم: اعتکاف باید در مسجدی گردد که در آن نمازهای پنجگانه اداء می‌گردد. البته این شرط برای مردان است اما زنان می‌توانند که در داخل خانه جایی را خاص کرده و به اعتکاف بنشینند.

پنجم: پاکی از جنابت نیز شرط است البته اینرا شرط حلال بودن اعتکاف گویند و شرط صحت آن نمی‌باشد. یعنی اگر کسی در حال جنابت اعتکاف نماید اعتکافش می‌شود ولی گنهکار شمرده می‌شود.

ششم: پاکی از حیض و نفاس برای زنان.  
هفتم: برای زن شرط است که از همسر خود درین مورد اجازه بگیرد.

## رکن اعتکاف:

رکن اعتکاف عبارت از باقی ماندن در مسجد بوده و بدون ضرورت شرعی نباید از مسجد خارج گردد. البته این شرط برای مردان است و برای زنان همان معتکفی که در خانه برای خود تعیین می‌کند حیثیت مسجد را دارد و نباید بدون ضرورت از محل اعتکاف خود خارج گردد.

## شکننده های اعتکاف:

اول: بدون ضرورت از مسجد خارج شدن.  
دوم: جماع و همبستری با همسر سبب فاسد شدن اعتکاف می‌گردد گرچه به فراموشی صورت گیرد.  
سوم: ارتکاب کارها و سخنانی که از مقدمات و بواعث همبستری بحساب می‌آید نیز سبب فاسد شدن اعتکاف می‌گردد. مانند بوسیدن و امثال آن. البته به شرط اینکه انزال شده و غسل بالایش لازم گردد. درین مورد الله عزوجل می‌فرماید:

وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ [البقرة: ۱۸۷]

(با همسران تان مباشرت نکنید در حالیکه شما در مسجد به اعتکاف نشسته اید.)

چهارم: نشه شدن در حالت اعتکاف.  
پنجم: بی‌هوش شدن و یا دیوانه شدن برای مدت طولانی.  
ششم: بالای زنان حیض یا نفاس طاری شدن.

هفتم: بیرون شدن از مسجد برای ادای نماز جنازه و یا رفتن به پرسیدن مریض. زیرا این کارها از جمله فرض های کفایی می باشد.

### **کار های جایز برای معتکف:**

اول: بیرون شدن از مسجد به غرض اجرای ضرورت های شرعی مانند رفتن به نماز جمعه. البته در صورتی که در مسجدی که اعتکاف کرده است امام و مؤذن دارد ولی نماز جمعه خوانده نمی شود.

دوم: بیرون شدن برای رفع حاجت انسانی.

سوم: اگر بالای معتکف جنابت طاری گردد می تواند که برای غسل از مسجد بیرون گردد.

چهارم: خوردن و نوشیدن در محل اعتکاف.

پنجم: گفتن سخن ضروری بین معتکفین.

ششم: خوابیدن در محل اعتکاف و استراحت کردن.

### **مکروهات اعتکاف:**

اول : آوردن متاع برای خرید و فروش در مسجد. البته این کار مکروه تحریمی است.

دوم: ترک اعمال و آداب لازم برای اعتکاف.

## آداب اعتکاف:

اول: از آداب اعتکاف اینست که بدون ضرورت و بجز از سخنان نیک و خیر، از بیهوده‌گویی اجتناب نماید و از هر آن کاری اجتناب کند که او را از عبادت الله عزوجل منع می‌کند.

دوم: بهتر آنست که برای اعتکاف نشستنی یکی از مساجد جامع را انتخاب نماید تا مجبور نشود که برای ادای نماز جمعه از اعتکاف برآمده و به مسجد جامع برود.

برای زنان بهتر آنست که در داخل خانه اش گوشه ای را برای اعتکاف آماده ساخته و در همانجا اعتکاف نماید.

سوم: بیش از ضرورت از خوردن و نوشیدن و خوابیدن خود داری نماید.

چهارم: بیشتر وقت خود را به تلاوت قرآن کریم، ذکر و درود گفتن به رسول الله صلی الله علیه وسلم بگذراند.

ششم: تمام کارهای زندگی را به صورت درست انجام دهد.

هفتم: قلب و ضمیر خود را از مصروفیت های دنیوی فارغ گرداند.

## فهرست مطالب

عنوان .....	صفحه
مقدمه مؤلف .....	۱
اهداف و انگیزه نوشتن این کتاب: .....	۲
خصوصیات این کتاب: .....	۲
فصل اول تعریف اسلام .....	۵
معرفی ارکان مهم اسلام: .....	۵
مفاهیم دو گانه اسلام: .....	۷
خلاصه بحث: .....	۸
ارکان پنجگانه اسلام: .....	۹
مفهوم مختصر حدیث: .....	۱۰
ویژگیها و حکمت های ارکان پنجگانه: .....	۱۰
فضایل ارکان پنجگانه: .....	۱۱
فصل دوم رکن اول اسلام .....	۱۷
مفهوم کلمه طیبه: .....	۱۸
فضایل کلمه طیبه: .....	۲۰
فصل سوم اصطلاحات فقهی .....	۲۳
تعریف حکم شرعی: .....	۲۳
انواع حکم شرعی: .....	۲۳
اول: احکام تکلیفی: .....	۲۳

دوم: حکم وضعی: ..... ۲۴

انواع حکم تکلیفی: ..... ۲۴

اول: اعمال جایز: ..... ۲۴

۱ - فرض: ..... ۲۴

۲ - واجب: ..... ۲۵

۳ - سنت: ..... ۲۵

۴ - مستحب: ..... ۲۶

۵ - عمل حرام: ..... ۲۷

۶ - مکروه تحریمی: ..... ۲۷

۷ - مکروه تنزیهی: ..... ۲۷

۸ - مباح: ..... ۲۷

## اصطلاحات عمومی ..... ۲۹

ثواب: ..... ۲۹

حسنه «نیکی» ..... ۲۹

عوض: ..... ۲۹

طاعت: ..... ۲۹

سفر: ..... ۲۹

شرط: ..... ۳۰

رکن: ..... ۳۰

طهارت: ..... ۳۰

وضوء: ..... ۳۱

تیمیم: ..... ۳۱

غسل: ..... ۳۱

۳۱	.....	استنجا:
۳۲	.....	مسح:
۳۲	.....	حیض:
۳۲	.....	استحاضه:
۳۳	.....	نفاس:
۳۳	.....	نماز
۳۳	.....	آذان:
۳۳	.....	تکبیر تحریمه:
۳۴	.....	تکبیر:
۳۴	.....	قرائت:
۳۴	.....	مدرک:
۳۴	.....	مسبوق:
۳۴	.....	لاحق:
۳۴	.....	سجده:
۳۵	.....	رکوع:
۳۵	.....	قیام:
۳۵	.....	قومه:
۳۵	.....	جلسه:
۳۵	.....	قعه:
۳۵	.....	تشهد:
۳۵	.....	ثنا:
۳۶	.....	تسمیه:
۳۶	.....	تعوذ:

۳۶ ..... دعای قنوت: ۳۶

۳۶ ..... تسبیح: ۳۶

۳۶ ..... تعظیم: ۳۶

۳۶ ..... تأمین: ۳۶

۳۶ ..... تسلیم: ۳۶

۳۶ ..... روزه: ۳۶

۳۷ ..... اعتکاف: ۳۷

۳۷ ..... صحیح: ۳۷

۳۷ ..... فاسد و باطل: ۳۷

## ۳۸ ..... فصل چهارم طهارت ۳۸

۳۸ ..... اقسام طهارت: ۳۸

۳۸ ..... انواع نجاست: ۳۸

۳۹ ..... اقسام آبها: ۳۹

## ۴۱ ..... وضوء ۴۱

۴۱ ..... فضیلت وضوء: ۴۱

۴۱ ..... فرایض وضوء: ۴۱

۴۲ ..... دلیل فرضیت وضوء: ۴۲

۴۲ ..... شرطهای صحت وضوء: ۴۲

۴۳ ..... شرطهای فرض شدن وضوء: ۴۳

۴۳ ..... سنت های وضوء: ۴۳

۴۶ ..... مستحبات وضوء: ۴۶

۴۷ ..... آداب وضوء: ۴۷

۴۸ ..... مکروهات وضوء: ۴۸



شکونده های وضوء: ..... ٤٩

اقسام وضوء: ..... ٤٩

## ٥١ ..... غسل

فرايض غسل: ..... ٥١

سنت های غسل: ..... ٥١

آداب غسل ..... ٥٢

موجبات غسل: ..... ٥٢

غسل های مسنون و مستحب: ..... ٥٣

مسح بر موزه ها و جراب های ضخيم: ..... ٥٣

شرطهای جواز مسح بر موزه و ماسی: ..... ٥٤

اندازه مسح بر موزه: ..... ٥٤

طريقه مسنون مسح بر موزه: ..... ٥٤

مدت مسح: ..... ٥٥

شکونده های مسح: ..... ٥٥

## ٥٦ ..... تیمم

طريقه تیمم: ..... ٥٦

دليل مشروعيه تیمم: ..... ٥٦

شرطهای صحت تیمم: ..... ٥٧

ارکان تیمم: ..... ٥٨

سنت های تیمم: ..... ٥٨

عذر هایی که تیمم را جایز می سازد: ..... ٥٩

طريقه عملی تیمم: ..... ٥٩

شکونده های تیمم: ..... ٦٠

## بیان مختصر مسایل خاص زنان ..... ۶۱

اول : حیض: ..... ۶۱

احکام و مسایل مربوط به حیض: ..... ۶۱

ب: استحاضه: ..... ۶۲

احکام استحاضه: ..... ۶۲

ج: نفاس: ..... ۶۲

## فصل پنجم رکن دوم اسلام ( نماز) ..... ۶۳

الف: دلیل مشروعیت و فرضیت نماز: ..... ۶۳

حکم تارک نماز: ..... ۶۴

ج: جایگاه نماز در اسلام: ..... ۶۵

هدف و مقصد اصلی نماز: ..... ۶۶

فوائد نماز در زندگی روزانه: ..... ۶۸

اقسام نماز: ..... ۷۱

اول: نماز های فرضی: ..... ۷۱

دوم : نماز های واجب: ..... ۷۲

ب: نماز های دو عید: ..... ۷۴

ج: دو رکعت نماز بعد از طواف: ..... ۷۵

سوم: نماز های سنت: ..... ۷۵

نماز های سنت و مستحب: ..... ۷۸

اول: نماز اشراق و نماز ضحی: ..... ۷۸

تعداد رکعت های نماز اشراق و فضیلت آن: ..... ۷۹

نماز کسوف: ..... ۷۹

طریقه ادا ی نماز کسوف: ..... ۷۹

نماز توبه: ..... ۸۰

نماز استسقاء: ..... ۸۰

نماز تراویح ..... ۸۲

قیام اللیل یا نماز تهجد: ..... ۸۴

نماز استخاره: ..... ۸۵

تحیة مسجد: ..... ۸۷

تحیة وضوء: ..... ۸۷

نماز حاجت: ..... ۸۷

### **۸۹..... احکام خاص مربوط نماز های خاص**

احکام و مسایل خاص نماز جمعه: ..... ۸۹

اول: شروط فرضیت نماز: ..... ۸۹

دوم: شروط صحت نماز جمعه: ..... ۹۰

خطبه: ..... ۹۰

احکام مخصوص نماز عید: ..... ۹۱

طریقه عملی ادای نماز عید: ..... ۹۱

سننها و آداب عید: ..... ۹۴

احکام نماز جنازه: ..... ۹۴

الف: شرطهای نماز جنازه: ..... ۹۵

ارکان نماز جنازه: ..... ۹۵

سننهای نماز جنازه: ..... ۹۶

نماز کسوف : ..... ۹۶

نماز خسوف: ..... ۹۷

احکام خاص خسوف: ..... ۹۷

۹۸	آداب استسقاء:
۹۸	طریقه دعاء کردن:
۱۰۰	طریقه عملی ادای نماز فرض
۱۰۰	تکبیر:
۱۰۰	تسبیح:
۱۰۱	تعوذ:
۱۰۱	تسمیه:
۱۰۲	سوره فاتحه:
۱۰۲	آمین گفتن:
۱۰۳	خواندن یک سوره:
۱۰۴	تشهد (التحیات):
۱۰۸	<b>فصل ششم مسایل و احکام عام نماز</b>
۱۰۸	فرایض نماز:
۱۰۸	اول: شرطهای نماز:
۱۰۸	شرط های وجوب:
۱۰۹	شرطهای صحت نماز:
۱۱۲	حکم شرطهای نماز:
۱۱۳	حکم ارکان نماز:
۱۱۳	واجبات نماز:
۱۱۵	حکم واجبات نماز:
۱۱۶	سنت های نماز:
۱۱۷	حکم سنتهای نماز:
۱۱۸	مستحبات نماز:

حکم مستحبات نماز: ..... ۱۱۹.

پنجم: مفسدات نماز ..... ۱۱۹.

حکم مفسدات نماز: ..... ۱۲۱.

ششم: مکروهات نماز: ..... ۱۲۱.

هفتم: مباحات در نماز: ..... ۱۲۲.

حکم مباحات: ..... ۱۲۲.

### **فصل هفتم رکن چهارم اسلام (روزه) ..... ۱۲۳**

دلایل فرضیت روزه: ..... ۱۲۳.

سبب فرضیت روزه: ..... ۱۲۴.

حکم شرعی روزه: ..... ۱۲۵.

فضایل ماه رمضان ..... ۱۲۵.

پنج خصوصیت این امت در ماه رمضان: ..... ۱۲۸.

سلوک روزه دار: ..... ۱۲۹.

فوائد روحی روزه: ..... ۱۲۹.

فوائد صحی روزه: ..... ۱۳۰.

اهداف روزه: ..... ۱۳۰.

آداب روزه: ..... ۱۳۱.

### **فصل هشتم احکام و مسایل ضروری روزه ..... ۱۳۳**

آیا اختلاف مطالع (محل طلوع مهتاب) معتبر است یا نه؟ ..... ۱۳۳.

ثبوت داخل شدن رمضان: ..... ۱۳۳.

طریقه ثبوت ماه شوال: ..... ۱۳۴.

شرطهای روزه: ..... ۱۳۵.

اول: شروط فرضیت روزه: ..... ۱۳۵.

- ۱۳۶.....دوم: شروط وجوب اداء:.....
- ۱۳۶.....سوم: شروط صحت ادای روزه:.....
- ۱۳۷.....طریقه و وقت نیت روزه:.....
- ۱۳۷.....شرطهای وجوب و صحت ادای روزه:.....
- ۱۳۸.....رکن روزه:.....
- ۱۳۸.....انواع روزه.....
- ۱۳۹.....دوم: روزه های مسنون.....
- ۱۴۲.....سوم: روزه های مکروه و حرام.....
- ۱۴۳.....شکننده های (مفسدات) روزه:.....
- ۱۴۵.....شرطهای کفاره:.....
- ۱۴۵.....طریقه و کیفیت ادای کفاره:.....
- ۱۴۶.....تداخل در کفاره:.....
- ۱۴۶.....دوم: مفسداتی که تنها قضایی را لازم می گرداند:.....
- ۱۴۸.....مکروهات روزه:.....
- ۱۴۸.....کارهایی که برای روزه دار مکروه نیست:.....
- ۱۴۹.....حالاتی که خوردن روزه برای انسان جایز می گردد.....
- ۱۵۰.....قضایی روزه هایی افطار شده:.....
- ۱۵۱.....کارهایی که برای شخص روزه دار مباح است:.....
- ۱۵۴.....آداب و سنت های روزه:.....
- ۱۵۶.....شب قدر:.....
- ۱۵۸.....فصل نهم اعتکاف.....**
- ۱۵۸.....دلایل ثبوت اعتکاف:.....
- ۱۵۹.....اهمیت اعتکاف:.....

- ۱۵۹..... فواید و اهداف اعتکاف:
- ۱۶۰..... وقت آغاز و اختتام اعکاف مسنون:
- ۱۶۰..... حکم اعتکاف
- ۱۶۱..... شرط‌های اعتکاف:
- ۱۶۲..... رکن اعتکاف:
- ۱۶۲..... شکننده های اعتکاف:
- ۱۶۳..... کار های جایز برای معتکف:
- ۱۶۳..... مکروهات اعتکاف:
- ۱۶۴..... آداب اعتکاف:

# ارکان اسلام

(فضایل و احکام)

(کلمه طیبه، نماز، روزه)

نویسنده: مولوی امین الله ازروال

مترجم: عبدالبصیر مؤمن حکیمی



## معرفی کتاب

نام کتاب: ارکان اسلام (فضایل و احکام)  
(کلمه طیبہ، نماز، روزہ)

نویسنده: مولوی امین اللہ ازروال

مترجم: عبدالبصیر مؤمن حکیمی

شماره چاپ: اول

تیراژ: یک ہزار جلد

تاریخ چاپ: دلو سال ۱۳۹۳ ہجری شمسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ